



- چرا و چگونه / سرمقاله / ۲

- یاد ایام / ۴

- آن ادب پرورده صبر و رضا / محمد اقبال لاهوری / ۵

محیط زیست، مسئله این است / نصرالله دادار / ۶

جهان جان دارد! / سید مصطفی محقق داماد / ۱۳

یک فاجعه زیست محیطی / مری مکیبتاش / ۱۴

روشنی / سهراب سپهری / ۱۵

شهید سید کاظم موسوی / اسفندیار معتمدی / ۱۶

تربیت معلم در ایران و جهان / مرتضی سمیعی زفرقندی / ۱۸

انوری / کبری محمودی / ۲۴

تغییر نظام آموزشی کشور / ۲۶

خرس در آسمان (گزارش) / منصور ملک عباسی / ۲۸

چالش پایان‌ناپذیر تربیت معلم (۱) / مریلین کوچران اسمیت، کریستین پاور. ترجمه

حسین ربانی / ۳۱

رسانه‌های گروهی و انحرافات اجتماعی / زهرا هادیان / ۳۴

آموزش فعال بر بستر ویژگی‌های معلم و دانش آموز / منیر زارع‌زاده / ۳۶

آثار شما رسید / ۴۰

مجله خودتان را ارزیابی کنید / ۴۱

وبلاگ معلمان / محمود حسینی، سید بهاء حسینیان، حسین اعتصامی / ۴۲

علم بهتر است یا ثروت / سید حسین رضوی / ۴۵

مدرسه‌های امروز / سید ابراهیم حسینی / ۴۷

جدول / مسعود آباد / ۴۸

ماه‌نامه آموزشی، تحلیلی و
اطلاع‌رسانی

معلم
رشد

ماه‌نامه
آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
دوره بیست‌ونهم
فروردین ماه ۱۳۹۰
شماره پیدرپی ۲۵۶

سال هجری ۱۴۱۰



دفتر نشریات کتاب‌آموزش

فایده توجیه
نویسندگان محترم

آثار ارسال‌شده برای درج در مجله
با ویژگی‌های زیر قابل بررسی است:

- قبلاً جای دیگری چاپ نشده باشد.
 - دارای چکیده و منبع باشد.
 - ترجمه‌ها، هم‌خوان و همراه با متن اصلی باشد.
 - از نظر موضوع، نو و کاربردی باشد و قابلیت تعمیم در مدرسه را داشته باشد.
 - خوانا، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد.
 - در کاغذ A۴ و یک روی کاغذ نوشته شود.
 - مقاله‌ها حتی الامکان دارای جدول، نمودار و عکس مناسب باشد.
- مجله در قبول، رد، ویرایش و تلخیص آثار رسیده آزاد است.
آثار ارسال‌شده بازگردانده نمی‌شود.

- مدیر مسئول: محمد ناصری
- سردبیر: جعفر ربانی
- شورای برنامه ریزی و کارشناسی:
اسفندیار معتمدی، سعید قریشی، سید امیر رون، محمد هادی نهاوندیان
- مدیر داخلی: کبری محمودی
- طراح گرافیک: حسین نوروزی
- نشانی پستی دفتر مجله:
تهران - صندوق پستی ۶۵۸۶-۱۵۸۷۵ تلفن: ۸۸۴۹۰۲۲۹ - ۰۲۱
- نشانی پستی امور مشترکین: تهران - صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰
- وبگاه: www.roshdmag.ir
- رایانامه: moallem@Roshdmag.ir
- تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۹۲۳۲ - ۸۸۳۰۱۴۸۲ - ۰۲۱
- کد مدیر مسئول: ۱۰۲ کد امور مشترکین: ۱۱۴
- شماره کان: ۶۰۰۰۰ نسخه
- چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

امتحان از مجلات رشد؟! چرا و چگونه؟

نظام آموزشی ما به گونه‌ای شده است که معلم و دانش آموز، همه چیز را، یعنی هر متن آموزشی را در قالب امتحان، پرسش و پاسخ، نمره، امتیاز و... می‌بینند. غالباً هم چندان در بند این نیستند که بدانند، این پرسش و پاسخ به چه کار می‌آید؟ آیا دانستن یا ندانستن پاسخ هر سؤال، چیزی به دانش دانش آموزان می‌افزاید یا از آن می‌کاهد؟

مجلات رشد هم، و بیشتر، مجلات دانش آموزی، دچار چنین بلایه‌ای شده‌اند. چگونه؟ بدین صورت که در بسیاری از مدارس، به جای آن که این مجلات که اهداف غیر مستقیم آموزشی را دنبال می‌کنند، پرورش دهنده ذوق، دانایی و حس زیباشناسانه بچه‌ها باشند، به ابزاری برای امتحان و سؤال و جواب بدل شده‌اند. در سفرهایی که ما معمولاً با همکارانمان به استان‌ها و شهرستان‌ها می‌رویم، با این پدیده، بویژه در مدارس ابتدایی، زیاد روبه‌رو می‌شویم، و جالب توجه این که پاره‌ای از مدیران و معلمان، امتحان گرفتن از مجلات رشد را جزو فعالیت‌های مثبت خود قلمداد می‌کنند، چون سبب شده است بر خوانندگان مجلات افزوده شود و بچه‌ها به آن‌ها بیشتر علاقه‌مند شوند!

به نظر می‌رسد این پدیده، یعنی امتحان گرفتن از مطالب رشد، چنان گسترده است که گفتن این که این مجله‌ها برای امتحان گرفتن تولید نمی‌شوند، بلکه هدف آن‌ها رشد و پرورش ذوق، علاقه و افزایش سطح مطالعه دانش آموزان است، دیگر تکرار مکررات است و مؤثر نیست و به جای آن باید کاری کرد که حالا که امتحان گرفتن خودش به یک روش در مطالعه مجلات رشد تبدیل شده، این کار اقلاً در مسیری صحیح‌تر صورت پذیرد؛ هم‌چنان که در مورد سیل کتاب‌های کمک درسی و کمک آموزشی که به مدارس و خانه‌ها روان است، کاری جز انتخاب بهتر نمی‌توان توصیه کرد. بنابراین:

۱. همکاران عزیز ما به خوبی می‌دانند که کم ارزش‌ترین سؤال امتحانی آن است که اطلاعات اولیه و یا دانسته‌های حفظی را سنجش کند. برای مثال: تعداد... را نام ببرید. پایتخت... کجاست؟ نخستین پادشاه... که بود؟ اسامی... را بنویسید. نماز... چند رکعت است؟ نام... چیست؟ چه کسی... را کشف کرد؟ مخترع... چه نام داشت؟ نام پسر... چه بود؟ آرامگاه... در کدام شهر واقع است؟ و...

از این نوع سؤالات، معمولاً در امتحان‌های مجلات رشد بسیار زیاد است و جالب و خنده‌دار این که در مدرسه‌ای، از صفحه شناس نامه مجله هم سؤال طرح کرده و پرسیده بودند: شماره تلفن مجله رشد دانش آموز چیست؟!

۲. طرح سؤال‌های مشابه سؤال‌های بالا، البته فی نفسه اشکالی ندارد، مخصوصاً هنگامی که هدف از درس، آشنا کردن دانش آموز با مختصات و نشانه‌های یک مطلب است. مثلاً نمی‌توان در درس علوم تجربی از دانش آموز خواست، کار قلب را شرح دهد، بدون آن که نام اجزای قلب، رگ‌ها، دهلیزها، بطن‌ها و... را بداند. اما در هر صورت، و بویژه در مجلات رشد، طرح سؤال‌های این چنین

کار صحیحی نیست.

معلمان با تجربه و دانا، حتی در امتحان از کتاب درسی، قسمت کمی از سؤال‌های خود را به طرح پرسش‌هایی راجع به اطلاعات اولیه اختصاص می‌دهند و بقیه را به درک، فهم، استنباط، نتیجه‌گیری، قضاوت، تعمیم و... می‌پردازند.

حاصل کلام ما این است که معلمان عزیز و همکارانی که در اشاعه مجلات در میان دانش آموزان خود می‌کوشند، اگر می‌خواهند امتحان بگیرند، البته به عنوان مسابقه و...، بهتر است در طرح سؤال‌ها، عمیق‌تر بیندیشند و سنجیده‌تر عمل کنند، تا موجب علاقه‌مندی واقعی بچه‌ها به مجله شوند و نه این که نقش کتاب درسی را به مجلات بدهند.

شاگردان از درس‌های گذشته است تا بتوان بر اساس آن درس جدید داد. (چون مطالب مجلات رشد درس نیست که در کلاس تدریس شود، پس امتحان از مجلات رشد مشمول این قاعده نمی‌شود).

۲. پرسش خوب در پی یافتن میزان درک و فهم دانش‌آموزان از درسی است که به آنان داده شده است. (باز هم مجلات رشد تدریس نمی‌شود، لذا این هدف بر آن‌ها مترتب نیست).

۳. هدف پرسش خوب بالا بردن نیروی خرد و اندیشه‌شناگردان از راه‌های مناسب است؛ به طوری که ذهن آن‌ها را برانگیزد و بیدار کند. (این مورد درباره مجلات کاملاً مصداق دارد و باید یکی از هدف‌های ما قرار گیرد).

۴. جلب توجه شاگردان به مطلبی که معلم، به تشخیص خود، دانستن آن‌ها را برای دانش‌آموزان لازم می‌داند، ویژگی پرسش خوب است. در این مورد مثالی می‌آوریم: در شماره ۴ مجله رشد دانش‌آموز (دی‌ماه ۸۹) مطلبی درباره «قنات گناباد» چاپ و گفته شده است که این قنات، بزرگ‌ترین قنات جهان است و بیش از دوهزار سال پیش حفر شده است. به احتمال زیاد، آموزگاران، بویژه آن‌ها که در استان‌های دارای قنات، یعنی خراسان، کرمان، یزد، اصفهان و دیگر مناطق کویری زندگی می‌کنند، این موضوع را برای درس «تعلیمات اجتماعی» مهم تشخیص می‌دهند و خواندن آن را به دانش‌آموزان خود توصیه می‌کنند. در این جا لازم نیست دقیقاً اطلاعات موجود در متن «قنات گناباد» را به سؤال تبدیل کنیم، بلکه می‌توان قنات را محور مسابقه قرار داد و سؤال‌های مناسبی پیرامون آن طرح کرد. از این نمونه‌ها در مجلات رشد فراوان است.

۵. برانگیختن توجه کودکان و نوجوانان به رفتار دیگران و رهبری کردن آن‌ها به شیوه درست. در این مورد، داستان‌های مجلات بهترین نمونه است. شما می‌توانید از یک داستان کوتاه که معمولاً در هر مجله‌ای هست، سؤال‌های خوبی درباره رفتار اشخاص داستان (حتی اگر این اشخاص آدمی نباشند)، طرح کنید و از این طریق علت‌های رفتاری و درستی و یا نادرستی آن‌ها را از نظر دانش‌آموزان خود سنجش کنید.

۶. گاهی لازم است دانسته‌های غلط و از این مهم‌تر عقاید غلط کودکان را از ذهن آن‌ها استخراج و برای تصحیح آن‌ها اقدام کنیم تا بچه‌ها نظر خود را درباره آن تغییر دهند. در این باره هم به مطلب «آیه و انگشت» در شماره ۳ مجله رشد دانش‌آموز سال ۸۹ اشاره می‌کنیم که در آن، دو کودک خردسال حضرت علی(ع)، یعنی حسنین، «وضو اشتباه» پیرمرد را از طریق عمل، به او نشان می‌دهند و این نمونه خوبی است برای کاری مشابه در این زمینه.

امتحان از رشد‌های بزرگسال

حتماً معلمان عزیز به خاطر دارند که امسال بخشی از مطالب شماره ۴ مجلات رشد (رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی و رشد مدیریت مدرسه)، به آزمون ضمن خدمت معلمان اختصاص یافت و چه بسا شما که خواننده این مطلب هستید، در یکی از آن آزمون‌ها شرکت کرده‌اید. امیدواریم با توجه به این که قرار است این کار در سال‌های آینده هم انجام گیرد، از نظرات و پیشنهادات شما عزیزان نیز بهره‌جویم. با آرزوی موفقیت برای همه همکاران عزیز در همه مدارس و در سراسر ایران. سردبیر

پرسش خوب چیست؟

اکنون ویژگی‌های پرسش خوب را در شش بند بیان می‌کنیم و امیدواریم این کار، در ارتقای کیفیت طرح سؤال، هم در درس‌ها و هم در مجلات، مؤثر باشد.

نخست خاطر نشان سازیم که شادروان محمد پروین گنابادی معتقد بود «پرسش خوب و سودبخش تهیه کردن، در شمار هنرهای زیباست. زیرا چنین امری مستلزم ذوق سلیم و نیروی اندیشه استوار و شناختن میزان هوش و استعداد و درک و فهم شاگردان است و لذا معلم لایق و توانا را می‌توان از روش پرسش‌های وی در کلاس شناخت و از این راه به میزان مهارت و دل‌بستگی وی به این پیشه شریف پی برد.»
۱. پرسش خوب در پی به دست آوردن میزان معلومات

پاییم

۲، ۳، ۱۲ و ۱۸ فروردین

• روزهای دوم، سوم، دوازدهم و هجدهم فروردین، به ترتیب روز جهانی آب، روز جهانی هواشناسی، روز جمهوری اسلامی و روز جهانی بهداشت است. چه خوب است مدیران محترم و معلمان عزیز، بخصوص آموزگاران محترم، در روز بهداشت (۱۸ فروردین) اهمیت چنین روزی را برای دانش آموزان - حتی در صف صبحگاهی - بیان کنند و بویژه ارزش «جهانی بودن» این روزها را به دانش آموزان گوشزد کنند، تا این اندیشه که «بنی آدم اعضای یکدیگرند...» از هم اکنون به طریق عینی در وجود آنها شکل گیرد.

۲۰ فروردین

فناوری هسته‌ای، یکی از چند رشته فنی راهبردی و بسیار با اهمیت در جهان است. خوشبختانه طی چند دهه تلاش و مجاهدت مسئولان کشور و استادان و دانشمندان و فناوران ما، ایران امروز عملاً به جرگه کشورهای هسته‌ای پیوسته و با وجود همه مخالفت‌ها و توطئه‌هایی که آمریکا و دیگر قدرت‌ها، علیه این پروژه بزرگ ملی به کار بسته‌اند، توانسته‌اند ایران را از دست‌یابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای باز دارند. امیدواریم این دستاورد بزرگ ملی هم چنان پایدار بماند.



۲۵ فروردین

فریدالدین عطار نیشابوری مرد بزرگی بوده است. اگر قرار باشد ده چهره بزرگ عرفانی تاریخ ادبیات فارسی را نام ببریم، عطار بی‌شک یکی از آنان خواهد بود. در ارزش و اهمیت او همین بس که با نگاه نافذ و چشم بصیرت خود توانست از کودکی **جلال‌الدین محمد بلخی**، آینده درخشان او را حدس بزند و به پدرش بگوید: «زودا که این طفل آتش در سوختگان عالم زند!» و البته می‌دانیم که بسیاری از سوختگان عالم، خود به آتش عطار سوخته‌اند، حتی خود مولوی. باری عطار چند اثر از خود باقی گذاشته که هنوز می‌تواند نیاز تشنگان وادی معرفت را بر آورد. منطق الطیر، مصیبت‌نامه، اسرار‌نامه، الهی‌نامه و تذکره الاولیا که این اثر آخر به نثر است. آثار عطار چنان تأثیرگذار است که کلام او را تازیانه سلوک یا سلاک نام نهاده‌اند. مشهور است که وی در سال ۶۱۸ هـ.ق. به دست مغولان در نیشابور کشته شد.



۲۸ فروردین

این روز مصادف است با ۱۳ جمادی الاول و سالروز وفات **حضرت فاطمه زهرا (س)**، دختر پیامبر گرامی اسلام. این بانوی نمونه و مظلوم اهل بیت، معمولاً کانون عواطف دوست‌داران خاندان رسول‌الله، در فرق مختلف است. چنان که می‌دانیم «فاطمیان» مصر، لقب خود را از نام این بانوی بزرگ گرفته و دانشگاه بزرگ مصر را نیز به تاسی از لقب ایشان «الازهر» نام نهادند. بدین مناسبت شعری در ستایش حضرت فاطمه زهرا از محمد اقبال لاهوری را در همین شماره تقدیمتان می‌کنیم.



آن پیر در ده برین

مریم از یک نسبت عیسی عزیز
از سه نسبت حضرت زهرا عزیز
نور چشم رحمة للعالمین
آن امام اولین و آخرین
آن که جان در پیکر گیتی دمید
روزگار تازه آیین آفرید
بانوی آن تاجدار هلاقی
مرتضی، مشکل گشا، شیر خدا
پادشاه و کلبه‌ای ایوان او
یک حسام و یک زره سامان او
مادر آن مرکز پرگار عشق
مادر آن کاروان سالار عشق
آن یکی شمع شبستان حرم
حافظ جمعیت خیرالامم
تا نشیند آتش پیکار و کین
پشت پا زد بر سر تاج و نگین
وان دگر مولای ابرار جهان
قوت بازوی احرار جهان
در نوای زندگی، نور از حسین
اهل حق، حریت آموز از حسین
سیرت فرزندها از امهات
جوهر صدق و صفا از امهات
مزرع تسلیم را حاصل بتول
مادران را اسوه کامل بتول
بهر محتاجی دلش آن گونه سوخت
با یهودی چادر خود را فروخت
نوری و هم آتشی فرمان‌برش
گم رضایش در رضای شوهرش
آن ادب پرورده صبر و رضا
آسیاگردان و لب قرآن سرا
گریه‌های او زبالتین بی‌نیاز
گوهر افشاندی به دامان نماز
اشک او برچید جبریل از زمین
هم‌چو شبنم ریخت بر عرش برین
و رنه گرد تربتش گردیدمی
سجده‌ها بر خاک او پاشیدمی
محمد اقبال لاهوری





گفت و گو: نصرالله دادار

مسئله این است

اشاره

بشر امروز با مشکلات بزرگی در عرصه جهانی مواجه است؛ خشک سالی، فقر، مهاجرت، رشد جمعیت، تخریب محیط زیست و... این مشکلات مرزها و سرزمین‌ها را در می‌نوردند و خواسته و ناخواسته، بر زندگی مردمانی دیگر که خود نقشی در به وجود آوردن این مشکلات ندارند، تأثیر می‌گذارند.

گنه کرد در بلخ آهنگری
به ششتر زدند گردن مسگری!

محیط زیست یکی از مشکلات موجود است که از آن به «مسئله محیط زیست» تعبیر می‌شود و چندین دهه است که خود را به صورت جدی آشکار ساخته و توجه بسیاری از دانشمندان در رده‌ها و رشته‌های مختلف را به خود معطوف ساخته و حتی نهادهایی بین‌المللی، چون سازمان ملل متحد را نیز به تکاپو واداشته است.

از آن‌جا که حل هر مشکل، در اولین گام، به آگاهی از صورت مسئله نیاز دارد، و از آن‌جا که مسئله محیط زیست، مسئله کشور ما نیز هست، بر آن شدیم برای آشنایی بیشتر شما معلمان عزیز در سراسر کشور، در گفت‌وگویی با دو تن از اهل نظر، این موضوع را به بحث بگذاریم. بدین منظور، از آقای دکتر سپاوش شایان استاد جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس و سردبیر مجله رشد آموزش جغرافیا و آقای محمد کرام‌الدینی، کارشناس مسئول پیشین گروه زیست‌شناسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و سردبیر مجله رشد آموزش زیست‌شناسی، دعوت کردیم در این گفت‌وگو شرکت کنند و مسائل مربوط به این موضوع را مورد بحث قرار دهند. امید است این گونه مباحث بتواند در آگاهی بخشی به معلمان، دانش‌آموزان و پدران و مادران آن‌ها مفید و مؤثر واقع گردد. با تشکر از آقای دکتر شایان و آقای کرام‌الدینی، توجه شما را به متن گفت‌وگو جلب می‌کنیم.





● آقای کرام‌الدینی، در علم «زیست‌شناسی» محیط زیست را چگونه تعریف می‌کنند؟

○ محیط زیست همان گونه که از نام آن پیداست، صرفاً به معنای محیط زیست و نه چیز دیگر خواهد بود. یعنی محیطی که موجود زنده از ابتدای پیدایش، در آن رشد می‌کند و سرانجام عمر او در همین محیط پایان می‌یابد. بحث محیط زیست بسیار گسترده است؛ بر خلاف تصور برخی که محیط زیست را صرفاً به زیست‌شناسی محدود می‌دانند. محیط زیست موضوعی چند رشته‌ای یا بین رشته‌ای است. پس به صرف این‌که کلمه «زیست» در اصطلاح «محیط زیست» آمده، به درس زیست‌شناسی مربوط نمی‌شود و اسم محیط زیست ظاهراً غلط‌انداز است. مثلاً مواد شیمیایی و پرتوهایی که وارد محیط می‌شوند، به دروس شیمی و فیزیک مربوط‌اند. حتی انسان‌هایی که با فرد سر و کار دارند، جزو درس علوم اجتماعی خواهند بود. در درس زبان هم می‌توانیم محیط زیست را مطرح کنیم و دروسی تحت عنوان آموزش محیط زیست و سایر موارد را به زبان انگلیسی تدریس کنیم. یعنی نوعی فرهنگ زیست محیطی را تقویت کنیم و در سطح کشور به آن بپردازیم. بنابراین، دروس جغرافی، شیمی، فیزیک و دروس دیگر نیز با این مسئله مرتبط است و آن‌ها هم در آن سهم دارند.

● آقای دکتر شایان، نظر شما چیست؟ آیا محیط

زیست از نگاه جغرافیا هم همین‌طور تعریف می‌شود؟
○ همان‌طور که آقای کرام‌الدینی هم اشاره کردند، من هم فکر نمی‌کنم که محیط زیست به رشته خاصی مربوط باشد. اما در مورد جغرافیا، چون این علم به شناسایی محیط‌های گوناگونی مربوط است که انسان در آن‌ها زندگی می‌کند، اشتراک‌هایی با مسائل زیست محیطی پیدا کرده است. از تعاریفی که برای جغرافیا ذکر کرده‌اند، می‌گویند که جغرافیا علم بررسی روابط انسان با «محیط» اوست که البته ممکن است کلمه زیست را هم به آن اضافه کنیم و بگوییم «محیط زیست» که در واقع همان «اکولوژی» است، به معنای «بررسی روابط بین جانوران، گیاهان و جانداران با محیطی که در آن زندگی می‌کنند».

در حال حاضر، بیش از هر چیز، اکولوژی می‌خواهد به این سؤالات پاسخ دهد که چه موجودات و جاندارانی در کجا و با چه جمعیتی زندگی می‌کنند؟ در این قسمت، موضوع «کجا» مهم است و سپس «جمعیت»!

● آیا تعریفی از محیط زیست که همه روی آن متفق‌القول باشند، وجود دارد؟

○ بله، تعریفی که در حال حاضر پذیرفته شده است و در فرهنگ‌های علمی می‌توانید پیدا کنید، همان است که

محیط‌زیست
موضوعی چند
رشته‌ای یابین
رشته‌ای است. پس
به صرف این‌که کلمه
«زیست» در اصطلاح
«محیط‌زیست» آمده،
به درس زیست‌شناسی
مربوط نمی‌شود



محمد کرام الدینی

متولد ۱۳۲۴ در سیرجان.

لیسانس زیست‌شناسی عمومی، فوق‌لیسانس زیست‌شناسی گیاهی، دکترای علوم اجتماعی. سردبیر مجله رشد آموزش زیست‌شناسی سابق: تدریس زیست‌شناسی در مدارس ایرانی و خارجی، کارشناس گروه زیست‌شناسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سردبیر سابق مجله علمی آموزشی رهاورد و سردبیر کنونی مجله رشد آموزش زیست‌شناسی، عضو هیئت داوران المپیادهای جهانی، عضو انجمن آموزش علوم انگلستان، رئیس کمیته علمی المپیاد زیست‌شناسی کشور، تألیف کتاب‌های درسی و غیر درسی، از جمله: فتوستت، زیست‌شناسی گیاهی، فرهنگ بزرگ سخن (مشارکت)، آشتی با علوم زیستی و بهداشت، تنوع زیستی، آلودگی هوا، حیات وحش مهره‌داران ایران، کتاب معلم زیست‌شناسی و آزمایشگاه.



در ابتدا عرض کردم. منتها در سال‌های اخیر و امروزه، بیشتر محیط زیست را از دریچه چشم انسان و دقیق‌تر بگویم «از دریچه منافع و مصالح انسان» نگاه می‌کنند.

• **حال پس از این مقدمات، بهتر است به اصل موضوع می‌گرد که مشکل یا «مسئله محیط زیست» است، بپردازیم. مشکلی که امروزه در همه جا وجود دارد و خود ما نیز این روزها (آذر ماه ۸۹) در شهر تهران، با جنبه‌ای از این موضوع که آلودگی هواست مواجه هستیم. سؤال ما این است که از چه زمانی محیط زیست تبدیل به «مسئله» شد؟**

کرام‌الدینی: من فکر می‌کنم از زمانی که عبارت «حفاظت محیط زیست» مطرح شد، این مسئله هم نمود یافت. یعنی پس از این که انسان از محیط خود بهره گرفت و آن اندرکنش ایجاد شد و باعث بروز مشکلات و مسائلی شد، پس از چندی سروصدای علاقه‌مندان به محیط و دانشمندان و شاید فلاسفه در آمد و آن‌ها هشدار دادند که ما داریم با محیط زیست خودمان برخورد نابخردانه و غلط می‌کنیم. این کلیت مسئله بود، اما اگر دقیق‌تر بخواهیم به ریشه‌های مسئله پی‌بریم، باید بگوئیم، آلودگی‌ها و تخریب محیط زیست از زمانی که انقلاب صنعتی در اروپا اتفاق افتاد، شتاب بیشتری گرفت. به عبارت دیگر، پس از انقلاب صنعتی بود که تولید انبوه آلودگی‌های ناشی از کارخانه‌ها و جابه‌جایی بسیار زیاد جمعیت و کشاورزی متمرکز و بهره‌برداری بیش از حد از منابع آب و خاک و غیره مطرح شد و کم‌کم به شکل مسئله و مشکلی در آمد که لازم شد برای آن چاره‌اندیشی شود. این‌جا بود که مسئله‌ای به نام «حفظ محیط زیست» مطرح شد. البته باز هم تا مدت زمان زیادی، این حفاظت به شکل جدی مد نظر قرار نمی‌گرفت. چرا که بیشتر به «پیشرفت و رفاه» توجه می‌شد. لذا اگر کسی در مورد آلودگی آب و هوا هشدار می‌داد و یا از نابودی منابع خاک می‌گفت و این که حاصل‌خیزی خاک دارد از بین می‌رود، می‌گفتند که این

چیزها هزینه‌های توسعه و رفاه مردم است و به گونه‌ای این اقدامات را توجیه می‌کردند. این‌ها به قرن هفدهم برمی‌گردد. در آن زمان کسی علاقه زیادی به مسائل زیست محیطی نداشت. البته این مسئله به برداشتی هم که ما از انسان داریم، برمی‌گردد؛ آن برداشتی که معتقد است انسان «اشرف مخلوقات» است. که نتیجه‌اش این می‌شود که باید برای انسان جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفت که بر همه موجودات حکم‌روایی و فرمان‌دهی کند تا خودش به رفاه برسد. شاید این نگاه باعث بروز مشکل شده است. کسی که این‌طور به انسان نگاه می‌کند، دیگر فکر نمی‌کند که آن گیاه هم، مثل انسان، حق حیات و زندگی و تداوم عمر دارد و حتی عناصر موجود در آتمسفر هم حقوق خاص خودشان را دارند. دریاها و آب‌ها نیز حقوق خاص خود را دارند و این‌ها همه مؤلفه‌های زیست محیطی هستند!

• **البته اشرف مخلوقات کلمه‌ای است که معمولاً پیروان ادیان، از جمله مسلمانان به کار می‌برند؛ چون می‌دانیم که در ادبیات غیر دینی، اصلاً موجود شریفی وجود ندارد که «اشرف» آن‌ها انسان باشد. این جالب توجه است که کسانی که به این تعبیر یعنی «اشرف مخلوقات» بودن انسان، باور دارند، معمولاً خودشان به حفظ محیط زیست توجه دارند. بنابراین شاید بتوان گفت که انسان امروز هم خودش را به نوعی اشرف مخلوقات می‌بیند، ولی نه از دیدگاه دینی، بلکه از دیدگاه سلطه بر جهان و توانایی کشف و استخراج منابع آن به هر قیمت و افزودن بر قدرت خودش. به نظر شما، آیا همین نگاه باعث نشده که مسئله محیط زیست به وجود آید؟**

شایان: بله، دین یک مجموعه است. نمی‌شود یک قسمت از آن را بگیریم و به نفع خودمان تفسیر کنیم و بخشی دیگر را رها کنیم. در احادیث و روایات و هم‌چنین قرآن کریم، به حفظ محیط زیست توجه زیادی شده است. از پیامبر اکرم (ص) هم نقل شده است، «هر کس نهالی را در یک جایی غرس کند، درختی از بهشت نصیب او می‌شود». این بشر تکه‌ای را که مربوط به اشرف مخلوقات است گرفته و تکه‌ای را که مربوط به حفاظت از محیط زیست است، رها کرده است.

کرام‌الدینی: من چند نکته در این زمینه به نظر می‌رسد که یادآور می‌شوم. نکته اول این که محیط زیست به خودی خود هیچ مشکل یا مسئله‌ای ندارد، مگر این که انسان در آن قدم بگذارد. یعنی اگر انسان دخالت نکند، طبیعت یا محیط‌زیست خودش فرایندهایی دارد که به تکامل آن می‌انجامد و در راه و مسیری صحیح و طبیعی و متعادل حرکت می‌کند. این انسان، و به اصطلاح، همان اشرف مخلوقات است که وقتی می‌آید، آن تعادل را بر هم می‌زند. نکته دوم این که ما در فرهنگ خودمان از سه زاویه می‌توانیم موضوع و مسئله محیط زیست را مورد توجه قرار دهیم. یکی فرهنگ توجه به محیط در ایران باستان که از تعالیم دین زرتشت الهام می‌گیرد. مثلاً وقتی ما دانش‌آموز بودیم، سکه‌هایی یک ریالی ضرب شده بود که



سیاوش شایان

متولد ۱۳۳۳ در نهاوند.

لیسانس جغرافیای طبیعی (۱۳۵۸)، فوق لیسانس جغرافیای طبیعی، اقلیم‌شناسی (۱۳۶۶)، دکترای جغرافیای طبیعی (ژنومورفولوژی) (۱۳۷۹)، سردبیر مجله رشد آموزش جغرافیا
سوابق: تدریس در دانشگاه تربیت مدرس از ۱۳۷۰ تاکنون، کارشناس برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، عضو هیئت تحریریه مجله رشد جغرافیا، تألیف کتاب‌های درسی و غیر درسی، از جمله: درباره آموزش جغرافیا، سرگذشت ملل کهن، فرهنگ اصطلاحات جغرافیای طبیعی، جغرافیا (۱)، جغرافیای قاره‌ها، جغرافیای درسی دوره راهنمایی و جغرافیای جهان دوره تربیت معلم.



می‌گوید که ما باید حافظ «تنوع زیستی» باشیم. محصول آن نشست دو نکته بسیار مهم بود؛ یکی **تنوع زیستی** و دیگری **توسعه پایدار** که هنوز هم از آن‌ها زیاد صحبت می‌شود. تنوع زیستی می‌گوید ما باید این تنوعی را که به ما رسیده است نگه داریم و سعی کنیم از بین نرود. چرا که به نفع خودمان است و ما در شبکه‌ای قرار داریم که هر چه مهره‌های آن بیشتر باشد، پایدارتر خواهد بود و اگر این مهره‌ها کم شود، باعث ناپایداری محیط زیست خواهد شد. فرزندان و نوه‌های ما باید از محیط زیست بهره‌مند شوند.

● **عمده‌ترین چالش‌هایی که محیط زیست ایران و جهان در حال حاضر با آن‌ها روبه‌روست، کدام‌ها هستند؟**
شایان: به نظر من «فقدان آمایش سرزمین»، چالش بزرگ ماست. آمایش سرزمین یعنی این که در یک برنامه بسیار بزرگ ملی، پتانسیل‌ها و امکانات بالقوه محیطی نواحی گوناگون جغرافیایی کشور شناسایی شوند و سپس برای هر یک از این سرزمین‌ها و محدوده‌های جغرافیایی تعریفی داشته باشیم تا بتوانیم به چشم‌انداز نسبتاً خوبی در آینده برسیم. نه تنها برای محیط زیست، بلکه برای اقتصاد، و اشتغال و سایر موارد از جمله آموزش نیز نیازمند آمایش زمین هستیم. اگر ما چالش‌ها و مشکلات زیست محیطی را دسته‌بندی کنیم، بعضی از این موارد جنبه‌های جهانی دارند. مانند **گرمایش جهانی**، **سورخ شدن لایه اوزون**، یا کاهش مقدار اوزون در جو یا طوفان‌هایی که از مناطق گوناگون سرچشمه می‌گیرد. بعضی از این موارد هم جنبه‌های منطقه‌ای دارند. مانند ریزگردهای عربی که از مناطق هم‌جوار آمده و ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. باران‌هایی هم که ممکن است شکل اسیدی و غیره داشته باشند، ممکن است منطقه‌ای و یا جهانی باشند. ولی مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات، مخصوص منطقه خودمان است و در ایران می‌توانیم آن‌ها را مشاهده کنیم. مثلاً خشک‌سالی مسئله‌ای زیست محیطی است. آتش‌سوزی‌ها یک مسئله زیست محیطی است. بعضی از این آتش‌سوزی‌ها عمدی است. برای

روی آن نوشته شده بود «آن کس که گندم می‌کارد، راستی می‌افشاند». می‌دانیم که این جمله زرتشت است. تعلیمات زیست محیطی در تعلیم زرتشت خیلی زیاد است. در تعلیمات اسلامی هم توصیه‌های فراوانی نسبت به حفظ محیط زیست داریم که شاید نیاز به ذکر آن‌ها نیست. اما من فکر می‌کنم «اشرف مخلوقات» خواندن انسان، تأکیدی است بر آگاهی او در برابر محیط زیست؛ یعنی عکس آن چیزی که برخی از این اصطلاح برداشت کرده‌اند. به عبارت دیگر، حیوان یا گیاه آن شعور انسان را که موجب برتری‌اش بر سایر مخلوقات شود ندارد. ولی انسان دارد و به این جهت «اشرف» است. پس مدیریت محیط در توان انسان است و اوست که باید نسبت به این امر آینده‌نگری داشته باشد. ما باید به فکر آیندگان باشیم که سال‌های بعد از این محیط زیست بهره‌مند خواهند شد. یعنی در اکولوژی باید حداقل شما یک‌صد سال آینده را ببینید. درختانی را که امروز قطع می‌کنید، موجب می‌شود طی ۱۰ تا ۲۰ سال آینده موجب پدید آمدن سیل‌هایی مانند سیل گلستان یا سیل نکا شود! اخیراً یکی از مسئولان محیط زیست گفته بود: ما کاری که به نفع مردم است انجام می‌دهیم؛ و منظور این بود که مثلاً اگر در یک جنگل یا پارک طبیعی باید جاده‌ای بکشیم و کشیدن آن به نفع مردم است، به چیزهای دیگر کاری نداریم! این سخن نشان می‌دهد که آن آقا فقط مردم امروز را نگاه کرده و مردم دو نسل بعد را ندیده است! در حالی که در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی باید خیلی آینده‌نگر بود.
می‌گفتم که ما از سه زاویه در فرهنگ خودمان باید به محیط زیست نگاه کنیم. یکی تعلیم زرتشت، یکی تعلیم اسلام که گفتم و سومی فرهنگ عامه. در میان مردم ما فرهنگ زیست محیطی خوبی از گذشته بوده و هنوز هم شاید دیده می‌شود. خود من در فرهنگی که رشد پیدا کردم، باورهای زیست محیطی زیادی دیده‌ام. مثلاً در فرهنگ ما، کشتن مار کار خیلی بدی است. من وقتی بچه بودم، در سیرجان، گاهی در خانه‌مان مار پیدا می‌شد و مادرم می‌گفت این مارها همسایه‌های ما هستند و نباید به آن‌ها آزاری برسانیم. احتمالاً مارهای غیر سمی بودند و حقیقتاً آزاری هم به ما نمی‌رساندند. چرا؟ برای این که آن‌ها موش‌ها را می‌خوردند. مادر من می‌گفت اگر مارها را بکشیم، موش‌ها زیاد می‌شوند؛ همان‌طور که اگر گربه‌ها را هم بکشیم، موش‌ها زیاد می‌شوند. نسل‌های قبل از ما به این موضوعات، برای تنظیم محیط زیست معتقد بودند. در حال حاضر، این مسائل یا فراموش شده و یا کم‌تر به آن‌ها توجه می‌شود. ما به این «اخلاق محیط زیست» می‌گوییم که می‌گوید: هر چیزی ذاتاً دارای ارزشی است که آفریده شده است، پس ما هم برای آن باید ارزش قائل شویم.

● **آقای کرام‌الدینی منظور از «تنوع زیستی» در ارتباط با مسئله محیط زیست چیست؟**

اصطلاح تنوع زیستی در سال ۱۹۹۲ در نشست سران کشورهای جهان در «ریودوژانیرو» متولد و یا تقویت شد. توسعه پایدار هم محصول همان نشست سران است.

پایه‌های اکولوژی را باید آموزش دهیم تا بچه‌ها بدانند که حیات شبکه‌ای عظیم و پیچیده است و فردی نیست. اگر اجزای این شبکه نابود شوند



اگر می‌پرسید که در حال حاضر، معلم چه کاری می‌تواند انجام دهد، به نظر من اول می‌تواند دانش زیست محیطی و اکولوژیکی خودش را افزایش دهد

از بین بردن پوشش گیاهی و تبدیل زمین‌های باغی و زراعی به زمین‌های قابل استفاده در بخش مسکن و ویلا، آتش‌سوزی‌های طبیعی هم داریم که یکی از راه‌های حفظ تعادل طبیعت از طریق خود طبیعت است. به عبارت دیگر، ساز و کار طبیعی محیط برای تنظیم خودش است. چه‌طور وقتی جایی از بدن ما درد می‌کند، پمادی روی آن می‌زنیم و یا آن را می‌بندیم، می‌شود گفت، برخی از این اقدامات را طبیعت هم انجام می‌دهد تا خودش را ترمیم کند. اینجاست که ما باید به طبیعت و زمین به عنوان موجودی جاندار نظر کنیم که می‌تواند زخم‌های خودش را تا حدودی التیام بخشد! ما باید در مواردی که مسئله محیط زیست جنبه‌های جهانی دارد، مشکلات را با اقدامات جهانی و مشارکت در سازمان‌های جهانی و پیمان‌های بین‌المللی رفع کنیم. در داخل کشور هم که مقیاس نسبتاً کوچک‌تری محسوب می‌شود، باید برنامه ویژه‌ای برای محیط زیست داشته باشیم.

• آقای کرام‌الدینی، عوارض تخریب محیط زیست چیست؟

کرام‌الدینی: محیط زیست ایران متأسفانه به دلیل وجود عوامل گوناگون طبیعی و انسانی مشکلات بسیاری دارد. اگر چه این مشکلات را نمی‌توان به گردن انسان گذاشت، اما انسان می‌تواند با برنامه‌ریزی، این مسائل را مدیریت کند. مثلاً دریاچه ارومیه اگر همین‌طور پیش برود، در آینده به شورزار تبدیل می‌شود و وقتی شورزار شد، دیگر دریاچه‌ای وجود ندارد. پس آب و هوا نیز عوض می‌شود. به‌طوری که وقتی باد بوزد، طوفانی از نمک پراکنده می‌شود و زمین‌های مجاور کشاورزی را پر از نمک می‌کند. حتی آثار آن به ترکیه و سایر کشورهای مجاور می‌رسد.

محیط زیست و مسائل بوم‌شناسی مسائل جهانی هستند. مثلاً دودی که در یک کشور تولید می‌شود، به کشور دیگر هم می‌رود و منجر به بارش اسیدی می‌شود. بنابراین، این مسائل مرز نمی‌شناسند. محیط زیست ایران، متأسفانه با دخالت‌های نادرستی که ناشی از عدم آینده‌نگری بوده، به خطر افتاده است. حفظ محیط زیست به عزم ملی احتیاج دارد تا از این وضعیت بحرانی نجات پیدا کند. راه حل این مشکل هم آموزش دادن مردم است. یعنی باید نوعی فرهنگ زیست محیطی درست کنیم. آن چه که داشته‌ایم و فراموش شده است، باید حتماً احیا شود.

• آیا رشد جمعیت، جابه‌جایی جمعیت، مهاجرت و آواره شدن و مانند این‌ها ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با موضوع محیط زیست دارد؟

شایان: مسلماً. یکی از عوامل تخریب‌کننده محیط، بهره‌برداری بیش از حد از محیط، و زیادی جمعیت است. هر چه جمعیت بیشتر باشد، فشار بر واحد مساحت بیشتر می‌شود. مساحت خشکی‌های کره زمین محدود است. مساحت زمین‌های قابل کشت نیز محدود است. بنابراین، وقتی به جای یک میلیارد نفر، چهار میلیارد نفر

می‌خواهند از واحد محدودی استفاده کنند، مسلماً است که فشار بیشتری به این واحد وارد می‌شود، مگر آن که برنامه اندیشیده‌ای برای بهره‌برداری داشته باشیم و فناوری‌های خاصی در اختیارمان باشد.

مثلاً می‌گویند اگر کره زمین را به دست هلندی‌ها بدهند، ۱۴ برابر جمعیت کنونی کره زمین را غذا می‌دهند، اگر به دست فلان کشور بدهند، غذای مردم خودش را هم نمی‌تواند بدهد. چرا؟ چون هلندی‌ها فناوری و افکار ویژه و نگاه خاصی به زمین دارند. از فناوری‌هایی نیز بهره می‌برند که کمترین مساحت را مورد بیشترین بهره‌برداری قرار می‌دهند، بدون این که کوچک‌ترین اثر تخریبی بر جای بگذارند.

• آقای کرام‌الدینی دوبار به «مسئله آموزش» اشاره کردند که اتفاقاً این یکی از سؤالات ما در این گفت‌وگوست. آقای دکتر شایان، به نظر شما آیا کتاب‌های درسی ما متناسب با نیازهای ما به موضوع محیط زیست پرداخته‌اند؟ و فکر نمی‌کنید لازم است کارهای جدی‌تری صورت گیرد؟

شایان: آموزش را باید به سطوح مختلف تجزیه کرد و هم برای دانش‌آموزان، هم مخاطبان عمومی و هم متخصصان، آموزش‌های ویژه‌ای را در نظر گرفت. آموزش هم جنبه‌های متفاوت دارد. بعضی از موارد، مهارت‌هایی است که انسان چگونه می‌تواند با محیط اطراف تعامل داشته باشد. بعضی موارد نیز جنبه دانشی و شناختی دارد. بخشی نیز نگرش خود مردم است که از طریق آموزش، کار فرهنگ‌سازی صورت می‌گیرد. باید نگرش مردم را از این طریق تغییر داد. مدتی است که این کارها در کتاب‌های درسی شروع شده. برنامه‌ریزان و نویسندگان درسی از طریق کتاب‌های درسی و از طرفی وزارت آموزش و پرورش، در این خصوص کارهای زیادی انجام داده‌اند. خوشبختانه داریم علائم جالب و امیدوارکننده‌ای هم از جامعه دریافت می‌کنیم. یعنی نسلی که روی آن‌ها کار کرده و کتاب برای آن‌ها نوشته‌ایم، معلم برایشان پرورش داده و کلاس برایشان گذاشته‌ایم، دارند پاسخ‌های نسبتاً مناسب و قابل قبولی به ما می‌دهند که البته به پژوهش‌های میدانی نیاز دارد تا مشخص شود چه اندازه آن، ناشی از برنامه‌ریزی‌های درسی، کتاب‌های آموزشی و آموزش و پرورش است و چه مقدار آن نیز از دیگر کسانی است، که در این زمینه فعالیت می‌کنند. به هر حال، گاهی کافی است شما چیزی در خیابان بیندازید تا یک بچه و دانش‌آموز به شما تذکر بدهد. من دیده‌ام دانش‌آموزانی را که اگر در خیابان آشغالی وجود داشته باشد، آن را جمع‌آوری می‌کنند تا به سطل آشغال برسند. بیرون هم وقتی می‌روم، می‌بینم بعضی‌ها کیسه با خودشان آورده‌اند تا هر چه را در محیط طبیعی استفاده و بهره‌برداری می‌شود، برگردانند و تحویل مراکز برداشت زباله و غیره دهند. الان در کتاب‌های جغرافی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، فیزیک و شیمی، این کارها انجام شده است. روی هم رفته، کلمه آموزش، گسترش فرهنگ و افزایش نگرش‌های مثبت

**در کشور کوچک
نیال، مردم
آگاهی‌های زیست
محیطی بسیار بالایی
دارند. شاید باور
نکنید که چوپان‌های
آن جا هم، از
آب گرم‌کن‌های
خورشیدی برای
گرم کردن چای و
غذا استفاده می‌کنند**

می‌تواند دانش زیست محیطی و اکولوژیکی خودش را افزایش دهد. محیط زیست چیزی نیست که کسی از آن بدش بیاید. چیز خوشایندی است.

**چشم حافظ به تماشای دو زلفش روزی،
شد که باز آید و جاوید گرفتار بماند**

بنابراین معلم در ابتدا باید حداقل محیط زیست خودش را بشناسد. بخصوص در کشور ما که محیط‌های زیست به ویژه به گونه‌ای است که انواع اقلیم‌ها در آن وجود دارد. در اروپا این گونه نیست، ولی ما در ایران، بیابان، جنگل گرمسیری، ساوان، جنگل خزری، جنگل زاگرسی، دریاچه، تالاب و مناطق گوناگون دیگر داریم. اگر این اتفاق بیفتد و رویکرد معلم به آموزش رویکرد زیست محیطی باشد و فعالیت‌های کوچکی را به همه دانش‌آموزان بگوید تا آن‌ها به انجام آن بپردازند، خواهیم دید که این اقدام، چه بازتاب خوبی خواهد داشت. بچه‌ها بسیار مشتاق‌اند که در این زمینه کار کنند و درگیر آن شوند. به این ترتیب، آن‌ها به سربازان محیط زیست تبدیل می‌شوند و حتی به والدین خودشان هم که حفظ محیط زیست را فراموش کرده‌اند، یادآور می‌کنند.

• آقای دکتر شایان، کشورهای فقیر آگاهی بیشتری نسبت به محیط زیست دارند یا کشورهای پیشرفته؟

شایان: اصولاً کشورهای پیشرفته، آگاهی‌شان در این باره بیشتر است، ولی در بعضی کشورهای فقیر هم آگاهی مردم خوب است. مثلاً در کشور کوچک نیال، مردم آگاهی‌های زیست محیطی بسیار بالایی دارند. شاید باور نکنید که چوپان‌های آن جا هم، از آب گرم‌کن‌های خورشیدی برای گرم کردن چای و غذا استفاده می‌کنند. زنان در بسیاری از کشورها، سربازان محیط زیست هستند. بیش از همه اقسار، پرچم‌داران محیط زیست، از گذشته تا کنون، زنان بوده‌اند. در خانه‌ها نیز زنان به محیط زیست نظم می‌دهند. در جهان هم همین گونه بوده و شاید به خاطر آن وظیفه مادرانه و حس مادرانه‌ای است که بر عهده دارند یا نگاهی که به زمین دارند و یا نگاه زمین نسبت به آن‌هاست.

• آقای کرام‌الدینی، شما که به عنوان زیست‌شناس و دبیر زیست‌شناسی، مشاهدات خوبی از کشورهای دیگر دارید، در این باره چه می‌گویید؟

کرام‌الدینی: اولاً، هر جا فرهنگ‌های اصیل از قدیم همان طور ادامه داشته باشد، به طور خود به خود، مردم آن

نسبت به محیط، کلیه‌های کار هستند و نباید ناامید شویم. این آموزش‌ها کم‌کم فراگیر می‌شود و در نتیجه کل جامعه ممکن است به بعضی از مسائل واکنش نشان بدهد. الان در سطح جهان بعضی از این واکنش‌ها را می‌بینیم. مثلاً حدوداً یک ماه پیش بود که قطاری از فرانسه به طرف آلمان راه افتاده بود تا زباله‌های اتمی را تحویل دهد. در این خصوص، ۳۰۰ هزار پلیس سر راه این قطار قرار گرفتند و مردم و طرفداران محیط زیست را که مخالف این انتقال بودند از قطار دور می‌کردند. بعضی‌ها خودشان را به ریل بسته بودند. آن قطار راهی را که می‌شد ظرف سه ساعت طی کند، حدود ۱۵ روز طی کرد. می‌خواهم بگویم، مردم به حدی علاقه‌مند می‌شوند که حتی از جانشان می‌گذرند. ما اگر بتوانیم بچه‌ها را به جای حساسیت نسبت به نمرات، دیده‌بان محیط زیست کنیم، کار ارزشمندی خواهد بود.

• آقای کرام‌الدینی، شما در این زمینه چه اشاره دیگری دارید؟

البته دکتر شایان درست اشاره کردند که در کتاب‌های درسی مسائل زیست محیطی وجود دارد. ولی واقعیت این است که به نظر من، این‌ها هنوز جسته و گریخته است. این کوشش‌هایی که شده، در پی علاقه‌های شخصی خود ما، که برنامه‌ریز، کارشناس یا مؤلف کتاب‌های درسی بوده‌ایم انجام گرفته و برابند کوششی منسجم و هماهنگ نیست؛ اگر چه مثلاً کتاب‌های شیمی و جغرافیای ما جایزه زیست محیطی را هم گرفته است. ما نیاز داریم که این کارها با هم هماهنگ شوند. وقتی هماهنگی ایجاد شود، کارها بهتر انجام می‌گیرد. اما جدا از این حرف‌ها، حفظ محیط زیست را به دو شکل می‌شود آموزش داد. یکی این که توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی را در کتاب‌های خودمان قرار دهیم و بگویم این کارها را انجام دهید و مثلاً آشغال نریزید و سایر موارد. دیگر این که به «علوم پایه» بپردازیم. یعنی منشأ و ریشه ضایعات زیست محیطی را بگویم. پایه‌های اکولوژی را باید آموزش دهیم تا بچه‌ها بدانند که حیات شبکه‌ای عظیم و پیچیده است و فردی نیست. و بدانند که اگر اجزای این شبکه نابود شوند، انسان هم نابود می‌شود. باید از نظر علمی به آن‌ها بگویم که باید تنوع زیستی حفظ و گونه‌ها نگه‌داری شود. چون بنیاد آفرینش بر تنوع است. این آموزش‌ها باید در برنامه درسی ملی جای خودش را پیدا کند. منتها اگر می‌پرسید که در حال حاضر، معلم چه کاری می‌تواند انجام دهد، به نظر من اول



**معلمان باید دیده‌بان
محیط زیست باشند**



منطقه، حامی محیط زیست هستند و این گونه می‌اندیشند. چون اگر غیر از این بود، از بین رفته بودند. مثلاً می‌دانید که تمدن مایاهای آمریکا در اثر فرسایش خاک از بین رفت. یعنی تمدن با همه افراد آن از بین رفت و این به خاطر یک اشتباه زیست محیطی بود.

من زمانی که در کانادا بودم، از یک مرکز سرخ‌پوستان آمریکایی بازدید کردم. فیلمی بود که نشان می‌داد چه قدر باورهای زیست محیطی در بین سرخ‌پوستان آمریکایی وجود دارد. اصلاً در فرهنگ آن‌ها این باورها وجود داشت. اگر ما به حرف‌های آن‌ها اعتقاد پیدا می‌کردیم، خیلی از مسائل محیط زیستمان حل می‌شد. در چین هم جوان‌های چینی با مائو- رهبر انقلاب چین - بد بودند و می‌گفتند کشور ما را عقب نگاه داشته است. اما افراد مسن از او بد نمی‌گفتند و مردد بودند. من از یک فرد مسن پرسیدم که نظر تو نسبت به مائو چیست؟ گفت جوان‌ها خیلی از او بد می‌گویند، ولی این گونه نیست. مائو فردی بود بزرگ اما با اشتباهاتی بزرگ!

حالا، کشورهای بزرگ، فجایع زیست محیطی بزرگ‌تری به بار می‌آورند و کشورهای عقب‌مانده، آسیب کمتر. اخیراً در مجارستان سیلی از مواد سمی راه افتاد و به رود دانوب ریخت؛ از این مسائل زیست محیطی در کشورهای توسعه یافته ایجاد می‌شود و تأثیرات بزرگی دارد. یا در چاه‌های نفت خلیج مکزیک چند ماه پیش فاجعه‌ای رخ داد که سال‌ها طول می‌کشد تا بتوان ضایعات محیطی ناشی از آن را ترمیم کرد. آخرین سؤال!

● آقای کرام‌الدینی، در یک عبارت، پیام شما به معلمان علوم و زیست‌شناسی و عامه معلمان در مورد محیط زیست چیست؟
کرام‌الدینی: یک کلمه: آگاهی نسبت به محیط زیست. به قول حضرت مولوی:

اقتضای جان چو ای دل «آگهی» است
هر که آگه تر بود جانش قوی ست.

● آقای دکتر شایان، شما هم اگر در این زمینه پیامی به معلمان جغرافی، علوم و سایر معلمان دارید، بفرمایید؟

معلمان باید دیده‌بان محیط زیست باشند. دیده‌بان علاوه بر این که وظیفه دیدن را دارد، باید بداند از چه چیزی باید نگرانی کند. بنابراین، باید اولاً محیط را بشناسد و ارزش آن را بداند. پس باید به او بگوییم که ارزش آن‌چه باید از آن نگهداری کند چیست؟ این ارزش را بداند و اگر دیده‌بان باشد، مسلماً دانش‌آموزانی که تربیت می‌کند، همان حساسیت‌ها را خواهند داشت.
● بار دیگر از شما سپاس گزاریم.



جهان جهان می‌آورد!

سید مصطفی محقق داماد*

اختلاف میان فیلسوفان الهی و غیرالهی در این نیست که جهان خدا دارد یا نه، بلکه دیوار اصلی میان دو گروه از فیلسوفان، اختلاف دربارهٔ جان‌دار بودن جهان است. اگر نگاه ما به جهان، جهان‌دار باشد، این نگاه نه تنها علم را از بین نمی‌برد، بلکه علم دیگری را پدید می‌آورد. در این وضعیت چه چاره‌ای باید اندیشید؟ به نظر من راه حل‌های فناورانه علمای تجربی برای مواجهه با آلودگی محیط زیست، به جای حل مسئله صورت آن را پاک می‌کند، چون به علت اصلی توجه نمی‌کنیم و به همین دلیل تاکنون مشکل باقی است. بحران محیط زیست در دل دانش الهیات باید مطرح شود نه در علوم تجربی، چرا که این بحران اخلاقی و الهیاتی (به معنای فلسفه سنتی) است. ریشه گستاخی بشر در تخریب محیط زیست، ناشی از جهان‌بینی است. محیط طبیعی بشر و تمام جهان را یک موجود بی‌جان نگاه کردن، خود را عزیز دردانهٔ این آفرینش محسوب کردن و به جای خدا در جهان نشان دادن و جهان را ستایشگر بشر نشان دادن، نتیجه‌اش چنین بحرانی می‌شود. متأسفانه در این مسئله امروز علم و فلسفه با یکدیگر هماهنگ هستند. فلسفه می‌گوید اصالت انسان در جهان، و علم هم می‌گوید «یک جهان بی‌جان». این بشر در درون این جهان، گویی عزیز دردانه‌ای است که تمام جهان باید فدایی او شود. عدهٔ زیادی از نویسندگان غربی که در زمینهٔ محیط زیست قلم زده‌اند، این گناه را به گردن ادیان می‌اندازند. ادیان را متهم کرده‌اند و می‌گویند از آن‌جایی که ادیان بشر را عزیز بی‌جهت معرفی کرده و تمام موجودات به بشر سجده کرده‌اند، لذا خداوند این جهان را برای بشر آفریده و بشر بی‌محبا هر چه به چنگالش می‌رسد، از این طبیعت استفاده می‌کند.

ممکن است در این قضیه متون مسیحیت (کلیسایی) مقصر باشند، اما این اتهام به دامن اسلام هرگز نخواهد نشست. راز قضیه این است که علم چنین کوتاهی را کرده و گفته است جهان موجودی بی‌جان و ابزاری برای بشر است و بشر امروز را به جای خدای ادیان معرفی کرده است. اگر قرار بود این اتهام متوجه ادیان باشد، چرا در قدیم چنین نبوده است؟ چرا در یک قرن اخیر و بعد از پیشرفت فناوری و تحولی که در علم و صنعت پیش آمد، بحران محیط زیست مطرح شد؟ شاید در طول تاریخ ادیان، تنها در قرآن این مسئله پیدا می‌شود. که اول جایی است که به طبیعت قسم خورده شده و مظاهر طبیعت مورد سوگند خداوند قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد در قرآن، در کنار سوگندهای طبیعی، به بعد تربیتی بشر نیز توجه شده است. آیه صریح داریم که این عهد که خدا بر آن سوگند یاد کرده، به خاطر این است که به موجب این تعهد، باید بشر زمین را آباد کند. موضوع تعهد، آبادی زمین است و به هیچ‌وجه اجازهٔ مصرف بی‌رویه و آلودگی زمین به بشر داده نشده است. تخریب محیط زیست و بهره‌برداری بیش از حد از طبیعت، خلاف عهد ازل است.

* عالم دینی و استاد حوزه و دانشگاه



یک فاجعه زیست محیطی

مری مکینتاش

شب، نفت کش اکسون والدز با صخره‌هایی که بر سر راهش قرار گرفت و «بلای ریف» نام داشت، برخورد کرد. پنج حفره در بدنه کشتی ایجاد شد که یکی از آن‌ها به طول و عرض ۶ متر در ۲ متر بود. کشتی حامل ۵۰ میلیون لیتر نفت خام بود و این نفت به طرف دریا سرازیر شد. کاپیتان که از ماجرا خبردار شد، این پیام

را به ایستگاه مرکزی کشتی‌ها مخابره کرد: «حادثه‌ای برای کشتی اتفاق افتاده و مقداری نفت از آن نشت کرده است. لذا ما مجبوریم برای مدتی کشتی را در همین جا متوقف کنیم»

متأسفانه عملیات پاک‌سازی و متوقف

کردن نشت نفت، سریع به اجرا در نیامد. قایق مخصوصی که برای چنین موقعیت اضطراری قبلاً وجود داشت، در طوفان دریایی از میان رفته بود. از این رو، چهارده ساعت از شروع ضایعه گذشته بود که عملیات شروع شد. در روز اول دریا صاف و آرام بود، اما از آن به بعد، در حالی که همه تجهیزات لازم برای جلوگیری از نشت نفت، در

محل حاضر شد، دریا طوفانی شد و بادهای قوی، به سرعت نفت را به نقاط دیگر دریا گسترش دادند؛ به طوری که مدیریت شرکت اکسون به خبرنگاران رسانه‌های گروهی اعلام کرد که شرکت در وضعیت مخاطره‌آمیزی قرار گرفته است. نفت زیادی که از این نفت کش به دریا سرازیر

شد، به زودی به طول ۱۷۰۰ کیلومتر، سواحل آلاسکا را به مساحت ۴۸۰۰ کیلومتر مربع آلوده ساخت و این بدترین ضایعه زیست محیطی ناشی از نشت نفت، در تاریخ آمریکا بود.

میلیون‌ها ماهی، سیصد هزار مرغ دریایی و هزاران مرغ دریایی نابود شدند. تنها جسد ۱۶ وال یا نهنگ



وقتی صحبت از آلاسکا به میان می‌آید، بسیاری از ما آن را جزیره یخ‌زده و دورافتاده‌ای تصور می‌کنیم که در شمال غربی آمریکا واقع شده است؛ جزیره‌ای با دریای صاف و آسمان آبی و منابع طبیعی فراوان، و البته همین‌طور

است! جز این که باید دانست، آلاسکا منابع طبیعی با ارزش فراوانی نیز دارد که از آن جمله چهار صنعت بزرگ است: ماهی‌گیری، گردشگری، جنگل و نفت.

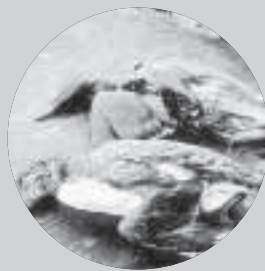
در ساحل جنوبی آلاسکا، بندری به نام بندر والدز قرار دارد که از آن نفت خام آلاسکا بارگیری و به کالیفرنیا و دیگر بنادر ایالات متحده ارسال می‌شود. در ۲۴ مارس ۱۹۸۹م، کاپیتان جف هازل‌وود، فرماندهی یک فروند کشتی نفت کش را به عهده داشت که از قضا نام آن کشتی

نیز، «والدز» بود. نفت کش متعلق به شرکت نفتی اکسون! یکی از هفت خواهران نفتی! بود و به همین دلیل گاهی به آن نفت کش اکسون‌والدز هم می‌گفتند. کاپیتان هازل‌وود دریانوردی با تجربه و ماهر بود که از کودکی عشق به دریا داشت، به طوری که وقتی ۳۲

سال داشت، جوان‌ترین کاپیتانی بود که توانست اجازه فرماندهی نفت کش مورد نظر را به دست آورد. با این حال، کاپیتان در می‌گساری افراط می‌کرد و این نقطه ضعف بزرگی برای او بود. یکی از شب‌ها که کاپیتان، از این جهت در وضعیت مناسبی نبود و همان شب، پلیس گواهی‌نامه رانندگی او را در خیابان ضبط کرده

بود، متأسفانه اجازه یافت نفت کش خود را هدایت کند! ترک کردن سواحل آلاسکا برای کشتی‌ها کاری مخاطره‌آمیز است.

چون این سواحل پر از جزیره‌های کوچک و صخره‌هایی است که بعضی از آن‌ها زیر آب قرار دارند. مضافاً که در فصل‌های زمستان و بهار خطر دیگری هم کشتی‌ها را تهدید می‌کند، و آن کوه‌های یخی است. کشتی اکسون والدز در اواخر شب بیست و چهارم مارس پس از بارگیری، حرکت خود به سوی مقصد را شروع کرد. ابتدا کاپیتان



خودش فرماندهی کشتی را به عهده گرفت، ولی بعداً آن را به دستیاران درجه سوم خود سپرد تا بتواند به بعضی از امور اداری رسیدگی کند. درست بعد از نیمه



روشنی

سهراب سپهری

روشنی را بچشیم
شب یک دهکده را وزن کنیم، خواب یک آهو را
گرمی لائنه لکلک را ادراک کنیم
روی قانون چمن پا نگذاریم
در موستان گره ذائقه را باز کنیم
و دهان بگشاییم اگر ماه در آمد
و نگوئیم که شب چیز بدی است
و نگوئیم که شبتاب ندارد خبر از بینش باغ
و بیاریم سبد
ببریم این همه سرخ، این همه سبز
صبح ها نان و پنیرک بخوریم
و بکاریم نهالی سر هر پیچ کلام
و بپاشیم میان دو هجا تخم سکوت
و نخوانیم کتابی که در آن باد نمی آید
و کتابی که در آن پوست شبنم تر نیست
و کتابی که در آن یاخته ها بی بُعدند

و نخواهیم پلنگ از در خلقت برود بیرون
و بدانیم اگر کرم نبود، زندگی چیزی کم داشت
و اگر خنج نبود، لطمه می خورد به قانون درخت
و اگر مرگ نبود، دست ما در پی چیزی می گشت
و بدانیم اگر نور نبود، منطق زنده پرواز دگرگون می شد
و بدانیم که پیش از مرجان، خلالتی بود در اندیشه دریاها

از آب گرفته شد. بعضی از جانوران و پرندگان موجود در محیط، یا از سرما و یا از گرسنگی تلف شدند و ۲۵ درصد پلانکتون های دریایی نیز از بین رفتند. پلانکتون را که می دانید چیست؟ آن ها گیاهان و جانوران بسیار ریزی هستند که در دریا زیست می کنند و در زنجیره غذایی موجودات دریایی بسیار اهمیت دارند. پلانکتون ها، به ویژه غذای ماهیان ریزی هستند که خودشان غذای ماهیان بزرگ تر می شوند و به همین ترتیب این زنجیره ادامه می یابد. پس در این فاجعه، زنجیره غذایی دریازیست ها پاره شد.

مقصر کیست؟

مسئله راحت ترین کار این است که یک نفر را که همان کاپیتان کشتی است، در بروز این فاجعه زیست محیطی مقصر بدانیم. اما حقیقت آن است که در این ماجرا، افراد زیادی مقصر بودند: افرادی در شرکت نفتی اکسون، افرادی در آلاسکا و افرادی هم در داخل کشتی نفت کش. شاید بزرگ ترین اشتباه، ناشی از نگاه غلط کسانی در صنایع نفتی آمریکا بود که فکر می کردند چون تا به حال چنین اتفاقی نیفتاده است، در آینده هم چنین جریانی روی نخواهد داد! این جز بی خیالی و از خود راضی بودن چه می تواند باشد؟

عواقب کار

فاجعه زیست محیطی اکسون والدر، تأثیر بسیار زیادی بر صنعت نفت به جا گذاشت. چگونه؟ می دانیم که هر کشوری به انرژی برای حمل و نقل، صنایع و تولید برق نیاز جدی دارد. این انرژی هم باید از منبعی مانند خورشید، باد، سد، نفت، گاز یا انرژی هسته ای تأمین شود. نیاز به انرژی ارزان سبب می شود که شرکت های نفتی همواره در پی پایین نگه داشتن قیمت نفت باشند و این خود موجب می گردد که عده کمتری را در ساعات بیشتری به کار گیرند و در نتیجه دستمزد کمتری بپردازند. لذا ممکن است افراد خوب کار نکنند. این فرایند در نهایت احتمال روی دادن ضایعاتی بزرگ مانند ضایعه اکسون والدر را بیشتر می کند!

منبع

Disaster! Mary Mcintosh, Oxford university press, 1998



شهید سید کاظم موسوی

اسفندیار معتمدی

۱۳۶۰-۱۳۱۴

سمنان می زیست و مقبره اش زیارتگاه مردم آن سامان است. یکی از نوادگان سیدداود، از خور به شاهرود مهاجرت کرد و از روستای میامی همسر گرفت و در آن جا ساکن و صاحب فرزندی به نام **سیدباقر** شد که صاحب کمالات بود. فرزندان سیدباقر به نصیحت و وصیت او عمل کردند: «به راه تقوا و پرهیزکاری رفتند. بزرگان را حرمت نهادند، در مجالس با ادب نشستند و از انفاق فی سبیل الله کوتاهی نکردند.» او خود عامل به کار خیر بود و مجموعه ساختمانی بنا کرد و از خود آثار خیری به جا گذاشت.

یکی از نوادگان سیدباقر، به نام **حاج میرزا حسن**، از شاگردان آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی بود که وقتی از نجف بازگشت پیش نماز مسجد میامی شد و مورد احترام فراوان مردم قرار گرفت.

آرام و آرامش بخش بود. آهسته و در نهایت ادب سخن می گفت. کوتاه و روان می نوشت. لباسش ساده و تمیز بود و اغلب در طبقات ساختمان سازمان بدون عبا حرکت می کرد و صفا و سادگی معلمی خود را در کارشناسان القا می کرد. با اخلاص و ارادت افراد را به انجام کار و وظیفه خود برمی انگیزخت. بسیار با هوش و زیرک بود و افراد صالح و کوشا و خادم را تشخیص می داد و از آن ها در هنگام لازم پشتیبانی و دفاع می کرد. این ها گوشه ای از ویژگی های انسانی شهید سیدکاظم موسوی بود.

سیدکاظم موسوی در سال ۱۳۱۴ در میامی به دنیا آمد. میامی مرکز بخش میامی از شهرستان شاهرود است. خاندان موسوی تا چند پشت از خادمان دین و راهنمایان مردم بودند. جد اعلا ی او **سیدداود**، در «خور» شهری در جنوب کویر

سید کاظم در این خاندان اصیل و مردمی تربیت شد و آموزش دید و به مقام انسانی رسید.

شش ساله بود که به مکتب رفت. در آن جا هوش و حافظه اش نمایان شد. عمویش سید اسدالله موسوی گفته بود: «سید کاظم از همه ما باهوش تر بود. ملا هر درسی را که می گفت، او با سرعت فرا می گرفت. احتیاجی به تکرار کردن درس برای او نبود. حافظه ای قوی داشت. یک روز نزد پدرم مرحوم آیت اله حاج میرزا حسن یک سورة قرآن را در حالی که شش یا هفت ساله بود، از حفظ خواند. من هم سورة ای از حفظ خواندم. آن وقت مرحوم آقا به هر کدام از ما یک اسکناس یک تومانی جایزه داد. البته شهریه مکتب خانه آن روزها کمتر از این مبلغ بود.»

سیزده ساله بود که برای ادامه تحصیل از میامی به مشهد رفت. وارد حوزه علمیه شد و در مدرسه سلیمان خان به تحصیل پرداخت. نزد استادان بزرگی چون **ادیب نیشابوری** ادبیات آموخت و رسائل و مکاسب و کفایه را در محضر **حاج شیخ هاشم قزوینی** خواند. درس خارج را در خدمت **آیت اله میلانی** بود و تحریرات استاد را به عهده گرفت و در حوزه علمیه به درجه اجتهاد رسید.

حجت الاسلام سید کاظم موسوی در سال ۱۳۴۲ به تهران رفت و در دانشکده الهیات و معارف اسلامی به ادامه تحصیل پرداخت و در رشته زبان و ادبیات فارسی و عربی فوق لیسانس گرفت (۱۳۵۰). به این ترتیب، در حوزه و دانشگاه علم آموخت و کمال یافت.

موسوی هم زمان با تحصیل، به کار پرداخت. ابتدا به تصحیح کتاب های خطی و آماده سازی برای چاپ آنها مشغول شد (۱۳۲۷). سپس به تدریس روی آورد، ابتدا در حوزه علمیه محمودیه و بعد در **دبیرستان علوی** (۱۳۴۲). در دبیرستان علوی با **علامه کرباسچیان** و استاد **رضا روزبه** همکاری شد و علوم دینی و عربی درس داد و در مسیر آموزش و پرورش جدید فعال شد، رشد یافت و به تألیف و تأسیس دست زد. مؤسس مدرسه دخترانه روشنگر (۱۳۵۰) و دبیرستان روشنگر (۱۳۵۳) در تهران شد. با همکاری استاد رضا روزبه کتاب های «عربی آسان» را نوشت. روش تدریس او در این کتاب به سرعت مورد تأیید مسئولان وزارت آموزش و پرورش قرار گرفت؛ بویژه آن که دوستانی چون شهیدان **دکتر بهشتی**، **دکتر محمدجواد باهنر** و **سید رضا برقی** در سازمان کتاب درسی و دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی داشت که هم مؤثر بودند و هم مشوق.

مؤلف، در کتاب عربی آسان چنین نوشته است:

«باسمه تعالی» در سال های آخر حیات استاد روزبه کتاب عربی آسان در حوزه های علمیه و جلسات مذهبی رواج شایسته ای یافت و احساس شد که باید در قالب جدیدی با قواعد بیشتر عرضه شود و بدین منظور به تجدید نظر و تکمیل قواعد اقدام شد. ولی در اثر فقدان مرحوم استاد، متوقف گشت و سپس تدریجاً در طی یک سال، جلد اول آماده شد و به طبع آن مبادرت ورزید. این کتاب به چاپ های فراوان رسید.

جلدهای دوم، سوم و چهارم کتاب عربی آسان تا سال ۱۳۵۷ تألیف، تنظیم و تجدید چاپ و منتشر شد. از آن پس

شهید موسوی سرگرم مسئولیت های دیگری شد که از سوی رهبر انقلاب و سازمان های دولتی به وی واگذار شد.

حجت الاسلام سید کاظم موسوی در هشتم آبان ماه سال ۱۳۵۹ به ریاست سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی انتخاب شد. پیش از ایشان سه نفر، آقایان **دکتر محمدعلی امیری**، **مرتضی کتیرایی** و **شهید علی اکبر سلیمی** این مسئولیت را بر عهده داشتند. شرایط کار در آن سال ها بسیار سخت بود، اما موسوی با صبر و مردم داری و متانت به کار پرداخت و مهم ترین مسئولیت سازمانی خود را که تهیه و تألیف کتاب های درسی بود، به سامان رساند تا آن که در حادثه خون بار هفتم تیرماه سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

شهید سید کاظم موسوی در محیط علم و ادب و دیانت پرورش یافت. با هوش و فراست فراوانی که داشت خوب آموخت. در مدرسه ای به کار پرداخت (دبیرستان علوی) که همکاران مؤثر و ارزنده داشت و قدر او و کارش را درک می کردند و سرانجام بعد از انقلاب مسئولیت هایی یافت که با متانت و درایت انجام داد و پاس دار حقوق افرادی شد که به جامعه خدمت کرده بودند. در آخر هم با جمعی شهید شد که جاودانه شدند و برای آن که نامش و رفتارش در خاطره ها بماند، مدرسه ای در منطقه ۴، در خیابان پاسداران، و نیز ساختمان شماره ۴ وزارت آموزش و پرورش، در خیابان ایرانشهر، یعنی ساختمان سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی را که خود ریاست آن را بر عهده داشت، به افتخارش «سید کاظم موسوی» نام گذاری کردند.

مسئولیت های ایشان از آغاز انقلاب تا شهادت

۱. نماینده امام در وزارت آموزش و پرورش (۱۳۵۸)
۲. مشاور عالی وزیر در زمان وزارت شهید رجایی
۳. عضویت در دادگاه تجدید نظر اداری که سبب لغو بسیاری از آرای نادرست شد
۴. عضویت در شورای انتخاب نشریه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۵. عضویت در شورای سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
۶. عضویت در شورای سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس
۷. معاون وزیر و رییس سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی

تألیفات

۱. عربی آسان، جلد اول با همکاری استاد رضا روزبه.
 ۲. عربی آسان، جلد ۲، چاپ اول ۱۳۴۸.
 ۳. عربی آسان، جلد های ۳ و ۴، چاپ اول ۱۳۵۷.
 ۴. روش آسان در تعلیم قرآن، با همکاری استاد رضا روزبه.
- ### تصحیحات
۱. تصحیح دیوان مرحوم آیت الله شیخ محمدحسین اصفهانی معروف به علامه کمپانی؛
 ۲. تصحیح ارشاد شیخ مفید؛
 ۳. تصحیح مجلدات اول تا چهاردهم کتاب بحار الانوار ملا محمد باقر مجلسی
 ۴. تصحیح و تحشیه مجلدات سی و پنجم تا چهل و دوم کتاب بحار الانوار



و ارائه الگوی تحول
در تأمین و تربیت
معلم کشور

تربیت معلم

در ایران و جهان

مرتضی سمیعی زعفرندی

کلیدواژه ها:
تربیت معلم، استخدام معلم، معلم

مقدمه

اجتماعی و فرهنگی جوامع گوناگون، در پی جست و جو، تحلیل و تفسیر شباهت ها و تفاوت هایی است که میان رویدادهای آموزش و پرورش این جوامع وجود دارد. نیروی انسانی، بویژه معلم، یکی از عوامل اساسی آموزش و پرورش هر کشور به شمار می رود و به همین دلیل هر گونه تحول در نظام آموزش و پرورش، به نحو مؤثر با تربیت معلم ارتباط می یابد.

آموزش و پرورش تطبیقی رشته ای علمی است که به مطالعه نظام های آموزشی کشورها می پردازد و شباهت ها و تفاوت های این نظام ها را با هم مقایسه می کند. تعریف له تان خوی، یکی از کارشناسان یونسکو، از آموزش و پرورش تطبیقی چنین است: «آموزش و پرورش تطبیقی علمی است که در ارتباط با زمینه های سیاسی، اقتصادی،

در کشور فرانسه، هر کس پس از دریافت مدرک کارشناسی در برخی عناوین و ارائه مدارکی که حاکی از سه سال تحصیل پس از دیپلم باشد، می تواند داوطلب ورود به دوره های تربیت معلم شود

در آلمان شرایط ورود به دوره های معلمی در ایالت ها و دانشگاه ها با هم متفاوت است

در ژاپن، دارندگان لیسانس یا فوق لیسانس با گذراندن واحدهای درسی، گواهی های معلمی لازم برای تدریس در دوره های گوناگون را دریافت می دارند

کار در مدارس عمومی و ادارات، داشتن ملیت آلمانی ضروری است.

در ژاپن، دارندگان لیسانس یا فوق لیسانس با گذراندن واحدهای درسی، گواهی های معلمی لازم برای تدریس در دوره های گوناگون را دریافت می دارند و معلمان مدارس ابتدایی و دبیرستان، توسط مقامات ذی صلاح، از میان کسانی استخدام می شوند که گواهی نامه معلمی داشته باشند.

در هند، برای ورود به دوره های معلمی دانشگاه ها که هدفشان تربیت معلم برای مدارس متوسطه است، از فارغ التحصیلان مدارس متوسطه برای دوره های چهارساله (لیسانس) ثبت نام به عمل می آورند. دیگر شرایط ورود به دوره های معلمی در این کشور، موفقیت تحصیلی، رشد اخلاقی، سلامت جسمانی، هوش و علاقه مندی به خدمت در آموزش و پرورش است.

به طور کلی، در حالی که حداقل شرط ورود به دوره های تربیت معلم در ایران، داشتن دیپلم متوسطه و موفقیت در آزمون ورودی است، در اغلب کشورهای دیگر، از جمله کشورهای فرانسه، آلمان و ژاپن، داشتن حداقل مدرک لیسانس ملاک ورود به حرفه معلمی است.

انواع دوره های معلمی

در ایران به فارغ التحصیلان مراکز تربیت معلم مدرک کاردانی تربیت معلم و یا کارشناسی ناپیوسته ضمن خدمت، و به فارغ التحصیلان دانشگاه ها، مدرک کارشناسی در رشته های مربوط داده می شود. به افرادی که به صورت آزاد وارد آموزش و پرورش می شوند، پس از گذراندن دوره های ضمن خدمت، گواهی ضمن خدمت داده می شود و معمولاً کیفیت گذراندن آن در جذب یا عدم جذب افراد تأثیر ندارد.

در فرانسه، هر فرد می تواند پس از دریافت مدرک لیسانس یا بالاتر در یک رشته، متقاضی ورود به دوره های تربیت معلم برای مدارس متوسطه شود. پس از گذراندن دوره های تربیت معلم مربوط، گواهی تدریس به افراد اعطا می شود.

در آلمان دوره های تربیت معلم در هر ایالت متفاوت است، ولی داوطلبان معلمی در این کشور، حداقل شش و حداکثر هشت ترم در دانشگاه ها تحصیل و سپس به مدت یک یا دو سال در سمینارهای مربوط شرکت می کنند. آنها دوره های کارآموزی را نیز می گذرانند و در صورت موفقیت در امتحانات داخلی و پایانی، با مدرک فوق لیسانس، در مدارس به کار اشتغال می یابند.

در ژاپن، معلمان مدارس ابتدایی یک دوره چهارساله تربیت معلم را در دانشگاه های ملی طی می کنند. در این کشور، برای تدریس در دوره های تحصیلی گوناگون، به داشتن گواهی تدریس نیاز است. حداقل شرایط برای اخذ گواهی های تدریس و معلمی در مدارس ابتدایی و دبیرستان ها، داشتن مدرک لیسانس یا فوق لیسانس و گذراندن واحدهای درسی علوم تربیتی و دروس تخصصی رشته مربوط به تعداد لازم است.

بررسی های صورت گرفته در مورد نظام تربیت معلم در کشور ما، نشان دهنده نارسایی هایی عمده در این امر است و در پاره ای از موارد، کارایی روش ها و دوره های تربیت معلم فعلی نیز از سوی صاحب نظران و محققان مورد تردید قرار گرفته و تأکید شده است که باید در برنامه ها، روش ها، ابزارهای آموزشی و در گزینش داوطلبان، تجدید نظر صورت گیرد تا بازدهی تربیت معلم افزایش یابد. با عنایت به این که بی تردید کشورهایی که در آموزش و پرورش به توفیقاتی دست یافته اند، قبل از هر چیز نظام تربیت معلم (روش های تأمین و تربیت معلم) آن ها کارایی و کفایت لازم را از خود نشان داده است، امید می رود مطالعه جریان انتخاب و تربیت معلمان کشورهای مورد نظر و استفاده از تجارب آن ها برای ما راهگشا باشد.

در این مطالعه، در زمینه نظام تربیت معلم کشورهای ایران، فرانسه، آلمان، ژاپن، هند، چین، موارد زیر بررسی و مطالعه شده است:

- شرایط ورود به دوره های تربیت معلم
- انواع دوره های تربیت معلم و طول مدت آن
- رشته های تحصیلی و برنامه های آموزشی و درسی دوره های تربیت معلم
- چگونگی ارائه آموزش های عملی و تمرین معلمی در دوره های تربیت معلم
- ضوابط فراغت از تحصیل و استخدام دانشجویان دوره های تربیت معلم

شرایط و ضوابط پذیرش معلم

در ایران تأمین معلم برای مدارس کشور ما از راه های حق التدریس، سرباز معلم و تربیت معلم صورت می گیرد. برای ورود به تربیت معلم، داشتن شرایط زیر لازم است:

- تابعیت ایران
- دارا بودن دیپلم کامل متوسطه (یا پیش دانشگاهی)
- (بر اساس قانون خدمات کشوری، دیپلم به کاردانی تغییر یافته)

- حداکثر سن ۲۲ سال
- صحت مزاج و سلامت تن و روان
- دارا بودن صلاحیت اخلاقی و اعتقادی
- ورود نیروهای حق التدریس و سرباز معلم به تدریس، معمولاً با گذراندن دوره های ضمن خدمت قبل یا حین تدریس و کار انجام می شود.

در کشور فرانسه، هر کس پس از دریافت مدرک کارشناسی در برخی عناوین و ارائه مدارکی که حاکی از سه سال تحصیل پس از دیپلم باشد، می تواند داوطلب ورود به دوره های تربیت معلم شود. علاوه بر آن، دارا بودن تابعیت کشور، داشتن شرایط جسمانی مناسب و عدم سوء پیشینه، از شرایط دیگر است.

در آلمان شرایط ورود به دوره های معلمی در ایالت ها و دانشگاه ها با هم متفاوت است. دارندگان مدرک کارشناسی و بالاتر می توانند داوطلب معلمی شوند. از شرایط دیگر، داشتن سلامتی کامل است. در این کشور، شرایط تابعیت برای تحصیل، در رشته های معلمی مطرح نیست. ولی برای

در هند، کسانی که از دانشگاه مدرک لیسانس گرفته باشند و یک سال تحصیل در مراکز تربیت معلم را گذرانده باشند، می‌توانند تدریس کنند

در ژاپن کارورزی آموزشی نقش مهمی در برنامه آموزشی دوره‌های تربیت معلم ایفا می‌کند

در آلمان مرحله عملی دوره‌های معلمی دو تا چهار سال به طول می‌انجامد

در هند، کسانی که از دانشگاه مدرک لیسانس گرفته باشند و یک سال تحصیل در مراکز تربیت معلم را گذرانده باشند، می‌توانند تدریس کنند. دارندگان مدرک لیسانس و فوق لیسانس، پس از شرکت در آزمون و گذراندن یک دروه یک ساله تربیت معلم، گواهی تدریس دریافت می‌کنند.

در چین، دانشگاه‌ها هدفشان تربیت معلم برای مدارس است. فارغ‌التحصیلان مدارس متوسطه با چهار سال تحصیل، مدرک لیسانس دریافت می‌کنند و آماده تدریس می‌شوند.

به طور کلی، در اغلب کشورهای مورد مطالعه، داوطلبان تدریس حدود مدت دو سال تحصیل و فعالیت‌های عملی را به عنوان دوره‌های تربیت معلم می‌گذرانند. در ژاپن مدت لازم برای دریافت گواهی‌نامه درجه یک، چهار سال است.

محتوا و برنامه‌های آموزشی و درسی

در ایران، برای نیروهای سرباز معلم و حق‌التدریس، قبل از شروع کار یا حین کار، دوره‌های معلمی با روش‌های تدریس، ارزشیابی و کلاس‌داری برگزار می‌شود. برای تأمین معلم برای مدارس ابتدایی و راهنمایی، دوره‌های کاردانی در رشته‌های تحصیلی: آموزش ابتدایی، زبان و ادبیات فارسی، امور پرورشی، دینی و عربی، مطالعات اجتماعی، علوم ریاضی، علوم تجربی، حرفه و فن، تربیت بدنی و علوم ورزشی، زبان انگلیسی، هنرهای تجسمی و آموزش کودکان استثنایی در مراکز تربیت معلم دایر است. دروس این رشته‌ها شامل تعدادی واحدهای عمومی (معارف اسلامی، تعلیم و تربیت و...) و تعدادی دروس اختصاصی متناسب با هر رشته تحصیلی است. معلمانی هم که عهده‌دار تدریس در دبیرستان خواهند شد، عمدتاً در دانشگاه‌ها، دانشگاه تربیت معلم و آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای تحصیل می‌کنند.

در فرانسه تدریس در مدارس گوناگون، نیازمند داشتن گواهی تدریس است. عناوین عمده گواهی‌های تدریس عبارت‌اند از: گواهی آموزگاری مدارس ابتدایی، گواهی تدریس در علوم تربیت بدنی و ورزش، گواهی آموزش دروس فنی و گواهی تدریس در دبیرستان‌های فنی و حرفه‌ای.

در کشور آلمان، برنامه درسی همه دوره‌های تربیت معلم شامل دو بخش است: علوم تربیتی و دروس تخصصی. در بخش علوم تربیتی، روش‌های تدریس عمومی و اختصاصی، مباحث روان‌شناسی و تعلیم و تربیت ارائه می‌شود.

در کشور ژاپن، دارندگان مدرک لیسانس و فوق لیسانس، برای تدریس در دوره‌های تحصیلی متفاوت، به اخذ گواهی تدریس نیاز دارند. این افراد برای دریافت گواهی تدریس ملزم به گذراندن واحدهای درسی مختلف دروس علوم تربیتی و دروس تمرین معلمی هستند. در هند، صلاحیت‌های لازم برای مربیان کودکان،

معلمان مدارس ابتدایی و دبیران دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی تدوین شده است و در این رابطه دروسی نظیر آموزش هنر، بهداشت و تربیت بدنی و کارورزی، به برنامه‌های درسی دوره‌های تربیت معلم افزوده شده است. در این کشور در کالج‌های تربیت معلمان حرفه‌ای، دروس به دو صورت عمومی و اختصاصی ارائه می‌شود که درس‌های آموزش رایانه، رادیو الکترونیک، بیوشیمی، رسانه‌های آموزشی و علم کتاب‌داری، به برنامه‌های درسی دوره‌های تربیت معلم افزوده شده‌اند.

آموزش‌های عملی و تمرین معلمی

در ایران دانشجویان دوره‌های تربیت معلم در طی دوره تحصیلی خود، چهار واحد عملی «تمرین معلمی» را می‌گذرانند. هر دو واحد تمرین معلمی در شش ساعت و معمولاً در یک روز ارائه می‌شود.

در کشور فرانسه، اصول آموزش علمی و عملی توأماً در برنامه دوره تربیت معلم ارائه می‌شود و آموزش در دوره‌های تربیت معلم، بر پایه آمیزش اصول علمی و عملی بنا شده است. به طور کلی، یک سوم زمان آموزش دانشجویان به گذراندن دوره‌های کارآموزی و تجزیه و تحلیل مواد آموزشی اختصاصی دارد.

در آلمان، دانشجویان در دوره‌های تربیت معلم در طول مدت تحصیل خود به تمرین مطالب یاد گرفته شده می‌پردازند. فعالیت‌های عملی این دروس در دو قسمت، حین ترم، در پایان و بعد از ترم تحصیلی، صورت می‌گیرد. مرحله عملی دوره‌های تربیت معلم در این کشور دو تا چهار نیم‌سال به طول می‌انجامد و در این مدت دانشجویان در سمینارهای مختلف درسی شرکت می‌کنند.

در ژاپن کارورزی آموزشی نقش مهمی در برنامه آموزشی دوره‌های تربیت معلم ایفا می‌کند. در این کشور لازم است دانشجویان با پایه و اساس قراردادن آگاهی‌های کسب شده در دانشگاه‌ها، به مدد کارورزی با حضور در کلاس‌های درس، چگونگی استفاده از نظرات و مطالب یاد گرفته شده را تمرین کنند.

بنابراین به طور کلی در فرانسه حدود یک سوم از زمان آموزش در دوره‌های تربیت معلم به گذراندن دوره‌های کارآموزی و مهارت‌های عملی اختصاص می‌یابد. در آلمان مرحله عملی دوره‌های معلمی دو تا چهار سال به طول می‌انجامد. در ژاپن هر واحد تمرین دبیری معادل یک هفته تدریس در مدارس است.

کادر آموزشی و هیئت علمی

در ایران برای تدریس در دوره‌های تربیت معلم ضمن خدمت، سیاست کلی، استفاده از نیروهای متخصص و تحصیل کرده در سطح کارشناسی ارشد و دکترا در دوره‌های تربیت معلم است، ولی در مرحله اجرا، بخصوص تدریس در دوره‌های ضمن خدمت، بعضاً افرادی که تدریس می‌کنند از شرایط تخصصی لازم و کافی برخوردار نیستند.

در کشور هند، کسانی می‌توانند در دوره‌های تربیت معلم تدریس کنند که یک مدرک دانشگاهی و گواهی

در ایران، استخدام معلمان از راه‌های گوناگون مثل جذب نیروهای حق‌التدریس، استخدام آزاد و نیروهای دیگر، علاوه بر فارغ‌التحصیلان تربیت معلم انجام می‌شود

به استخدام رسمی در می‌آیند و در مدارس مشغول به کار می‌شوند.

در فرانسه پس از فراغت از تحصیل در دوره‌های تربیت معلم، آزمون‌های لازم در دو مرحله برگزار می‌شود که مرحله اول آن به صورت کتبی و مرحله دوم به صورت شفاهی است. آزمون این افراد به وسیله هیئت داوران متشکل از استادان، دبیران رسمی، و بازرسان آموزشی انجام می‌شود.

دوره تحصیلی دانشجویان در آلمان معمولاً به دو بخش تقسیم می‌شود. در پایان هر بخش، یک امتحان کلی از آن‌ها به عمل می‌آید. معمولاً در نیمه اول تحصیلی، امتحان شفاهی و نیمه دوم امتحان کتبی به اضافه یک پایان نامه در رابطه با دوره تحصیلی ضروری است. در پایان، آن دسته از افرادی که در امتحان نهایی که به صورت‌های شفاهی، کتبی و عملی به عمل می‌آید، موفق شوند، به عنوان معلم استخدام می‌شوند.

در کشور ژاپن برای معلمی اخذ گواهی نامه تدریس نیاز است. برای اخذ گواهی نامه معلمی در دوره‌ها و مقاطع تحصیلی گوناگون، لازم است هر یک تعدادی دروس و واحدهای درسی مربوط را گذرانده و از عهده امتحان هر یک برآید.

به طور کلی، در اغلب کشورها، داوطلبان پس از امتحانات شفاهی، کتبی و عملی و اثبات آمادگی در تدریس عملی و تسلط به دروس تئوری، به عنوان معلم استخدام می‌شوند.

تدریس داشته باشند. در چین، مدرسان دوره‌های تربیت معلم، به دو صورت زیر انتخاب می‌شوند:

۱. فارغ‌التحصیلان برجسته دانشکده علوم تربیتی

۲. فارغ‌التحصیلان سایر مؤسسات آموزش عالی

در این کشور، مدرسان دوره‌های تربیت معلم ابتدایی و دبیرستان مقدماتی، دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتر هستند. به طور کلی، کادر آموزشی و هیئت علمی دوره‌های تربیت معلم در کشورهای مورد مطالعه، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتر، با تجارب آموزشی لازم هستند. در ژاپن هم در انتخاب مربیان دوره‌های تربیت معلم، موفقیت دانشگاهی و تجارب موفقیت‌آمیز در امر تدریس در مدارس از مهم‌ترین عوامل است.

ضوابط فراغت از تحصیل و استخدام معلمان

در ایران، استخدام معلمان از راه‌های گوناگون مثل جذب نیروهای حق‌التدریس، استخدام آزاد و نیروهای دیگر، علاوه بر فارغ‌التحصیلان تربیت معلم انجام می‌شود. تأکیدی بر داشتن گواهی معلمی قبل از استخدام وجود ندارد و معمولاً اولویت اصلی به تأمین نیاز فوری نیرو مربوط می‌شود. در پاره‌ای از مراکز تربیت معلم، اگر دانشجویان، کلیه واحدهای درسی را در رشته تحصیلی مربوط، طبق برنامه مصوب و بر اساس آیین نامه و مقررات آموزشی دانشگاه‌ها (همانند دانشجویان رشته‌های غیر معلمی) با موفقیت بگذرانند، فارغ‌التحصیل آن رشته شناخته می‌شوند. این افراد در وزارت آموزش و پرورش

جدول تطبیقی ویژگی‌های نظام تربیت معلم در کشورهای مورد مطالعه

ردیف	ایران	فرانسه	آلمان	ژاپن	هند	چین
۱	مدرک تحصیلی مورد نیاز برای ورود به دوره	دپلم	کارشناس	کارشناس	کارشناس ارشد	دپلم و کارشناسی
۲	طول دوره	دو سال	دو سال	چهار تا شش سال	سه و چهار سال	یک سال
۳	برنامه‌های آموزشی و درسی	روانشناسی، روش تدریس، فن معلمی و دروس عمومی و اختصاصی	دروس تعلیم و تربیت، یک زبان خارجی، مهارت‌های معلمی	دروس علوم تربیتی مانند روش‌های تدریس و روانشناسی و دروس تخصصی	اصول آموزش و پرورش و روانشناسی، روش تدریس، تمرین دبیری	علوم تربیتی، روانشناسی، روش تدریس، تمرین دبیری و آموزش‌های عملی
۴	آموزش‌های عملی و تمرین معلمی	۲ تا ۴ واحد عملی در طول یک یا دو ترم	در مدارس ضمیمه و در سال دوم حداقل هفته‌ای دو روز	یک تا دو سال	تمرین معلمی و کارورزی در برنامه اخیراً اضافه شده است	دو ماه برای کلاس‌های سه ساله و ۲/۵ ماه برای چهار ساله
۵	ضوابط فراغت از تحصیل و استخدام دانشجویان	گذراندن دروس دوره طبق آیین نامه	موفقیت در آزمون‌های پایانی (شفاهی و کتبی با نظر هیئت داوران)	موفقیت در آزمون‌های پایانی و کتبی و پایان نامه	موفقیت در دوره و اخذ گواهی تدریس	گذراندن دوره‌های تحصیلی با موفقیت

در اغلب کشورها، داوطلبان پس از امتحانات شفاهی، کتبی و عملی و اثبات آمادگی در تدریس عملی و تسلط به دروس تئوری، به عنوان معلم استخدام می‌شوند



در سال‌های اخیر، با توسعه آموزش و پرورش در کشور ما، تعداد فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزش عالی از افزایش زیادی برخوردار شده است، امکان پذیرش داوطلبان معلمی با سطح تحصیلی ورودی بالاتر از دیپلم در اکثریت شهرهای کشور وجود دارد. لذا با توجه به نقش تحصیلات بالاتر در افزایش کارایی معلمان، پیشنهاد می‌شود مدرک ورودی به دوره‌های تربیت معلم، از دیپلم و فوق دیپلم به لیسانس اصلاح شود. در خصوص انواع دوره‌های تربیت معلم دایر در کشور ما، تربیت معلم برای مدارس ابتدایی و راهنمایی در سطح کاردانی، در مراکز تربیت معلم، و برای دبیرستان‌ها و هنرستان‌ها در دانشگاه‌ها و آموزشکده‌ها انجام می‌شود که مدت آن چهار سال است که می‌تواند در کشور ما به دلیل وجود شرایط لازم اجرا شود.

در زمینه میزان برنامه‌های آموزشی و درسی دوره‌های تربیت معلم در ایران، کمتر از نیمی از برنامه آموزشی درسی را دروس عمومی و تربیتی در دوره‌های کاردانی و کارشناسی تشکیل می‌دهند و بقیه برنامه درسی دروس اختصاصی و پایه است. در آلمان و فرانسه، داوطلبان معلمی حدود دو سال دروس عمومی و تربیتی و مهارت‌های معلمی را می‌گذرانند و در فعالیت‌های

کارورزی و کارآموزی شرکت می‌کنند. در ژاپن از ۱۳۴ واحد درسی، ۷۸ واحد دروس معلمی است. یعنی بیش از نیمی از دروس را دروس مربوط به معلمی تشکیل می‌دهد. با توجه به نقش دروس عمومی و تربیتی و کارورزی در کارآمدی معلمان، افزایش برنامه‌های درسی این دروس و اضافه کردن برخی مهارت‌های جدید از جمله IT، آموزش‌های مجازی و روش‌های جدید یادگیری در برنامه تربیت معلم، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در زمینه شرایط ورود به حرفه معلمی و دوره‌های تربیت معلم، سطح تحصیلات ورودی در ایران دیپلم است. در قانون خدمات کشوری، حداقل مدرک فوق دیپلم برای جذب و استخدام نیروهای جدید پیش‌بینی شده است و مدارک تحصیلی معلمان، دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس و تعداد بسیار کمتری فوق لیسانس یا دکترا هستند. این در حالی است که در کشورهای فرانسه، آلمان و ژاپن، معمولاً سطح تحصیل ورودی به حرفه معلمی لیسانس است و معلمان مدرک تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس و یا دکترا دارند. با توجه به این که

پیشنهاد می‌شود
مدرک ورودی به
دوره‌های تربیت
معلم، از دیپلم
و فوق دیپلم به
لیسانس اصلاح
شود



در زمینه آموزش‌های عملی و تمرین معلمی در ایران، دانشجویان دوره‌های تربیت معلم در طی دوره تحصیل خود، چهار واحد عملی و تمرین معلمی را می‌گذرانند و سایر دروس نیز عمدتاً به صورت تئوری در مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌ها ارائه می‌شود. در فرانسه حدود یک سوم از زمان آموزش به گذراندن دوره‌های کارآموزی و مهارت‌های عملی معلمی اختصاص دارد. در آلمان، مرحله عملی دوره‌های تربیت معلم دو تا چهار سال به طول می‌انجامد. لذا به نظر می‌رسد با توجه به اتفاق نظر مدرسان و کارشناسان در نقش این درس و سایر دروس عملی در موفقیت کار معلمان، مدت زمان آن و کیفیت ارائه آن در برنامه‌های آموزش ضمن خدمت معلمان و دوره‌های تربیت معلم کشور باید در این مورد تجدید نظر شود.

در زمینه شرایط و ویژگی‌های کادر هیئت علمی دوره‌های تربیت معلم از نظر درجه تحصیلی مدرسان مراکز تربیت معلم، علاوه بر موقعیت دانشگاهی افراد، توجه به تجارب موفقیت‌آمیز آنان در امر آموزش و دارا بودن مهارت‌های معلمی و تدریس توصیه و پیشنهاد می‌شود. لازم به یادآوری است که در این مورد، در کشور فرانسه، داوطلبان تدریس در دوره‌های تربیت معلم و دانشگاه‌ها مانند تدریس در سایر مقاطع آموزشی، باید گواهی تدریس لازم را با شرکت در آزمون مربوط اخذ کرده باشند.

در زمینه ضوابط استخدام معلمان در کشور ما، به طور کلی می‌توان گفت در این مورد شرایط خاصی پیش بینی نشده است و آموزش و پرورش استان‌ها برای تأمین نیازهای مدارس (در صورت کمبود نیروهای فارغ‌التحصیل تربیت معلم)، نسبت به جذب و استخدام حق‌التدریس، نهضت سواد آموزی، سرباز معلم و آزاد اقدام می‌کنند. در اغلب موارد، برای این نیروهای جدید، در ضمن کار، دوره‌های کوتاه مدت برگزار می‌شود. دانشجویان دوره‌های تربیت معلم نیز مانند سایر دانشجویان رشته‌های تحصیلی، با کسب نمرات لازم، فارغ‌التحصیل شناخته می‌شوند و معمولاً بلافاصله به استخدام آموزش و پرورش در می‌آیند. در فرانسه، پس از اتمام تحصیل دانشجویان در تربیت معلم و موفقیت در آزمون‌های کتبی، شفاهی و عملی که طی دو مرحله انجام می‌شود، استخدام صورت می‌گیرد. در آلمان دانشجویان داوطلب معلمی در برنامه‌های تئوری و عملی مربوط به معلمی شرکت می‌کنند و دروس دوره‌های تربیت معلم را می‌گذرانند و در پایان، آن دسته از افرادی که در امتحانات نهایی که به صورت کتبی، شفاهی و عملی به عمل می‌آید موفق شوند و قابلیت‌های معلمی خود را در تدریس عملی و تسلط به تئوری‌های تعلیم و تربیت به اثبات برسانند، به عنوان معلم استخدام می‌شوند.

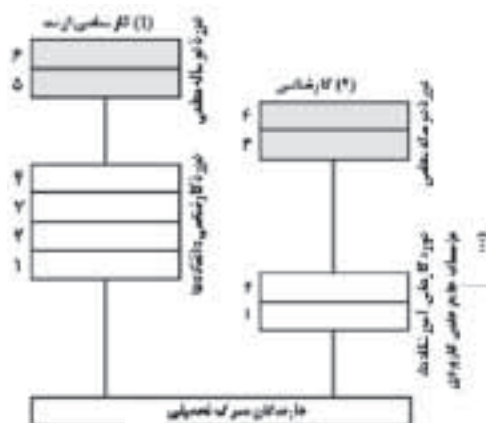
با توجه به این که صرف گذراندن دروس دوره‌های تربیت معلم برای احراز شرایط معلمی نمی‌تواند کافی باشد و بارها مشاهده شده است که در کشور ما فارغ‌التحصیلان دوره‌های تربیت معلم، چنان که باید موفقیت لازم را نداشته‌اند، پیشنهاد می‌شود شرایط و ضوابطی تدوین شود و بر این اساس، داوطلبان معلمی صرفاً پس از گذراندن دوره‌های معلمی در حد کفایت و کسب امتیاز مناسب در این دوره‌ها (نه صرف گذراندن آن) جذب شوند. بنابراین، فارغ‌التحصیلان دوره‌های تربیت معلم، پس از کسب شرایط و آمادگی کامل، برای شروع به کار معلمی

استخدام شوند.

چند پیشنهاد برای کیفیت بخشی به نظام تربیت معلم

۱. در شهرهایی که فارغ‌التحصیل دوره‌های کارشناسی به تعداد کافی وجود دارد:
 - پذیرش دانشجویان برای دوره‌های تربیت معلم، با مدرک کارشناسی صورت پذیرد.
 - این افراد به مدت یک یا دو سال دروس علوم تربیتی و مهارت‌های معلمی را بگذرانند و با مدرک گواهی تدریس (با مزایای خاص اداری) و یا فوق لیسانس معلمی، به تدریس در آموزش و پرورش اشتغال یابند.
۲. برای تأمین معلمان مورد نیاز برخی مناطق مرزی و روستاها و شهرهای کوچک که فارغ‌التحصیلان کارشناسی به تعداد کافی وجود ندارند:
 - پذیرش دانشجویان با مدرک کاردانی صورت گیرد.
 - این افراد به مدت دو سال دوره‌های تربیت معلم را بگذرانند و لیسانس معلمی را در رشته مربوط دریافت کنند.
 - هم چنین، همه دوره‌های معلمی در مراکز تربیت معلم کشور و دانشگاه‌های تربیت معلم کشور برگزار شود.

نمودار الگوی پیشنهادی نظام تربیت معلم



کارشناس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

منابع

۱. آموزش و پرورش تطبیقی. احمد آقازاده. دانشگاه پیام نور.
۲. آموزش و پرورش تطبیقی. محمدعلی فرشاد. انتشارات رشد.
۳. آموزش و پرورش در چند کشور اروپایی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۴. بررسی تطبیقی روش‌های تأمین و تربیت معلم در ایران و چند کشور جهان. مرتضی سمیع‌زفرقندی.
5. Minister de education nationale- 1999 marstufe und sekuandarstufe).
6. outline of education in japan-2007.
7. japanes callege and universities
8. educational buildings is japan-2005.
9. The educationnal system in the Federal Republic of Germany, Decamber 2008.

پیشنهاد می‌شود
شرایط و ضوابطی
تدوین شود و بر این
اساس، داوطلبان
معلمی صرفاً پس از
گذراندن دوره‌های
معلمی در حد کفایت
و کسب امتیاز مناسب
در این دوره‌ها (نه
صرف گذراندن آن)
جذب شوند

به کوشش: کبری محمودی

آخور

در جست و جوی انسان

ربع مسکون آدمی را بود، دیو و دد گرفت
کس نمی‌داند که در آفاق، انسانی کجاست؟
دور دور خشک‌سال دین و قحط دانش است
چند گویی: «فتح بابی کو و بارانی کجاست؟»
من تو را بنمایم اندر حال صد بوجهل جهل
گر مسلمانی تو، تعیین کن که «سلمان»ی کجاست؟

فضل آدمی

برترین پایه مرد را عقل است
بهترین پایه مرد را تقوا است
بر جمادات فضل آدمیان
هیچ بیرون ازین دو معنی نیست
چون ازین هر دو، مرد خالی ماند
آدمی و بهیمه هر دو یکی است

خواهنگی

خواستن کدیه است، خواهی عشر خوان خواهی خراج
زان که گر ده نام باشد یک حقیقت را، رواست
چون گدایی، چیز دیگر نیست جز خواهنگی
هر که خواهد، گر سلیمان است و گر قارون، گداست

سخن

بسا سخن که مرا بود و آن نگفته بماند!
ز من نخواست کس آن را و آن نهفته بماند
سخن که گفته بود هم‌چو دُر سفته بود
مرا رواست گر این دُر من نسفته بماند

مفت

ای نفس به رسته قناعت شو
کان جا همه چیز نیک ارزان است
تا بتوانی حدز کن از مَنّت
کاین مَنّت خلق کاهش جان است
در عالم تَن چه می‌کنی هستی؟
چون مَرّجع تو به عالم جان است

دو نعمت

ایمنی را و تن‌درستی را
آدمی شکر کرد نتواند
در جهان این دو نعمت است بزرگ
داند آن کس که نیک و بد داند

دوستان

کهنتر و مهتر و وضع و شریف
همه سرگشته‌اند و رنجورند
دوستان گر به دوستان نرسند
اندرین روزگار معذورند

قناعت

کیمیایی کنم تو را تعلیم
که در اکسیر و در صناعت نیست
رو قناعت گزین که در عالم
کیمیایی به از قناعت نیست

هجرت

در آن زمین که تو در چشم خلق خوار شوی



سبک سفر کن از آن جا برو به جای دگر
سفر مرّبی مرد است و آستانهٔ جاه
سفر خزانهٔ مال است و اوستاد هنر
درخت اگر متحرک شدی ز جای به جای
نه جور ارّه کشیدی و نه جفای تبر

برتری حکمت بر شعر

انوری، بهر قبول عامه چند از ننگ شعر؟
راه حکمت رو، قبول عامه گو هرگز مباحش
در کمال بوعلی نقصان فردوسی نگر
هر کجا آمد شفا، شه نامه گو هرگز مباحش

تکلف تعارف

تکلف میان دو آزاد مرد
بود ناپسندیده و سخت خام
بیا تا تکلف به یک سو نهیم
نه از تو رکوع و نه از من قیام
به سنت کنیم اقتدا زین سپس
سلام و، علیکم، علیک السلام

مفلس کیمیا فروش

از سخن های عذب شکر طعم
در دهان زمانه نوش منم
لیکن از ردّ سمع مستمعان
با زبانی چنین خموش منم
در زوایای رسته معنی
مفلس کیمیا فروش منم

شکر و صبر

شود زیادت شادی و غم شود نقصان

چو شکر و صبر کنی در میان شادی و غم
ز شکر گردد نعمت بر اهل نعمت بیش
به صبر گردد محنت بر اهل محنت کم

تفاوت

روبّهی می دوید از غم جان
رویه دیگری بدید چنان
گفت: «خیر است! باز گو خبری!»
گفت: «خر گیر می کند سلطان!»
گفت: «تو خر نه ای، چه می ترسی؟»
گفت: «آری، ولیک آدمیان
می ندانند و فرق می نکنند
خر و روباهشان بود یکسان»

سه فضیلت

عادت کن از جهان سه فضیلت را
ای خواجه، وقت مستی و هشیاری
در هیچ دین و کیش کسی نشنید
هرگز ازین سه مرتبه بیزاری
دانی که چیست آن؟ بشنو از من
رادی و راستی و کم آزاری

تن و جان

مشغول مشو به تن! نه اینی!
فارغ منشین ز جان که آنی!
گر جانت به علم در ترقی است
آنک تو و ملک جاودانی
ورنه چو به مرگ جهل مردی
هرگز نرسی به زندگانی

کدیه: گدایی
عشر: یک دهم
بهیمه: حیوان
وضیع: پست
سبک: راحت
عذب: شیرین

تغییر نظام آموزشی کشور

مقدمه

اهمیت ساختار نظام آموزشی کشور، ارتباط دوره‌های تحصیلی با یکدیگر و طول دوره‌های آموزشی، بر کسی پوشیده نیست. ساختار نظام آموزشی کشور از سال ۱۳۴۴ که طبق قانون تفکیک وزارت فرهنگ^۱ شامل سه دوره تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شد، تاکنون تغییرات زیادی داشته است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت تأمین اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور آموزش و پرورش به خصوص ساختار آموزشی، مورد توجه مسئولان قرار گرفت. در این راستا، طرح‌هایی نظیر «تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش^۲»، «تغییر نظام آموزش متوسطه^۳» و «پیش دانشگاهی^۴» مطرح شد. از آن‌جا که این طرح‌ها به دلایلی در

جهت تأمین اهداف مطلوب موفق نبودند، «طرح تغییر نظام آموزشی کشور در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۰» از سوی نمایندگان مجلس، به مجلس شورای اسلامی ارائه شد.

مزایای طرح

۱. حذف دوره پیش‌دانشگاهی: حذف دوره پیش‌دانشگاهی و افزودن آن به دوره متوسطه و تبدیل دوره متوسطه به دوره‌ای چهار ساله، با عنایت به این که امکان توزیع نیروی انسانی مجرب را در تمام سطوح دبیرستان متعادل می‌کند، از قوت‌های این طرح است. به این دلیل که هم اکنون نیروهای آموزشی مجرب‌تر جذب دوره پیش‌دانشگاهی می‌شوند، با اجرای این طرح، امکان توزیع متعادل نیروهای کیفی فراهم خواهد شد.

۲. اعتبار مدرک تحصیلی دیپلم: افزایش دوره تحصیلی به



۱۲ سال و اعتبار دیپلم به پایان دوره متوسطه ۱۲ ساله، از نتایج مثبت ماده ۱ خواهد بود؛ با توجه به این که ۵۶ درصد کشورهای جهان مدرک دیپلم را در پایان ۱۲ سال آموزش و ۷۹ درصد آن‌ها برای ۱۲ سال و بالاتر آموزش صادر می‌کنند.

۳. با توجه به این که سن مشمولان نظام وظیفه در ایران ۱۸ سال است، طول دوره‌های تحصیلی ۱۲ سال و سن شش سالگی برای ورود به دبستان مناسب است، بنابراین، ارائه دیپلم در سن ۱۷ سالگی و کمتر، موجب اتلاف سرمایه انسانی و عوارض نامطلوب اجتماعی می‌شود؛ وضعیتی که هم اکنون برای اغلب فارغ التحصیلان فنی و حرفه‌ای و کاردانش اتفاق می‌افتد که این طرح آن را رفع می‌نماید. این مزیت انحصاراً به حذف دوره پیش دانشگاهی و شروع تحصیل شش سالگی مربوط است.

معایب طرح

۱. شواهدی مستند و پژوهشی، مبنی بر تبدیل دوره پنج ساله ابتدایی به شش ساله وجود ندارد. هم چنین، اسناد پشتیبان سند تحول راهبردی، به ویژه سند بنیان نظری تحول راهبردی، این موضوع را تبیین نمی‌کند که تحول بنیادین نظام آموزشی و پرورشی، لزوماً باید از تغییر ساختار دوره‌های تحصیلی آغاز شود.

۲. فرض است که تحول بنیادین نظام آموزشی به محتوا، روش‌ها و نیازهای مبتنی بر شرایط کنونی و آینده نظام اسلامی مربوط است، نه ساختار. در واقع، در این طرح، جای موادی که به نیازهای محتوایی آموزش و پرورش توجه کند، خالی است. به علاوه، سرمایه‌گذاری نظام آموزش و پرورش روی شکل ساختار دوره‌ها، می‌تواند مانعی بر سر راه تغییر محتوا باشد.

۳. تحول در نظام آموزش و پرورش، شامل تغییر و اصلاح مؤلفه‌ها و متغیرهای اصلی آموزش و پرورش همانند هدف‌ها، فرایندهای یاددهی - یادگیری، خرده نظام‌های برنامه درسی، تربیت، تأمین و نگهداشت نیروی انسانی، تعیین کارکردهای نظام آموزشی در رابطه با جامعه، فرد، خانواده، ساختار فرهنگی و سیاسی است. اسناد مربوط به خرده نظام‌های مربوط، برای تحول بنیادین نظام آموزش، هنوز تدوین و نهایی نشده است. لذا اجرایی کردن تحول بنیادین و یا تحول راهبردی در نظام تربیت رسمی و عمومی، با تغییر ساختار دوره‌ها، نوعی شتابزدگی در این مسیر است. بر این پایه، در مرحله کنونی طراحی تغییر نظام شتابزدگی یک ضعف تلقی می‌شود.

۴. با نگاه به ارتقای شاخص باسوادی در کشور، اقتضا دارد که تا پایان دوره‌های اول و دوم، آموزش و پرورش عمومی رایگان و اجباری شود. این مهم در طرح پیشنهادی لحاظ نشده است.

۵. طرح پیشنهادی در خصوص طول مدت آموزش اجباری، به طور واضح موضع‌گیری نکرده است.

۶. مشکلات اجرایی متعددی در طرح دیده می‌شود؛ از جمله این که آموزش و پرورش در کوتاه مدت امکان تأمین و آموزش معلمان به ویژه برای پایه‌های ششم ابتدایی و سوم راهنمایی را ندارد.

۷. تفاوت سنی دانش‌آموزان ابتدایی از پایه اول تا پایه ششم ابتدایی، موجب ایجاد مشکل اجرایی و تربیتی می‌شود. این

اختلاف سنی زیاد بین دانش‌آموزان پایه اول با پایه ششم (با توجه به این که حداقل سن ورود به دبستان شش سال تمام و حداکثر سن ورود به پایه ششم ۱۶ سال تمام است)، به ویژه در مناطق روستایی و عشایری که معمولاً دانش‌آموزان در کلاس‌های چند پایه و مختلط (دختر و پسر) و با سنین متفاوت آموزش داده می‌شوند، مشکلات تربیتی و آموزشی عدیده‌ای را ایجاد می‌کند.

جمع‌بندی و پیشنهادها

تقریباً تمامی پژوهش‌ها و گزارش‌های کارشناسی موجود بر این نکته متفق‌اند که تغییر یکباره ساختار دوره‌های تحصیلی به لحاظ ترتیبات دوره‌ها، بدون انجام مطالعات کافی، دلایل روشن ندارد و بدون هماهنگی با سایر اهداف و زیرنظام‌ها، امری پرهزینه، زمان‌بر و کم فایده است. از این رو، اکثر صاحب‌نظران معتقدند، در این شرایط بهتر است از ورود به آن خودداری شود و تنها به رفع مشکلات ساختار فعلی پرداخته شود و با تغییر شکل ساختاری دوره‌ها به حد محدودتر و حذف دوره پیش دانشگاهی، فرصت مناسبی برای تغییر محتوا و روش آن در نظام آموزش و پرورش ایجاد کنیم. در صورتی که اصرار بر تصویب قانونی در این زمینه باشد، پیشنهاد تغییر عنوان و اصلاحات کلی در متن می‌شود؛ به نحوی که عنوان طرح به «تغییر ساختار دوره‌های تحصیلی» اصلاح شود و با تأکید بر این که دوره آموزش و پرورش رسمی کشور ۱۲ سال است، ذکر شود که این دوره مشتمل بر پنج سال دوره ابتدایی، سه سال دوره راهنمایی و چهار سال دوره متوسطه خواهد بود (با حذف دوره پیش دانشگاهی، یک سال به دوره متوسطه اضافه می‌شود).

زیرنویس

۱. قانون تفکیک وزارت فرهنگ، مصوب ۱۳۴۳.
 ۲. وزارت آموزش و پرورش، طرح تغییر نظام آموزش و پرورش، انتشارات آموزش و پرورش، ۱۳۶۷.
 ۳. وزارت آموزش و پرورش، طرح تغییر نظام آموزش و پرورش، ۱۳۶۹.
 ۴. طرح جدید آموزش متوسطه، مصوب ۱۳۶۹.
- این مطلب از وبلاگ Mh1342.blogfa.com برداشته شده است. صفحه وبلاگ معلمان را در این شماره ببینید.

رمز موفقیت او را در همین چند خصلت یافتیم. بی توقع کار می‌کند. با پشتکار افکار و ایده‌هایش را پی‌گیری می‌کند. با اراده تصمیم می‌گیرد و چون برای مردم و جوانان کار می‌کند مغرور نمی‌شود و تواضع دل‌نشین او همه را با خود همراه می‌کند. در یک کلام، مردم در او صداقت می‌بینند. آیت‌های خدا را در آسمان پیدا می‌کند و به مردم نشان می‌دهد تا راه خدا و خانه خدا را پیدا کنند و به او نزدیک شوند. خداوند هم او را کمک می‌کند.

او از راه معلمی در یک مدرسه در سعادت شهر روزگار می‌گذراند. در منزل با جدیت تمام از یک مادر پیر و سال‌خورده نگهداری و پذیرایی می‌کند. با کسی از زمینیان از دواج نکرده و در آسمان به دنبال محبوب خود است. اما مردم شهر بویژه جوانان، با او همراهی می‌کنند و به او شوق زندگی می‌بخشند؛ یک زندگی ساده ولی علمی و حقیقت جو.

کبیری در منزلش از ما پذیرایی کرد و ما را به محل رصدخانه‌ای که به کمک اهالی شهر، با دست‌هایش ساخته است، برد. از طریق، جاده‌ای خاکی که با بیل و کلنگ اهالی، از پایین تپه به بالا کشیده شده است. ناگفته نماند، آموزش و پرورش، روحانیت شهر، شورای شهر، حتی انجمن فیزیک ایران، یاریش می‌کنند و او یک تنه زمینه خدمت رسانی آنان را برای جوانان شهر فراهم ساخته است. جوانانی که در شهر دیپلم گرفته‌اند و الان در شیراز و تهران دانشجو شده‌اند، تنهاش نگذاشته‌اند؛ به شکل‌های گوناگون یادش می‌کنند و یاریش می‌رسانند.

اصغر کبیری که عمرش دراز باد، در آینده می‌تواند ادعا کند که در جوانی توانسته است درهای آسمان و زیبایی‌هایش را برای مردم شهر و دیارش باز کند و هر کس را به حد انگیزه و تلاشش از این نعمت‌های خداوندی بهره‌مند سازد. بله، اگر ما توانیم به آسمان پرواز کنیم و به ستارگان خدا نزدیک شویم، ولی می‌توانیم بعضی از آن‌ها را به زمین خود فرود آوریم. آنچه در ادامه می‌خوانید متن گفت‌وگوی من با آقای اصغر کبیری است که در ۲۸ مهرماه ۸۹ در مدرسه شهید حسین پور سعادت شهر انجام شد.

در ۱۲۰ کیلومتری شمال شرق شیراز به شهری می‌رسیم که هنوز چشم‌اندازهای روستایی آن هم چون باغات و مزارع و هوای پاک، بیشتر جلب توجه می‌کند. شب‌ها آسمانش به زمین نزدیک‌تر است و ستاره‌هایش قابل رؤیت. ۴۰ سال پیش، همین آسمان پرستاره و وسوسه‌انگیز، دل و روح کودک‌کی را به سوی خود کشید و ستاره‌های صورت فلکی دب اکبر چشمان او را خیره کرد. هرگاه توجه و دقت آدمی به چیزی مستمر باشد و با پشتکار به دنبال دستیابی به آن برود، یقیناً موفقیت در پی خواهد آمد. بله، اصغر کبیری، کودک ۴۰ سال پیش و معلم دل‌سوز امروز، به همراه خود چشم‌ها و دل‌های اهالی سعادت شهر را نیز به سوی آسمان کشیده است: به یکباره می‌بینی بر در و دیوار شهر، اطلاعاتی و عده «دیدار با آسمان» نقش بسته است. امام جمعه در خطبه‌های نماز جمعه مردم را به شب موعود آسمانی فرا می‌خواند. گروه‌های جوان و نوجوان در مدارس و محله‌ها به دنبال اطلاعات بیشتر هستند و... گویی همه شهر برای این دیدار آسمانی بسیج شده‌اند.

در شب موعود برق شهر قطع می‌شود و آسمان پرجذبه‌تر خود را به رخ می‌کشد. دوربین‌ها و چشم‌ها به آسمان دوخته می‌شوند و یک معلم، این چشمان مشتاق را به تماشای باغ ستاره‌ها می‌برد. این شهر با این همت، از چشم آسمان‌شناسان خارج از مرزهای کشور نیز غافل نمانده است. گروه‌هایی از گوشه و کنار جهان به دیدار شهر و معلم آن روانه می‌شوند و اخبار آن‌ها در پایگاه‌های اینترنتی و مجلات علمی نجومی جهان پخش می‌شود.

برای من که خود نیز از دوست‌داران آسمان هستم، و همواره انگیزه‌ای دارم که چنین معلمان پر شور و بی ادعایی را از نزدیک ببینم. با هماهنگی قبلی و صحبت‌های تلفنی، پس از آن که با معلمان دوره‌های ابتدایی و راهنمایی ناحیه چهار شیراز جلسات آموزشی داشتیم، به سوی سعادت شهر روانه شدم. چند جلدی هم از کتاب تألیفی خود (شناخت مبانی نجوم) به همراه چند سی‌دی برده بودم تا به ایشان هدیه کنم. غافل از آن که با عده‌ای از نوجوانان و شاگردان آقای اصغر کبیری رو به رو خواهم شد که آمده‌اند مؤلف کتاب مذکور را ببینند. دیدم در دست هر یک از آن‌ها کتاب مبانی نجوم قرار دارد. متوجه شدم آسمانیان قبل از آن که روی زمین یکدیگر را ببینند، در آسمان همدیگر را پیدا کرده‌اند. اصغر کبیری معلمی است آرام، با اراده، با پشتکار و متواضع.



خرس در آسمان!

منصور ملک عباسی



اصغر کبیری

در آن سال های
کودکی، برای من
خیلی عجیب بود
که چرا خرس در
آسمان است! و
کنجاوی هایم برای
دیدن این خرس ها
بیشتر شد

رسم است که ساکنان
این شهر، هر مهمانی
را که از راه دور
می آید، یک شب
برای رصد دعوت
می کنند

اصغر کبیری و
منصور ملک عباسی
در جمع دانش آموزان
علاقه مند به نجوم

نوشتم و از انجمن خواستم تلسکوپ و وسایلی برای ساخت رصدخانه ای در سعادت شهر در اختیار ما قرار دهد. کار را پی گیری کردم و خوشبختانه موفق شدم. چون در اوایل سال ۶۸، آقای دکتر رضا منصوری، رییس انجمن فیزیک ایران، به سعادت شهر آمدند و تلسکوپ ۴ اینچی برای ما آوردند. این تلسکوپ کمک بسیاری به ما کرد. بعد از آن، ایشان همواره کتاب هایی را در این زمینه برای ما می فرستادند و بسیار مشوق من بودند. همان روزها از انتشار مجله ای درباره نجوم برای دانش آموزان صحبت بود. بالاخره در سال ۱۳۷۰ اولین شماره مجله چاپ شد و در شهر ما حدود ۸۰ نفر مشترک آن شدند.

• رصدخانه سعادت شهر را چه وقت و چگونه تأسیس کردید؟

من در شرکت مخبرات مرودشت کار می کردم، ولی در اواخر سال ۷۰ استعفا دادم و وارد آموزش و پرورش شدم. با کمک آموزش و پرورش در سعادت شهر رصدخانه ای ساختم و خودم آموزش نجوم را شروع کردم. ابتدا استقبال زیادی از رصدخانه شد. کم کم گروه های دانش آموزی آمدند و کلاس های نجومی خارج از مدرسه تشکیل شد؛ البته کاملاً رایگان. قبل از سال ۱۳۷۲ طی مکاتبات و درخواست از وزیر آموزش و پرورش، بالاخره تلسکوپ ۱۱ اینچی را به سعادت شهر آوردیم. از این تلسکوپ در حیاط اداره آموزش و پرورش استفاده های زیادی می شد. به خصوص برای رصد بارش های شهابی، کاربرد زیادی داشت. خیلی از شب ها، خود دانش آموزان تا نیمه های شب می ماندند تا در اوج بارش شهاب ها، آسمان را نظاره کنند.

چون تلسکوپ ما جای مشخصی نداشت. در سال ۷۳ با کمک های مردمی، ساختمان دائمی رصدخانه را ساختم؛ به همت مردم، جاده ای هم به طول یک کیلومتر تا رصدخانه کشیدیم و درخت کاری کردیم.

• آن چه در باره سوغاتی شهر شما شنیده ایم، صحت دارد؟

بله. سوغاتی شهر سعادت شهر رصد کردن است. رسم است که ساکنان این شهر، هر مهمانی را که از راه دور می آید، یک شب برای رصد دعوت می کنند. تفریح بسیار لذت بخش و جالبی است.

• آقای کبیری لطفاً برای ما از سوابق و فعالیت های نجومی تان بگویید.

من از همان دوره ابتدایی به نجوم علاقه مند شدم. چون در کتاب علوم، مطالبی در مورد دب اکبر، خرس کوچک و خرس بزرگ می خواندم. در آن سال های کودکی، برای من خیلی عجیب بود که چرا خرس در آسمان است! و کنجاوی هایم برای دیدن این خرس ها بیشتر شد. مثلاً شب ها که در حیاط خانه دراز می کشیدم تا بخوابم، ذره بین را جلوی ماه می گرفتم تا بتوانم آن را در عدسی ببینم.

یک بار هم پسر عمویم چند کتاب درباره ستاره ها و صورت های فلکی به من هدیه کرد و در پاسخ به سؤال هایم، درباره رصدخانه و رصد کردن ستاره ها و سیاره ها توضیحاتی داد.

سال سوم راهنمایی، از معلوم علوم مدرسه خواستم یک مجموعه آینه و عدسی در اختیارم بگذارد که توانستم با آن ها یک تلسکوپ بسازم.

با گذشت زمان، به فکر ساختن تلسکوپ قوی تر افتادم و یک عدسی ساختم که فاصله کانونی آن تقریباً یک متر و نیم بود. زمان گذشت تا سال ۱۳۸۱ که برادر بزرگترم در عملیات محرم شهید شد. این اتفاق ضربه روحی بزرگی بر من بود. آن موقع، تنها چیزی که باعث آرامشم می شد، نگاه کردن به آسمان و گردش در ستاره ها بود. در ضمن برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر، مقاله هایی را که درباره علم نجوم بود، جمع آوری می کردم.

به دبیرستان که رفتم، یک تلسکوپ لوله بلند ساختم، اما چون زمان جنگ بود، جرئت نمی کردم در هر جایی از آن استفاده کنم. تلسکوپم را داخل گونی می گذاشتم و به بالای تپه ای می رفتم تا آسمان را ببینم. به همین صورت، به مرور زمان علاقه به فضا و نجوم در من بیشتر و بیشتر شد. با چند نفر از دوستانم قراردادی نوشتیم برای تشکیل گروه نجوم مسئولیت و وظایف هر فرد را نوشتیم و قرارداد را امضا کردیم. چند سال بعد، حدود سال ۶۷، بعد از گرفتن مدرک دیپلم، هر کسی شغلی پیدا کرد و رفت. تنها کسی که در این زمینه فعالیت خود را ادامه داد، من بودم. همان سال برای رصد در رصدخانه ابوریحان بیرونی به شیراز رفتم. به عنوان یک تجربه، شب خوب و شیرینی را در رصدخانه گذراندم.

اواخر سال ۶۷، طوماری از امضا برای انجمن فیزیک ایران





نمایی از
سعادت شهر

یک دوره تئوری در مدرسه برگزار می‌شود که در کنار آموزش، فعالیت‌های رصدی هم داریم. دانش‌آموزان ما سرمایه شب را در کوه و دشت برای کسب مهارت در زمینه نجوم، به جان می‌خورند. از شهرهایی مانند مرو دشت و شیراز نیز گروه‌های دانش‌آموزی داریم.

• چگونه اطلاع رسانی می‌کنید؟

در مواقعی که پدیده‌ای خاص در پیش باشد، مانند ماه‌گرفتگی، با پخش اطلاعیه‌هایی در سطح شهر، مردم را مطلع می‌کنیم و نیز افرادی از انجمن، مردم شهرهای اطراف را آگاه می‌کنند. در شب‌هایی که موضوع مهمی را در آسمان رصد می‌کنیم، برق شهر با هماهنگی قبلی قطع می‌شود تا بهتر بتوان به آسمان نگاه کرد. ما در این سال‌ها افرادی را از کشورهای دیگر برای بازدید داشته‌ایم. برای مثال، منجم مسنی از کشور فنلاند به شهر ما آمد و از تجربه‌های خود برای دانش‌آموزان ما گفت. افرادی دیگر هم آمدند که بعضی از آن‌ها ایده‌هایی نو و کارآمد برای ساخت تلسکوپ داشتند. جالب توجه است که چند سال پیش، کارهای ما در زمینه نجوم مورد توجه یک فیلم‌ساز دانمارکی قرار گرفت و او طی سفری که سال گذشته به سعادت شهر داشت، فیلم کوتاهی از فعالیت‌های ما تهیه کرد. همین فیلم، زمینه ساز یک فیلم مستند شده است و گروه آن‌ها آبان ماه برای تهیه فیلم به این جا آمدند.

• می‌شود یک خاطره برای ما تعریف کنید.

شب یکی از روزهایی که قرار بود رصدی مهم انجام دهیم، در حیاط منزل مشغول رصد بودیم که خانمی، پسران پسران به منزل ما رسید. می‌گفت، من به نجوم علاقه بسیاری دارم. شب‌های تابستان سجاده‌ام را در حیاط پهن می‌کنم و نماز می‌خوانم و ستاره‌ها را تماشا می‌کنم، اما مطلب زیادی درباره آن نمی‌دانم. من هم چند دقیقه‌ای درباره چند ستاره و خورشید برای او گفتم. کم‌کم اشک از چشمانش جاری شد. برای او درباره ارتباط بین آیات قرآن در نجوم صحبت کردم. این سخنان بسیار تأثیرگذار بودند و زمینه‌ساز فعالیت او در زمینه نجوم شد. مطلع شدم سال بعد در ماراتون «مسیر ایران» شرکت کرده و در حال حاضر نیز پی‌گیر نجوم است. حقیقتاً نجوم با خدانشناسی ارتباط مستقیم دارد.

در این چند سال، چند سمینار نجوم هم برگزار کرده‌ایم که به راستی آموزش و پرورش و شورای شهر همکاری‌های خوبی در برگزاری آن‌ها داشتند. در همه سمینارها دکتر منصوری و در بعضی دکتر ریاضی شرکت داشتند.

البته در حال حاضر مشکلی داریم و آن این که شهر نسبت به گذشته بزرگ شده و رصدخانه در محاصره نور است. حتی شهرک‌هایی هم که اطراف شهر ساخته شده‌اند، مشکلاتی را برای رصدخانه به دنبال داشته‌اند. به همین دلیل، ما رصدهای عمومی را در همین جا، اما رصدهای مهم‌تر را در ده تا ۱۵ کیلومتری خارج از شهر انجام می‌دهیم.

• تجهیزات رصدخانه شما چیست؟

ما در حال حاضر دو تلسکوپ ۱۱ اینچی و ۱۴ اینچی و یک دوربین دو چشمی داریم که دوربین را یک گروه آماتور نجوم از آمریکا در سال ۸۳ به ما هدیه کرده‌اند. استقبال مردم از گردشگران خارجی که برای رصد گذر زهره آمده بودند، بسیار گرم و صمیمی بود و مهمان‌ها بسیار تحت تأثیر قرار گرفتند.

• درباره دریافت اولین جایزه ترویج علم بگویید.

در سال ۸۰ اولین گردهمایی منجمان آماتور سراسر کشور را با پشتیبانی شورای شهر به مدت سه روز برگزار کردیم. شورای شهر و شهرداری همواره در تمامی زمینه‌ها حامی ما بودند. انعکاس این گردهمایی در رسانه‌ها باعث شد که سعادت شهر و گروه نجومی ما بیشتر شناخته شوند. ما یکی از فعال‌ترین گروه‌ها بودیم و گزارش‌هایی را برای چاپ در مجله نجوم می‌فرستادیم تا این که در سال ۸۴، روش‌هایی را برای ترویج نجوم ارائه دادیم که باعث شد سال ۸۵ نیز گروهی کارآموز آماتور سرشناس از خارج از کشور، برای بازدید به شهر ما آمدند. این خبر در مجله‌های خارجی نیز منعکس شد.

دانش‌آموزان ما چند مرتبه در مسابقات سراسری نجوم مقام آورده‌اند. هم چنین در «ماراتون مسیر ایران»، سه سال مقام اول کسب کرده‌اند. چند سال پی‌پی نیز شاگردان ما به عنوان داور کشوری و دو نفر به عنوان داور بین‌المللی ماراتون انتخاب شدند.

• آموزش‌های شما عمدتاً به صورت رصد است یا به صورت تئوری؟



البته در حال حاضر مشکلی داریم و آن این که شهر نسبت به گذشته بزرگ شده و رصدخانه در محاصره نور است

چند سال پیش، کارهای ما در زمینه نجوم مورد توجه یک فیلم‌ساز دانمارکی قرار گرفت و او طی سفری که سال گذشته به سعادت شهر داشت، فیلم کوتاهی از فعالیت‌های ما تهیه کرد



بخش نخست

چالش پایان ناپذیر نخبه‌معلم

مریلین کوچران اسمیت
کریستین پاور
ترجمه: حسین ربانی



امروزه، آموزش و پرورش دغدغه همه کشورهای و جوامعی است که می‌خواهند در گردونه تحولات جهانی و رقابت‌های نفس‌گیر اقتصادی، از دیگران عقب نمانند. و جالب توجه این است که این دغدغه‌ها در کشورهای پیشرفته بیشتر مشهود است تا در کشورهای فقیر یا در حال توسعه! آمریکایی‌ها یک بار هنگامی که دیدند روس‌ها در رقابت‌های فضایی بر آن‌ها پیشی گرفته‌اند (۱۹۶۵)، به خود آمدند و با ریشه‌یابی دلایل عقب ماندگی خود در نظام آموزشی‌شان، و عمدتاً علوم و ریاضیات، توانستند این ضعف را جبران کنند. اکنون نیز به نظر می‌رسد با توجه به رکود اقتصادی که در این چند سال اخیر گریبان‌گیرشان شده است، بار دیگر مشکل را در نظام آموزشی و شیوه‌های تربیت معلم خود جست‌وجو می‌کنند و می‌کوشند، از این طریق مقری بیابند. نوشته‌ای که می‌خوانید، از مجله Educational Leadership ترجمه شده، و موضوع آن در همین راستاست. مطالعه آن می‌تواند بویژه برای کارشناسان آموزش نیروی انسانی مفید باشد. این مقاله در دو شماره از نظراتان می‌گذرد.

جهانی شده، منوط به آماده سازی شهروندان آن جامعه است تا به استانداردهای دانشگاهی در سطح جهانی برسند و بر مهارت‌های پیچیده مسلط شوند.

این در حالی است که بر اساس ارزیابی‌های ملی و بین‌المللی، بسیاری از دانش‌آموزان آمریکایی به انحاء مختلف، برای ورود به بازار کار یا ورود به مرحله تحصیلات دانشگاهی، آمادگی لازم را ندارند؛ به خصوص در ریاضیات و علوم.

پس بحث به این جا می‌رسد که ما در نظام آموزشی خود نیازمند اصلاحاتی اساسی و عمیق هستیم که شامل استانداردها و ارزیابی‌های سخت‌گیرانه و جدی نیروی آموزش دهنده مستعدتر و کارتر، و نوعی نظام آموزشی کاملاً بازنگری شده با محوریت «آموزش مشاهده محور» باشد.

چرا که رونق و شکوفایی اقتصادی آمریکا در گرو توانایی یک یک شهروندان آن به رقابت در اقتصادی دانش محور نهفته است (که این خود به معلمان و دانش‌آموزان وابسته است).

در جهان امروز، در آمریکا و بسیاری دیگر از کشورها، شاهد تأکید بی‌سابقه‌ای بر آمادگی معلمان و کیفیت کار آموزگاران هستیم. گرچه رابطه میان آمادگی معلمان با میزان موفقیت دانش‌آموزان و دیگر دستاوردهای هر مدرسه رابطه‌ای تنگاتنگ به نظر می‌رسد، ولی نباید این موضوع، یک مفهوم مجرد با مضامین مجرد تلقی شود. چرا که مجموعه‌ای از مسائل پیچیده و بحث‌انگیز را در بر می‌گیرد. مسائلی چون استخدام، ارزیابی، صلاحیت دوره‌های آموزش معلمان و راهکارها، تعلیم معلمان جدید، توسعه شغلی، شرایط کاری معلمان، ارزیابی و مؤثر بودن آن‌ها و کارهایی که به حقوق و مزایا و استخدام مربوط می‌شود.

۱. ارتباط بین آمادگی معلم و کیفیت کار معلم و اقتصاد

اتفاق نظری در حال شکل‌گیری است که بنابر آن، کیفیت و استانداردهای نظام آموزشی آمریکا، به صورتی مستقیم، به وضعیت و سلامت اقتصادی آن کشور وابسته است. این جا بحث آن است که موفقیت یا پیشرفت کشور در جامعه‌ای



بحث اصلی این است که مدارسی که تعداد زیادی دانش آموز فقیر و نیز دانش آموزان اقلیت را در خود جای داده اند، به احتمال زیاد، معلمانی کم تجربه تر دارند؛ معلمانی که معمولاً در حوزه تخصصی خودشان هم تدریس نمی کنند و یا به طور کلی صلاحیت کافی را برای تدریس ندارند. کمبود معلمان با کیفیت موجب کاهش دستاوردها و موفقیت های دانش آموزان و مدرسه می شود. تازه آن ها که خواهان اقدام در زمینه تأمین کافی معلمان با کیفیت هستند، خودشان اختلاف نظر دارند در این که مکان و زمان اولیه برای آماده سازی و آموزش معلمان چگونه و کجا باشد. برخی از اینان برنامه های آموزشی اصلاح شده دانشگاهی را برای آماده سازی معلمان قبل از ورود به مسئولیت های آموزشی و تدریس توصیه می کنند. اما منتقدان از سوی دیگر، روش های جایگزین آموزشی را پیشنهاد می کنند که شامل آماده سازی تیتروار یا کلی قبل از مسئولیت کامل تدریس است؛ همراه با تعلیم و آموزش تحت نظارت و مطالعه مداوم در طول سال اول.

با وجود این و با تمام اختلاف نظرهایی که این دو گروه با هم دارند، همه مدافعان طرح کاهش شکاف آموزشی، بر حق دسترسی به فرصت های برتر و کیفی آموزشی به عنوان یک حق مدنی برای همه دانش آموزان تأکید دارند. و این موضوع اساساً تفاوت آشکاری با این مدعای ساده دارد که همه دانش آموزان باید به استانداردها و دستاوردهای سطح بالایی دست یابند؛ اگر چه فرصت های آموزشی برابری ندارند. از جمله این پیشنهادها، مثلاً یکی به کارگیری روش های جایگزین برای تدریس است که برای اجرای آن می توان دامنه وسیع تری از معلمان را به کار گرفت. و یا به کارگیری نظام های اطلاعاتی جدیدی که سه ضلع مثلث معلم، دانش آموز و تربیت معلم را به هم مرتبط می سازند و بدین وسیله، برنامه های آماده سازی و روش ها را لازمه فراگیری دانش آموز می سازند.

پیشنهاد دیگر، دگرگونی در شیوه های استخدام و وظایف محول شده (ارائه صلاحیت) به منظور اطمینان از این است که معلمان با صلاحیت، در مدارسی که بیشترین نیاز به این معلمان را دارند، توزیع شوند. مشوق های مالی و دیگر مشوق های تأثیر گذار، مشاوره مؤثر معلمان به خصوص در مدارسی که بیشتر نیازمندند، و یکپارچه سازی روش های ارزیابی برای تمام کاندیداهای معلمی، بدون توجه به چگونگی ورود آن ها، نیز ضروری است.

۳. در نظر گرفتن خروجی و نتیجه موفقیت دانش آموزان در یادگیری و فراگیری

اکثراً دوره های تربیت معلم و شیوه های آموزشی آن ها را لازمه و عامل دخیل در فراگیری دانش آموزان معرفی می کنند؛ چه توسط ارزیاب های بیرونی و چه توسط استانداردها و اهدافی عالی که هر کدام از این دوره ها برای خود تعریف کرده اند.

راه حل های کنونی را در چهار دسته می توان دسته بندی کرد:

الف. ارزیابی (و سپس اصلاح و حتی حذف) دوره های آموزشی مختلف؛ و نیز شیوه های ورود به این دوره ها، مطابق

با رتبه بندی حاصل از میزان موفقیت دانش آموزانی که توسط فارغ التحصیلان آن دوره های تربیت معلم (آموزشی) و روش های مربوطه ورود به آن دوره ها تدریس شده اند.

ب. ارزیابی دوره های آموزشی تربیت معلم و شیوه های ورود به این دوره ها بر اساس این که آیا داوطلبان معلمی در طی دوران آموزشی خود آن روش های تدریس و روش های آموزشی را که می تواند به کسب نمرات بالایی در آزمون های سنجش موفقیت دانش آموزان بینجامد، از خود نشان می دهند یا خیر؟

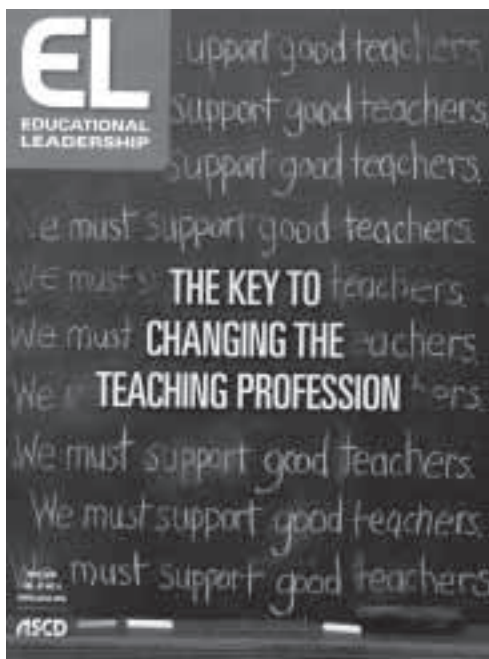
ج. ارزیابی داوطلبان معلمی، از طریق سنجش میزان فرصت های یادگیری که آن ها می توانند در هر کلاس درس ایجاد کنند. علاوه بر آن که باید معلوم شود دانش آموزان در قبال این تدریس چه عملکردی از خود نشان می دهند.

د. ارزیابی دوره های تربیت معلم و روش های ورود به آن ها به کمک سنجش، ارزیابی فرصت های فراگیری ایجاد شده در کلاس درس توسط فارغ التحصیلان این دوره ها که در سال های آغازین فعالیت تدریس خود قرار دارند، در کنار عملکرد دانش آموزان آن ها.

۴. ضرورت وجود نظام جامع اطلاعاتی در سطح استانی (ایالتی) به منظور برقراری ارتباط و تعامل بین معلم، شاگرد و فرایند آموزشی معلمان

برخی ایالت ها هم اکنون در حال توسعه سامانه های اطلاعاتی در سطح ایالتی و با گستردگی زمانی هستند تا بتوانند بین نتایج سنجش عملکرد دانش آموزان با داده های جمع آوری شده در مورد معلمان آن ها، از قبیل مؤسساتی که از آن فارغ التحصیل شده اند، ارتباط برقرار سازند.

کلیات این موضوع هم اکنون به صورت گسترده ای مورد پذیرش واقع شده است و با تأکید بر این که: اثر بخشی برنامه های آموزشی آماده سازی معلمان (دوره های تربیت معلم) و ساز و کارهای گزینش و ورود به این دوره ها، باید بر اساس خروجی ها اندازه گیری شود و ملاک های روی دانش آموزان قرار گیرد، نه این که ورودی ها مبنا و ملاک قرار گیرند؛ هم چون برنامه درسی و یا منابع درسی و مطالعاتی دانش آموز بودجه فدرال (دولتی) هم اکنون به عنوان مشوق برای ایالت هایی که این نظام ها را گسترش می دهند، در دسترس است و در



همین حال تلاش‌های دیگری هم در دست بررسی و یا اقدام است؛ از جمله در ایالت‌های هم‌چون تگزاس، فلوریدا، آهایو و چند ایالت دیگر کامل‌ترین نوع این نظام‌های ارزیابی هم اکنون نظامی است که در ایالت لویزیانا تحت عنوان «مدل ارزش افزوده ارزیابی آموزشی معلمان» وجود دارد و وزیر آموزش و پرورش مرتباً از آن به عنوان نمونه و الگو یاد می‌کند.

این نظام ارزیابی، به کمک استفاده از یک بانک جامع اطلاعاتی بزرگ، اثر بخشی برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی معلمان (دوره‌های تربیت معلم) را در سراسر ایالت لویزیانا ارزیابی می‌کند. به این ترتیب که بر پایه نمرات کسب شده دانش آموزان، معلمانی را که از فلان مؤسسه آموزشی فارغ التحصیل شده‌اند، رتبه بندی می‌کند.

این نظام ارزیابی، دوره‌های آموزشی مناسب و نمونه را شناسایی می‌کند (همان‌طور که دوره‌های نامناسب و پایین‌تر از حد آستانه را تشخیص می‌دهد) و میزان اثر بخشی فارغ‌التحصیلان را به عنوان معلم بر میزان موفقیت دانش‌آموزانشان ملاک قرار می‌دهد. در واقع، از این نظام، به منظور بهبود مستمر برنامه‌های آموزشی دوره‌های تربیت معلم استفاده می‌شود.

۵. ارزیابی عملکرد داوطلبان معلمی به صورتی گسترده‌تر و فراگیر تر

برخی ایالت‌ها به منظور بهبود کیفیت معلمان، روش سنتی ارزیابی و سنجش تستی را برای اعطای گواهی و مجوز تدریس کنار گذاشته‌اند و به جای آن به ارزیابی‌های عملکردی با سر فصل‌های استاندارد شده به منظور اعطای گواهی تدریس به معلمان استفاده می‌کنند. برای مثال، در کالیفرنیا داوطلبان معلمی علاوه بر گذراندن واحدهای درسی لازم، باید چهار مرحله ارزیابی عملکردی زیر را پشت سر بگذارند.

الف. انطباق و تحلیل برنامه تدریس بر اساس مطالعات

موردی

ب. برنامه‌ریزی و اجرای یک درس در کلاس

ج. طراحی و پیاده‌سازی یک مورد ارزیابی و سنجش در کلاس

د. نشان دادن تمام این کارها در یک تجربه (تجربه تدریس)

علاوه بر این برنامه، در ایالت کالیفرنیا، برنامه دیگری هم طرح‌ریزی شده است که داوطلبان را ملزم می‌کند تا روش‌های تدریس خود را تحلیل کنند و توسعه دهند و خلاصه‌ای تهیه کنند که ارزیابی برنامه تدریس، حالات و عکس‌العمل‌ها و مثال‌های ویدیویی تدریس در آن موجود باشد.

۶. ایجاد تعدد در مسیر و راه‌های معلم شدن

پدیده تکرر در روش‌های رسیدن به حرفه معلمی، از کمبود معلم در برخی مناطق ناشی می‌شود.

همان‌طور که هر سال در گزارش کیفیت آموزگاران وزارت آموزش و پرورش به کنگره پیشنهاد شده است، روش‌های جای‌گزین برای تربیت معلم و اعطای گواهی تدریس، در تمام ۵۰ ایالت آمریکا وجود دارد و در حال حاضر این روش‌ها در

تربیت حدود ۲۰ درصد از معلمان به کار می‌رود.

قابل توجه این است که با وجود رشد زیادی که در برنامه‌های جای‌گزین وجود داشته است، توافق و اتفاق نظر کمی در مورد تعریف این برنامه‌ها وجود دارد. علاوه بر این، اگر چه هر کدام از این برنامه‌ها از نظر اهداف استخدامی، روش‌های آماده‌سازی و حمایتی تفاوت‌هایی اساسی با یکدیگر دارند، بیشترشان به گونه‌ای، از همکاری‌های دانشگاهی (ارتباط و همیاری) بهره‌مند می‌شوند. این موضوع خود مقایسه روش‌های سنتی و برنامه‌های جای‌گزین را دشوارتر می‌سازد. به خصوص، اگر منظور از روش‌های سنتی، روش‌های آماده‌سازی دانشگاهی باشد. برای مثال، برنامه Teach for America (به خاطر آمریکا آموزش بدهید!) که معروف‌ترین دوره از برنامه‌های جای‌گزین آموزش معلمان تازه است، فارغ التحصیلان دانشگاهی را استخدام می‌کند. این افراد یک دوره آموزشی شش هفته‌ای را قبل از ورود به مدارس بیشتر نیازمند طی می‌کنند و سپس در دوران خدمت هم به مدت دو سال در طرح‌های ارتقای حرفه‌ای و شغلی شرکت می‌کنند.

از سوی دیگر، New teacher project (پروژه معلم نوین) معلمانی را که در اواسط دوره حرفه معلمی خود قرار دارند، استخدام و به طور فعال با مدارس مناطق همکاری می‌کند تا راه‌های اعطای گواهی را به طوری که مطابق استانداردهای ایالتی باشد، پایه ریزی نماید.

روش‌ها و برنامه‌های جای‌گزین دائماً محبوبیت بیشتری کسب می‌کنند و این بیشتر به خاطر رکود و اوضاع نامناسب اقتصادی است.

برنامه Teach for America در سال ۲۰۰۹، ۳۵۰۰۰ درخواست از سوی داوطلبان معلمی دریافت کرد که نسبت به سال قبل آن، ۴۲ درصد رشد داشته است و برنامه New teacher project نیز، در همین سال، حدود ۴۴ درصد رشد داشت.

ادامه دارد



رسانه‌های گروهی و انحرافات اجتماعی

زهر اادیان

رسانه‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای تحول در عرصه زندگی بشر امروز، رفته رفته نقش و جایگاهی راهبردی و پیچیده به خود گرفته و به عنوان عاملی سرنوشت ساز و تعیین کننده در زندگی انسان مطرح شده‌اند.

تحت تأثیر رسانه‌ها، فرهنگ سنتی اکثر جوامع دستخوش تغییر و تحول شده و همه مردم جهان تا حد بسیاری از آن چه فرهنگ واحد جهانی نام گرفته است، متأثر شده‌اند.

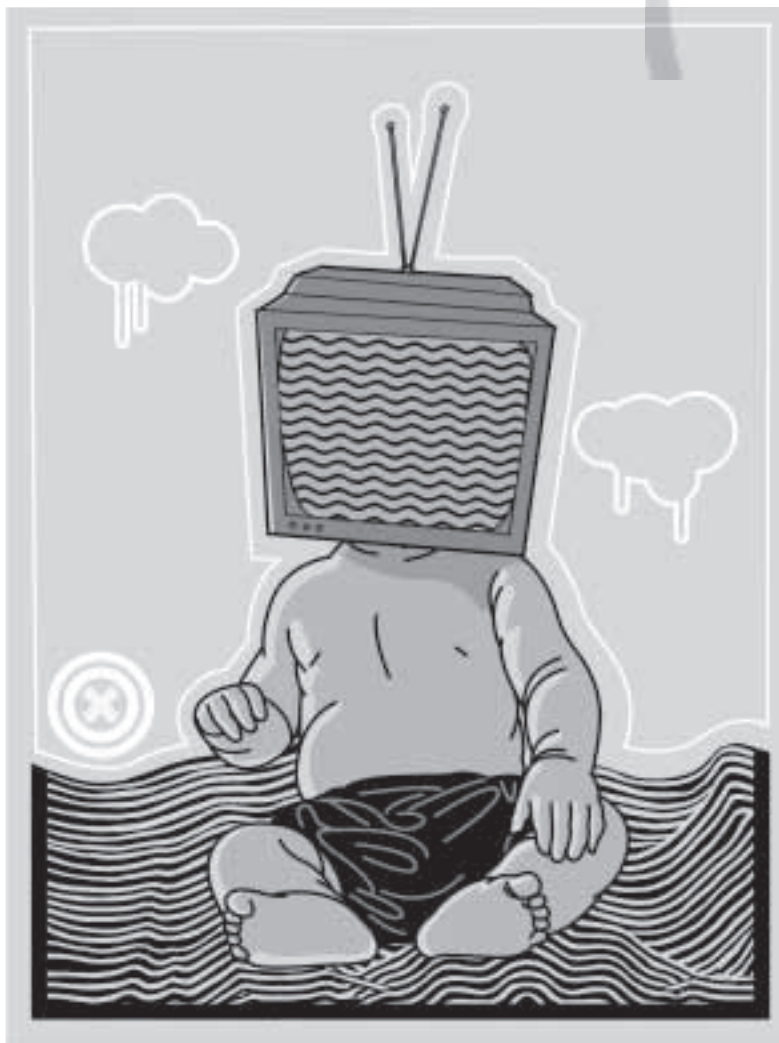
بدون تردید رسانه‌های قدرتمند و فعال در جهان، تمام سعی و تلاش خود را برای تأثیرگذاری بر فرهنگ‌های دیگر و چه بسا دیکته کردن الگوها و هنجارهای مورد نظرشان به کار گرفته‌اند.

فناوری‌های جدید نه تنها جاذبه‌ها، بلکه سلطه فرهنگی خود را نیز افزایش می‌دهند و با مظاهر و شگردهای جذاب کننده‌ای که دارند، ارزش‌ها و هنجارهای خاص را توسعه می‌دهند یا تثبیت می‌کنند. آن‌ها اهداف خود را با جنبه‌های هنری و شیوه‌های هنرمندانه دنبال می‌کنند و با تغییر ذائقه فرهنگی مخاطبان، خرده فرهنگ‌های تازه‌ای را به مردم عرضه می‌دارند. البته ارزش‌های فرهنگی هم غافل نیستند؛ مثلاً در بسیاری از فیلم‌ها، بر ارزش‌های کلاسیک چون میهن پرستی و مسائل دینی تأکید فراوان دیده می‌شود.

کودک و رسانه

یکی از آثار بارز رسانه‌های جدید، عادت دادن یا معتاد کردن مردم به آن‌هاست و این امر به خصوص در کودکان بیشتر دیده می‌شود.

کودک چنان به برنامه‌های مورد علاقه خود در این رسانه‌ها گرایش پیدا می‌کند که ضروری‌ترین امور زندگی و تعامل اجتماعی را از یاد می‌برد. چرا که هنوز ذهن او قدرت تحلیل عقاید و سنجش و سپس پذیرش یا طرد آن‌چه را که می‌بیند یا می‌شنود، کسب نکرده است. از این روست که وقتی کودکان بدون هیچ پناه و یا حفاظ در برابر وسایل ارتباط جمعی قرار می‌گیرند، سخت تأثیرپذیر و ناچار آسیب‌پذیر خواهند شد. در عین حال، مرور برخی از تحقیقات و یافته‌های پژوهشی



باید دانست که بررسی رابطه بین جرم و رسانه‌های گروهی، کاری فوق‌العاده پیچیده است

کرد که هر یک سهم و جایگاه خود را در شکل‌گیری آن جرم و انحراف دارند.

در این زمینه، یعنی در زمینه رسانه‌ها و جرم‌های اجتماعی، دو دیدگاه کلی وجود دارد که بیان آن‌ها خود نشان می‌دهد تا چه حد در این حوزه اختلاف نظر وجود دارد.

پیروان یک دیدگاه معتقدند، رسانه‌ها تنها عامل به وجود آوردن جرم در جامعه‌اند، که نقش غیرقابل انکاری در پیچیده شدن جرایم و سازمان‌دهندگی آن نیز دارند.

دیدگاه دیگر مطرح می‌کند که رسانه‌ها هیچ‌گونه اثری بر شکل‌گیری جرم ندارند و یا اثرات بسیار محدودی دارند.

اعتبار نسبی این دو دیدگاه متضاد، یعنی از یک سو محوری بودن رسانه‌ها و از سوی دیگر بی‌اهمیتی آن‌ها، به نوعی سبب آشفتگی در تحلیل صاحب‌نظران این حوزه شده است و این همان نکته‌ای است که قبلاً به آن اشاره شده که نباید در تحلیل رابطه جرم و رسانه، نگاهی مطلق و یکسویه داشت. بلکه باید پذیرفت که تحلیل این رابطه در جایی بین این دو فاصله (دو نظریه مطرح شده اخیر) قرار دارد.

پژوهش در زمینه «جرم مقلدانه»، مدارک و شواهد مختصری از اثر جرم‌زایی رسانه‌ها به دست می‌دهد.

در واقع بر اساس دیدگاه دوم، رسانه‌ها به تنهایی نمی‌توانند فرد تابع قانون را به مجرم تبدیل کنند و شایسته هم نیست علت جرم را به تنهایی متوجه رسانه‌ها کرد. شاید به همین خاطر باشد که راهبردهای انتخاب شده متکی بر این نظریه، تا کنون اثر چندانی در کنترل انحرافات اجتماعی نداشته‌اند. به عبارت دیگر، رادیو، تلویزیون، فیلم‌های سینمایی، مطبوعات و سایر ابزارهای اطلاع‌رسانی، خود وسیله‌ی موجد جرم محسوب نمی‌شوند. بلکه ابزاری هستند که می‌توانند به شکل دل‌خواه مورد بهره‌برداری قرار گیرند.



رسانه‌ها به تنهایی
نمی‌توانند فرد تابع
قانون را به مجرم
تبدیل کنند و شایسته
هم نیست علت جرم
را به تنهایی متوجه
رسانه‌ها کرد

نشان می‌دهد، تلویزیون در بسیاری موارد، تأثیر قابل ملاحظه‌ای در افزایش خشونت یا تحمیل عقاید و تغییر افکار ندارد.

شاید مشکل این قبیل پژوهش‌ها، از آن جا ناشی می‌شود که هیچ‌گاه نمی‌توان تأثیر تلویزیون را از متغیرهای دیگری مانند پایگاه اجتماعی، ساخت خانوادگی، جنس، سن، تحصیلات و ساخت روانی فرد جدا کرد و درباره‌ی آن به داوری نشست. اما آن چه مسلم است، رسانه‌ها به شیوه‌های متفاوتی با جرم و خشونت ارتباط دارند و به گسترش آن‌ها کمک می‌کنند. در این میان، فیلم‌های سینمایی به عنوان عاملی مؤثر در انحراف و بزه‌کاری جوانان، سابقه‌ی قدیم‌تری دارند. نقش فیلم‌ها در بزه‌کاری و جرم و جنایت از این امر ناشی می‌شود که صحنه‌های پر خاشاک مانند تندخویی، بی‌رحمی، آدم‌کشی و دعوا را با تمام فنون و به کارگیری آخرین و پیچیده‌ترین شگردهای سینمایی ناشی از فناوری روز در این حوزه، به نمایش می‌گذارند.

به نظر می‌رسد، در بخش قابل توجهی از فیلم‌ها و سریال‌های پخش شده از رسانه‌ی تصویری ملی ما نیز از این گونه فیلم‌ها دیده می‌شود.

تحقیقات نشان می‌دهد که تعداد زیادی از بزه‌کاران، در مقایسه با افراد عادی، به دیدن فیلم‌های سینمایی خشونت‌بار و جنایی و از این قبیل، دل‌بستگی بیشتری داشته‌اند. اما به طور کلی نتایج پژوهشگران در مورد اثرات رسانه‌های تصویری و جرم در چند محور مشترک است:

۱. کج‌روان بیشتر از سایرین داوطلب تماشا صحنه‌های خشونت‌آمیز، هم در تلویزیون و هم در سینما و در داستان‌های جنایی و خیالی هستند.

۲. گاهی سینما و تلویزیون به مثابه یک ابزار فرار از واقعیت انتخاب شده است.

۳. با وجود آن که برخی از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان به نقش روان‌درمانی، و تأثیر اجتماعی مثبت رسانه‌ها نیز توجه می‌کنند و بر این عقیده‌اند که مطبوعات، رادیو و تلویزیون و سینما با انتشار اخبار و داستان‌های جنایی و پلیسی، بسیاری از بیماران روانی را که عقده‌های سرکوب شده و تمایلات خشونت‌آمیز و ناخودآگاه دارند، درمان می‌کنند، اما نباید این واقعیت را فراموش کرد که برعکس نیز، محتوای مضامین قتل، جنایت، خشونت و رفتارهای هنجارشکن و مغایر با قانون و قوانین هر جامعه در قالب هر یک از اشکال فیلم، صوت، نوشته، گزارش، تبلیغ و... ممکن است روحیه‌ی هنجارشکنی، قانون‌گریزی، ماجراجویی و خشونت و... را در بینندگان تحریک کند و آن‌ها را به سوی عوامل ضد اجتماعی و مخرب و هنجارشکن سوق دهد.

این موضوع به خصوص در مورد نوجوانان و جوانان از اهمیتی دوچندان برخوردار است. از طرف دیگر باید دانست که بررسی رابطه بین جرم و رسانه‌های گروهی، کاری فوق‌العاده پیچیده است. زیرا جرم و بزه اصولاً با پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی تاریخی گسترده‌ای مرتبط است و حتی در آن‌ها محاط می‌شود. در حالی که رسانه‌ها تنها جزئی از نظام اطلاعاتی گسترده‌ای هستند که انسان امروز را در شناخت اجتماعی در باره‌ی جهان کمک می‌کنند.

البته این بدان معنا نخواهد بود که نقشی برای رسانه‌ها در شکل‌گیری انحرافات اجتماعی قائل نباشیم، و یا نقش و تأثیر آن را کم بدانیم، بلکه قصد تأکید بر این نکته است که باید ریشه جرم و انحراف را در بستری از متغیرهای متعددی جست‌وجو

آموزش فعال بر بستر ویژگی‌های معلم و دانش آموز

منیر زارعزاده *

آموزش و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان، یکی از وظایف اصلی و مهم دستگاه تعلیم و تربیت هر جامعه است. هر کجا سخن از آموزش و پرورش به میان می‌آید، اکثر افراد خاطرات تلخ و شیرین خود و نکات مثبت و منفی آن را بیان می‌کنند. در میان همه این گفته‌ها و شنیده‌ها، آن چه روی آن تأکید می‌شود، این است که چه یاد گرفتیم؟ چگونه یاد گرفتیم؟ و چه کسی در این راه ما را یاری کرد؟ در همین راستا، همه روی نقش «معلم» و «محتوا» در امر یاددهی - یادگیری تأکید فراوان دارند.

در باره نقش معلم، آن چه مهم است پاسخ به این سؤال هاست که ما معلم را چگونه برای حضور در کلاس درس آماده کرده‌ایم؟ چه ابزاری در اختیارش قرار داده‌ایم؟ و چه انتظاراتی از او داریم؟ خروجی کار او را چگونه برایش ترسیم کرده و چه تعریفی از دانش آموز به او داده‌ایم؟ در این مقاله، دو رکن اساسی آموزش: ۱. چگونگی متناسب سازی محتوا با ویژگی‌های دوره نوجوانی، و ۲. ویژگی‌های معلم و محتوا، بررسی شده و در پایان نیز روش تدریس فعال مورد اشاره قرار گرفته است. نخست ویژگی‌های دوره نوجوانی و برنامه درسی مناسب این دوره را بررسی قرار می‌کنیم.

۱. تمایل به استقلال

نوجوانی دوره‌ای است که در آن نوجوان میل به استقلال دارد و به دنبال کسب استقلال اجتماعی - اقتصادی و تمایزات اخلاقی خود با دیگران است. این دوره، دوره مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و نظرخواهی‌هاست. لذا باید به نوجوان میدان داد که هم خودش نظر بدهد و هم نظر دیگران را بخواهد. چون این امر، موجب رشد و احساس

شخصیت در او می‌شود.

از جهت اجتماعی، در این دوره نوجوان خواهان استقلال و احراز هویت خویش است. علاقه دارد در مجالس، محافل و ... شخصیت خود را بروز دهد. از جهت اقتصادی نیز، نوجوانان کسب استقلال اقتصادی و در پی شناسایی شغل و بررسی آن از بُعد درآمد، متناسب با توانایی‌های خویش است. از لحاظ اخلاقی می‌خواهد بهترین و اخلاق‌مندترین افراد بین هم‌سالان خود باشد. از لحاظ خانوادگی گاه کودک است و خواهان توجه شدید از طرف اعضای خانواده و گاه بزرگسال به خود است و می‌خواهد در امور شرکت کند و حتی زندگی را بچرخاند. در این دوره، میل به از خود گذشتگی، ابراز قدرت و شجاعت و ریسک‌پذیری، بیش از سایر دوره‌ها در او وجود دارد. به لحاظ عاطفی نیز مایل به ابراز احساسات شدید نسبت به دیگران است و در مقابل علاقه دارد دیگران نیز به احساسات او پاسخ دهند. و بالاخره، یکی دیگر از خصوصیات دوره نوجوانی این است که نوجوان می‌خواهد نسبت به آن چه تاکنون بوده، تغییر شیوه دهد و برخلاف سابق، آن چه را که بزرگسالان می‌گویند، نپذیرد. نتیجه این که نوجوان را باید تشویق و به سوی کارهای مورد علاقه‌اش هدایت کرد تا بتواند به این نیاز خود پاسخ دهد و به برخی از اهداف و ایده‌های خود برسد. در این صورت، نوجوان علاوه بر کسب مهارت، به «عزت نفس» نیز دست می‌یابد.

۲. هویت‌یابی

از دیگر ویژگی‌های دوره نوجوانی، سؤال فرد در خصوص هویت خویش است: من کیستم؟ کیستی فرد از چند جهت مورد توجه روان‌شناسان است. اول این که آیا بزرگسال است یا کودک؟ و چه تصمیماتی را می‌تواند خود مستقل بگیرد. دوم این که او چه ویژگی‌هایی دارد که می‌خواهد به هویت خود پی ببرد و به نوعی خودشناسی برسد. آیا محدودیت‌ها و توانایی‌های خود را می‌شناسد؟

باید گفت، شناخت ویژگی‌های نوجوان از آن جهت برای او اهمیت دارد که او در آستانه بزرگسالی و گرفتن تصمیمات بزرگ قرار دارد. لذا باید شیوه‌های درست تصمیم‌گیری را به او آموخت. از آن جمله است انتخاب راه آموزش علم و دانایی، انتخاب راه دست‌یابی معقول به درآمد و یا تحصیل در آموزش عالی. به طور کلی نوجوان در این دوره پویا و در حال حرکت و نیازمند کمک و هدایت است.

۳. ابراز وجود

از دیگر ویژگی‌های نوجوان ابراز وجود است و این یکی از تمایلات درونی این دوره از زندگی هر کسی است. نوجوان می‌خواهد همیشه مورد تشویق و تقدیر قرار گیرد و توانایی‌های خود را نشان دهد. لذا باید برنامه‌هایی ترتیب داده شود که زمینه‌های بروز و ارضای درست و منطقی این تمایلات در او ایجاد شود. هم چنین لازم است در برنامه‌های درسی، مواردی مانند کشف راه‌های نو برای

انجام کارها، چگونگی انجام بموقع و درست مسئولیت‌ها، مساعدت با گروه‌های کار کلاس، انجام کارهای عام المنفعه و... مد نظر قرار گیرد.

۴. قدرت نمایی

از دیگر ویژگی‌های نوجوانی ابراز قدرت است. در این دوره نوجوان احساس قدرت زیاد می‌کند و این به دلیل خروج وی از دوره ضعف و ناتوانی کودکی است. لذا هدایت قدرت نوجوان، البته اگر دانش‌آموز باشد، از طریق درس‌هایی مانند تربیت بدنی و حرفه و فن امکان‌پذیر است. از طریق این برنامه‌های درسی است که می‌توان به نوجوان کمک کرد تا از قدرت و توان خود برای رشد جسمی و فکری و کسب مهارت استفاده کند.

۵. معلم‌پذیری

هر نوجوان حدود هفت سال از زندگی خود را در مدرسه می‌گذراند و در این مدت با معلمان متعدد، مدیر، معاونان و... برخورد و سروکار دارد که هر یک از این‌ها اثرات خاص خود را بر روحیات و شخصیت او می‌گذارند. در این میان «معلم» از همه بیشتر تأثیر گذار است. تقریباً می‌توان گفت، اغلب کودکان و نوجوانان نخستین الگوهای زندگی خود را از میان معلمانشان انتخاب می‌کنند و مخصوصاً آرزو دارند شبیه معلمی باشند که شخصیت او را بیشتر می‌پسندند. لذا معلمان و اولیای مدرسه باید مسئولیت این بار سنگین را درک کنند و بدانند که این حق کودک و نوجوان است که معلم او رفتاری مطابق با فطرت الهی و انسانی از خود نشان دهد تا در آینده دانش‌آموز مفید واقع شود.

برای مثال، حجاب خانم معلم، چه در مدرسه و چه خارج از آن، باید مطابق با الگوی دین باشد. رفتار، برخورد و نحوه برقراری ارتباط با دانش‌آموزان و همکاران، مانند تقدم در سلام و احترام و... مطابق عرف جامعه باشد. آن چه را عقل می‌پذیرد، بگوید و به آن عمل کند. در مورد شناخت کودکان و نوجوانان، معلم باید به علم روز مجهز شود. مثلاً سختی‌ها و شیرینی‌های دوره بلوغ را بداند، با ویژگی‌های آن آشنا شود و در باره این که فرد تا چه اندازه با زمان بلوغ خود فاصله دارد و چرا و چگونه باید نوجوان را از این تغییرات آگاه کرد، مطالعه کند.

این امری مسلم است که بین «تعلیم و تربیت» و «اخلاق» رابطه تنگاتنگی وجود دارد. تعلیم و تربیت شیوه‌هایی برای رشد و اصلاح همه جنبه‌های وجود انسان اعم از عاطفی، اجتماعی، ذهنی - عقلانی، دینی و اخلاقی ارائه می‌کند و راه‌های درونی سازی آن‌ها را نیز نشان می‌دهد. در واقع، از یک سو تعلیم و تربیت ارزش‌های اخلاقی و صفات نیک و بد، فضیلت و رذیلت را از اخلاق می‌گیرد و از سوی دیگر، اخلاق شیوه‌های تعلیم فضائل، اصلاح رفتار و کسب رفتارهای جدید را به عهده تعلیم و تربیت گذاشته است. تربیت اخلاقی به عهده معلمان است و این وقتی میسر می‌شود که معلم خود اسوه اخلاقی بچه‌ها باشد. همان طور که پیامبر اسلام (ص) معلم بشریت، اسوه اخلاقی مسلمانان است: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه».



**تعلیم و تربیت
شیوه‌هایی برای
رشد و اصلاح همه
جنبه‌های وجود
انسان اعم از عاطفی،
اجتماعی، ذهنی -
عقلانی، دینی و
اخلاقی ارائه می‌کند**

نظام‌هایی که به پایداری تربیت می‌انديشند و برنامه‌های خود را بر این اساس بنیان می‌گذارند، معلم را به عنوان مرجع و الگوی یادگیرندگان مورد توجه قرار می‌دهند. بررسی‌های علمی نیز بر این نکته تأکید دارند که اکثر دانش‌آموزان در هفت سال دوم زندگی خود دوست دارند معلمان خود را الگو و سرمشق قرار دهند. لذا معلمان نه تنها باید به لحاظ اخلاقی و رشد اجتماعی الگوی خوبی برای دانش‌آموزان باشند، بلکه به عنوان کارشناس تربیتی هم باید بتوانند برخی از مشکلات تربیتی نوجوان را برطرف کنند. برای مثال، یکی از مشکلات شخصیتی دانش‌آموزان نداشتن عزت نفس است که دلایل و علل متعددی دارد. برای رفع این مشکل باید، از طریق برنامه‌های درسی و تولید محتوا، اصل از ساده به مشکل را جدی گرفت. به این ترتیب که برای کلیه دانش‌آموزان، فرصت‌های انجام موفقیت آمیز پروژه‌ها، فعالیت‌ها، آزمون‌ها و... را به وجود آورد و تلاش نمود که دانش‌آموزان نه تنها در ارزش‌یابی موفق شوند، بلکه احساس کنند که این موفقیت، حاصل تلاش خودشان است و معلم تنها نقش راهنما را دارد.



معلم یکی از
مؤلفه‌های اصلی
و کلیدی برنامه
درسی است.
معلم باید با
دانش، اصول و
تئوری‌های تعلیم
و تربیت آشنایی
کامل داشته و
آمادگی انجام
فعالیت‌های مرتبط
با تدریس را دارا
باشد



طاهر خوشنويس
(۱۳۵۵-۱۳۶۷)
معلم و استاد خط، تبریز

شادروان استاد طاهر خوشنويس، چهره‌ای نام‌دار در میان خوش‌نويسان معاصر است. وی معلم مدارس تبریز بود. در منطقه قراچه‌داغ به دنیا آمد. در سه سالگی با خانواده‌اش به تبریز آمد و به مکتب رفت. علاقه به خوش‌نويسی در او ذاتی بود و از همان خردسالی به آن علاقه نشان داد. ۱۵ سال بیشتر نداشت که خوش‌نويسی قرآن را آغاز کرد و ۴ سال بعد آن را به اتمام رساند. در هفده سالگی در مدارس رشدیه و فیوضات کار معلمی را آغاز کرد و ۳۵ سال به طور رسمی در آموزش و پرورش خدمت کرد. در مجموع ۲۰۰ نسخه از کتاب‌های مقدس را خوش‌نويسی کرد که از آن جمله‌اند: ۲۵ بار قرآن، چهار بار نهج البلاغه و ۶ بار مفاتیح الجنان.

محیط یادگیری خاصی کار برد و کارایی دارد؛ از جمله روش سخن‌رانی که بیشتر اوقات از آن به عنوان یک روش غیر فعال یاد می‌شود و معمولاً برای جمعیت‌های زیاد یا رساندن مطالبی استفاده می‌شود که بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی داشته باشد؛ مانند ارائه نتایج بررسی‌ها، تحلیل‌ها، آمارها، گزارش‌ها و... همان‌طور که می‌دانیم، در این‌گونه جلسات، معمولاً گروه‌های سنی بالغ شرکت دارند. لذا نسبت به کودک و نوجوان درک بهتر و بیشتری از این‌گونه مطالب دارند. کتاب درسی نه گزارش است و نه آمار و...، بلکه کتابی است مملو از دانش، مهارت و نگرش‌های مورد نیاز حال و آینده دانش‌آموز. بنابر این، روش‌هایی در کلاس درس کار برد دارد که قادر باشند دانش‌آموزان را به اهداف محتوای هر کتاب درسی در حوزه‌های یادگیری مربوطه (دانشی، مهارتی و نگرشی) برسانند. استاد شهید مرتضی مطهری می‌گوید: «مغز فراگیرندگان را نباید به صورت انبار تلقی کرد، بلکه هدف پرورش فکر است.» یکی از راه‌های پرورش فکر استفاده از روش ساخت و ساز گرایی است:

مفهوم ساخت و ساز گرایی، ریشه در دوران یونان باستان دارد و به گفت‌گوهای سقراط با پیروانش باز می‌گردد. گفته‌هایی که در آن‌ها، او پرسش‌های هدایت شده‌ای را مطرح می‌ساخت تا دانش‌آموزانش، خودشان به درک شخصی ضعف‌های تفکراتشان هدایت شوند. همین‌طور نباید فراموش کرد که اکثر آموزش‌های مربیان به شاگردانشان، آموزش‌های عملی، آزمایشی و مشاهده در حین عمل بوده و انتقال گفتاری مطالب، دارای حداقل اهمیت است. بنابراین، به جای آن که نوع تدریس را به شخصیت و ذات معلم مرتبط سازیم، منطقی‌تر این است

معلم کیست: معلم یکی از مؤلفه‌های اصلی و کلیدی برنامه درسی است. معلم باید با دانش، اصول و تئوری‌های تعلیم و تربیت آشنایی کامل داشته و آمادگی انجام فعالیت‌های مرتبط با تدریس را دارا باشد. یادگیری فرایندی تعاملی یا دو طرفه است، یعنی بخشی از کوشش توسط معلم و بخش دیگر توسط یادگیرنده در رابطه با یادگیری انجام می‌شود و بسته به نوع و روش تدریس، هر یک از این دو ممکن است فعالیت بیشتری انجام دهد. به طور کلی، فعالیت‌های هدایت و رهبری که در تدریس سهم بیشتری دارد، از وظایف اصلی معلم است. البته بخش عمده‌ای از فعالیت‌های تدریس و یادگیری، شامل تلاش‌هایی می‌شود که توسط خود دانش‌آموز در کلاس درس، کارگاه، آزمایشگاه، به صورت فردی و یا گروهی، و در گروه‌های کوچک یا بزرگ اتفاق می‌افتد.

البته سهم دانش‌آموزان در فعالیت‌های هدایت و رهبری نیز قابل ملاحظه است، چرا که آن‌ها نیز، هراز گاهی، در گروه‌های کاری و ... معمولاً این وظیفه را به عهده می‌گیرند و از وظایف دانش‌آموز در روش‌های گروهی و مشارکتی، انتخاب مدیر، رهبر، راهنما و یا دبیر کار گروه است و کارهای گروهی می‌باید زیر نظر آن‌ها انجام شود. در این نوع روش‌های تدریس، معلم به عنوان مدیر کلاس، نقش نظارتی درسی به عهده دارد تا گروه‌ها و افراد فعالیت‌های یادگیری را به خوبی انجام دهند.

روش تدریس فعال

باید دانست هر نوع روش تدریس، برای جمعیت و



که بررسی کنیم و ببینیم آموزش و پرورش کشور در باب تربیت و آماده سازی معلم برای تدریس، چه کرده و در چه بخش‌هایی قصور کرده است. باید روش‌ها، تئوری‌ها، دانش‌ها و آن چه را که معلم را به آن مجهز ساخته‌ایم و آن چه را که در باب تدریس در اختیار او قرار می‌دهیم، بررسی و از نو بازسازی و اصلاح کنیم. لذا به جای این که توانایی معلمی را مقوله‌ای ذاتی یا نیمه ذاتی در معلم بدانیم، باید بیشتر روی روش‌های آماده سازی معلم تمرکز کنیم و همه ابعاد و جنبه‌های آماده سازی را تجزیه و تحلیل کنیم و از نو بسازیم. در نهایت می‌توان گفت، ما باید در آماده سازی معلم، در آموزش و هم چنین در تدریس، به «رویکرد فعال» بیندیشیم. در رویکرد فعال، دانش آموز در مرکز فعالیت قرار دارد و معلم راهنما، ناظر و هدایتگر است. بلادوین و ویلیام در کتاب، «یادگیری فعال»، معیارهای متمایز کننده رویکردهای فعال را به شرح زیر بر می‌شمرند:

۱. دانش آموزان باید به طور فعال در فرایند یادگیری درگیر شوند (مثلاً در پروژه‌های عملی حرفه و فن، آزمایش‌های درس علوم و...)؛

۲. فرایند یادگیری از علاقه‌ها، خواسته‌ها و ادراکات یادگیرندگان آغاز شود. (فعالیت‌ها برانگیزاننده و انتخابی باشد و تعجب دانش آموز را برانگیزد؛ مانند آزمایش‌های بخش الکترونیک و یا نتایج آزمایش‌های درس علوم و یا کاوش در وقایع تاریخی جذاب).

۳. محیط یادگیری به نحوی سازمان یابد که در آن یادگیری، به صورت «فراگیر محور» جریان داشته باشد. برای مثال، فعالیت‌های دانش آموزان و هم چنین فعالیت معلم (نظارت، راهنمایی، ارزشیابی، هدایت و...) از قبل تعریف، مشخص و تدوین شده باشد.

۴. تجارب یادگیری به نحوی سازمان یابد که یادگیرنده را در روشن سازی و بیان نیازهایش کمک کند. (مانند این که دانش آموزی مثلاً مکانیک خودرو، علوم آزمایشگاهی و یا بعضی از انواع هنر و... رادر کلاس‌های خصوصی و یا از پدر و مادرش آموخته باشد. در این جا نیاز جدیدی وجود دارد

که باید بروز پیدا کند و به آن پاسخ داده شود).

۵. باید هر دانش آموز بتواند براساس تجربه‌ها و اطلاعات خود در یادگیری نقشی را ایفا کند (مواردی که در ردیف چهار آورده شد. از این گونه دانش آموزان به عنوان دستیار و سر گروه در جریان یاددهی و یادگیری استفاده شود).

۶. جریان آموزش به شکل دو طرفه «یاددهی-یادگیری» طراحی شود و معلم و دانش آموز هر دو از یکدیگر معلومات و مهارت کسب کنند؛ مانند آموزش هنرهای بومی و محلی، غذاها، فرهنگ‌های برخاسته از دین، شیوه‌های آموزشی محلی مانند هم خوانی هنگام بافت فرش و...

۷. استقلال یادگیرنده، مهم ترین رکن در جریان یادگیری است؛ مانند انتخاب موضوع تحقیق، نوع فعالیت، گروه کاری، و شیوه ارائه و روش کار.

۸. ارزشیابی از خود مفیدترین و متداول ترین ابزار برای بررسی میزان پیشرفت یادگیرنده باشد (برای هر مفهوم، واحد یا بخش که تدریس می‌شود، موقعیتی برای ارزیابی دانش و یا گروه از خود ایجاد کنیم).

۹. مسئولیت کنترل یادگیری باید بین یادگیرنده و عوامل خارجی (معلم، کتاب درسی و...) تقسیم شود. (محدوده یادگیری باید از قبل مشخص و نوع ارائه معلوم باشد. این موضوع برای ارزشیابی از آموخته ها نیز ضروری است. برای مثال، شعری که باید حفظ شود، در چه مدت زمان، برای چه جلسه‌ای، توسط چه کسانی و چگونه ارائه شود و درس به چه کسی یا کسانی ارائه گردد).

۱۰. نقش آموزش دهنده (معلم) یا هر عامل خارجی دیگر، فقط تسهیل کننده و توانمند کننده در یادگیری باشد (فیلم، انیمیشن، اسلاید، تصویر و حتی گردش علمی، تسهیل کننده های یادگیری باشند).

۱۱. فرایند یادگیری پویا باشد و به فرایند رشد و تکامل یادگیرنده تبدیل شود. (در هر جلسه‌ای، با استفاده از تجربه‌های معلم و یادگیرنده، جریانی پویا تدارک دیده شود. موارد تکراری حذف و نکات جذاب و جدید جایگزین شوند. دانش آموز با توجه به محتوا، نقش فعال و متفاوتی را ایفا کند).

* کارشناس ارشد برنامه درسی و کارشناس مسئول گروه حرفه و فن، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی



حسن هریسی
(۱۳۸۲-۱۲۸۲)
معلم هنرمند، خوش‌نویس،
تبریز

در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مدرسه ظالمیه تبریز گذراند. سپس به خوشنویسی روی آورد، نزد استادان بزرگ خط به آموزش خط مشغول شد و در این هنر به جایی رسید که رئیس وقت فرهنگ آذربایجان، او را به تدریس خوشنویسی در مدارس طراز اول زمان خود بود و آثار بسیاری را خوشنویسی کرد؛ از جمله: قرآن، نهج البلاغه، غررالحکم، صحیفه سجاده، کتاب‌های درسی و گلستان سعدی. در عین حال، وقتی از او خواستند کتاب «انقلاب سفید» را خوشنویسی کند، بهانه آورد و نپذیرفت.





آثار شما رسید!



مصطفیٰ رعنایی
(۱۳۵۹)
مدیر فعال، مؤسس، کردستان

دارای فوق لیسانس برنامه ریزی درسی است و مدرسه پژوهشی و تحقیقاتی دینا را در شهر سنقر تأسیس کرده است. هم چنین با عنوان مدیر، در مدرسه های پیش دانشگاهی ابن سینا و متوسطه نظری شهید مطهری شهر صاحب خدمت کرده است که دانش آموزان آن رتبه های برتر کنکور را کسب کرده اند

در این دوره از مجله، آثار و نوشته های بسیاری به دفتر مجله رسید. از این آثار و نوشته ها، تعدادی در مجله چاپ شد. تعدادی مناسب رشد معلم نبود که آن ها را در اختیار سایر مجلات رشد قرار دادیم و تعدادی هم به طور کلی مناسب تشخیص داده نشد. معدودی آثار نیز قابل چاپ تشخیص داده شده ولی چاپ نشده اند که ان شاء الله در دوره بعد چاپ خواهند شد.

در این جا ضمن آوردن اسامی کسانی که برای مجله اثری ارسال کرده اند، از همه آن ها تشکر می کنیم و امیدواریم در دوره بعد بتوانیم آثار بهتری از آنان دریافت کنیم. چون اسامی بر حسب تاریخ دریافت اثر درج می شود، بنابراین تکرار یک اسم به معنای دریافت بیش از یک اثر از یک نویسنده است:

سید محمد موسوی، فیروز آزادی، حسین صفری نژاد، آمنه دهنوی، مژگان کلهری، فاطمه ابراهیمی بادی، رقیه کتالقی، معصومه خیر آبادی، حمزه بویری چراغ زاده، سیف علی باقری، فرامرز فرهادی، زهرا تدین، پروین اندیش، نسرين رضایی، محمد ابراهیمی، مینا پاکپور رودسری، محمد جواد لیاقت دار، سید ابراهیم میر شاه جعفری، جلیل زینلی، محمد مهریزی، سید رضا تولایی زاده، فرهاد گل پور لاسکی، بهرام مرادی، عباس رحمانی، حسن آذرپور، صغری مصائبی، علی نظیفی، رقیه مشهوری راد، مهناز همایونی، صدیقه سید صالحی، طاهره حسینی قمی، عزت اعتمادی، مهین صالحی مهرا، مژگان کلهری، سکینه ربیعی، شهناز هاشمی، فرحناز فیله کش، وحید خالصی، زهرا صادقی آرائی، زهرا هادیان، فریده صمدی، فیروز داودی، ژانت نوراللهی، زهرا صادقی آرائی، رجب رجبان خشک رودی، مهدی ربیعی، اعظم رادمهر، محمد دشتی، سهیلا بهمنی، ثریا سعیدی، محمدرضا شاه آبادی، غلامحسین شجاعی، فاطمه ابراهیمی بادی، عباس مسکنی، اسدالله تعالی، مرتضی واعظی، مهرو اشجع مهدوی، یوسف رسولی، ایوب مقصودی، شعبانعلی بسطامی خلرودی، سیدرضا کاظم پور، طاهره حسینی قمی، حسین نوری، مهین بقولی زاده، سید محمد مهدی ابطحی، حسن بلورچی، سعیده اصلاحي، اصغر قاسمی، عبدالرضا جلیلیان، حسین پیریایی، سکینه دادخواه، صدیقه راهدان، منیژه نیکدل، حبیب الله دانایی، شاهرخ مکنون حسینی، اعظم قدس، سعید عبداللهی، فریبا تعطیلی، نرگس خسرویان، زهره اولیایی، محمدرضا شاه آبادی، ناصر عمادی زیارتی، الهه تفضلی، مصطفی عباسی، نسترن طاهرزاده، مهدی ربیعی، علیرضا علی پور توتکله، فرامرز فرهادی، محمدباقر پیری، حمیده بهادر، حسین پیریایی، سیدرضا کاظم پور، زهره اولیایی، محمدرضا شهبازی، فاطمه ظهیری، محمد قنبری طلب، علی عابدی، علی اکبری، زهرا مروتی اردکانی، علی عابدی، پری سمنانی، زهرا مروتی، لیلا حسین میرزایی، احمد رشیدی، فاطمه فیضی خواه، فرحناز فیله کش، کاوه تیموری، صدیقه جلالی، عصمت یگانه دوست، محترم بیگم طباطبایی، ژانت نوراللهی، علی قنبری، سید حسین رضوی، مریم سلیمی، حسن کبیری، مهدی امیر احمدی آهنگ، فرهاد گل پور لاسکی، لیلا محمدی، رویا معبودیان، محمد قنبری طلب، اکبر احمدیان باغبادرانی، سید صدرالدین مؤذنی، حمیدرضا صارمی منش، منیره یداللهی، رقیه کتالقی، نسیم مفیدی، تکتم امانزاده، صدیقه جلالی، هادی انصاری، ژانت نوراللهی، علی قنبری، مسعود جوانمردی، رخشنده اکبرپور، ملیحه کوثری مقدم، دیاکوم، مهدی امیراحمدی آهنگ، حسین خنیفر، فرهاد شوره کندي، مصطفی امامی، امرالله امینی سمیرمی، نورمحمد سیاه پور، سارا روانخواه، علی نقی فتاحی، علی مهر پویا، نرگس کرمانی، سید ابراهیم حسینی و مژگان کلهری.

ارزیابی کنید

معلمان ارجمند و خوانندگان گرامی

در آستانه پایان دوره‌ای دیگر از مجله رشد معلم قرار داریم. با سپاس و تشکر از همه کسانی که سال گذشته در نظرخواهی شرکت کردند و به پرسش‌نامه پاسخ دادند، در این شماره نیز بار دیگر پرسش‌نامه‌ای را برای کسب اطلاع از نظرات و دیدگاه‌های شما راجع به محتوای مجله سال جاری آورده‌ایم. خواهشمند است آن را کامل کنید و به نشانی مجله از طریق صندوق پستی ۶۵۸۶-۱۵۸۷۵، دورنگار ۱۴۷۸-۸۸۳۰-۲۱ و یا نشانی الکترونیک moallem@Roshdmag.ir ارسال فرمایید. به ارسال‌کنندگان، هم‌چون سال قبل، یک جلد کتاب اهدا خواهد شد.

ردیف:	سؤال: ارزیابی شما از مطالب و محتوای مجله چیست؟	ضعیف	متوسط	خوب	عالی
۱	عکس یا تصویر چهره‌های فرهنگی-آموزشی معاصر روی جلد				
۲	معرفی هنرمندان خوش‌نویس (صفحه ۲ جلد)				
۳	سرمقاله‌ها				
۴	یاد ایام				
۵	گفت‌وگوها (با افراد صاحب‌نظر)				
۶	گفت‌وگوها (با مدیران کل استان‌ها)				
۷	این‌گونه باشیم (شرح سوره حجرات)				
۸	فرهنگ، ادب و آموزش (شعر)				
۹	مقالات و نوشته‌های علمی، آموزشی و تاریخی				
۱۰	مقالات همکاران				
۱۱	معلمان بزرگ ایران				
۱۲	ویلاگ معلمان				
۱۳	معرفی کتاب				
۱۴	خاطرات و تجربه‌ها				
۱۵	جدول کلمات متقاطع				
۱۶	ویژه‌نامه شماره ۲۵۰ (مهرماه)				
۱۷	ویژه‌نامه آموزش ضمن خدمت (شماره ۴-دی‌ماه)				
۱۸	معرفی ده معلم در حاشیه صفحات				
۱۹	نظرات دیگر:				



محمد هادی بازاریار
(۱۳۳۳-۶۵)
معلم شهید. قزوین

در شهر تاکستان متولد شد و در همین شهر تحصیل کرد. همواره از دانش‌آموزان ممتاز بود. پس از دریافت دیپلم و انجام خدمت سربازی معلم شد و هم‌زمان در آموزشکده فنی زنجان در رشته برق و الکترونیک پذیرفته شد و ادامه تحصیل داد. بعداً به تاکستان منتقل شد و در زادگاه خود در مدرسه و اداره مشغول بود تا جنگ تحمیلی آغاز شد. بازاریار بارها به جبهه رفت و سرانجام اوایل اسفند ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید.

نام و نام خانوادگی: ☐ شغل: آموزگار ☐ دبیر راهنماییدبیر متوسطه ☐ مدیر ☐ معاون ☐ کارشناس ☐ غیره ☐

نشانی دقیق پستی و شماره تلفن:

وبلاگ معلمان

استفاده از مطالب اختصاصی وبلاگ با ذکر منبع بلامانع است. مطالبی که در صفحه نخست مشاهده می کنید، مطالبی است که روزانه به وبلاگ اضافه می گردد. برای دیدن مطالب مورد نظر، به آرشیو موضوعی مراجعه بفرمایید. مراجعه کنندگان عزیز این وبلاگ، در صورت تمایل می توانند مقالات و نوشته های خود را ارسال [نمایند] تا با نام خودشان ثبت شود. در ضمن باید از همکار فرهنگی این وبلاگ، خانم وحیده وحدتی کمال تشکر را داشته باشیم.»

از این وبلاگ سه مطلب برای شما انتخاب کرده ایم: ۱. معلم فداکار ۲. زیباسازی مدرسه ۳. طرح تغییر نظام آموزشی کشور. مطلب سوم را به طور مستقل در صفحات قبل خواندید.

۲. آقای سیدبهاء حسینیان، آموزگار فوق دیپلم از شهر دیوان دره کردستان، وبلاگ خود را saydbaha.blogfa.com از طریق ما به خوانندگان معرفی کرده است. شما را به خواندن مطلبی از ایشان نیز دعوت می کنیم با عنوان «روش های نو؟!»

۳. آقای حسین اعتصامی، h oseini.etesami@gmail.com هنرآموز هنرستان شهید چمران شهرستان بهشهر وبلاگ خود را که در زمینه آموزش نقشه برداری است، به نشانی www.surveyat.blogfa.com معرفی کرده است. با تشکر از ایشان، امیدواریم که مجله رشد آموزش فنی و حرفه ای، معرفی این وبلاگ و وبلاگ های دیگر را در برنامه های خود قرار دهد.

در میان معلمان، خوشبختانه وبلاگ سازی و وبلاگ نویسی رواج خوبی یافته است و روشن است که این وبلاگ ها، حتی آن ها که برای سرگرمی ساخته شده اند، رنگ و بوی آموزش و تعلیم و تربیت را دارند. در این شماره سه وبلاگ را به شما معرفی می کنیم:

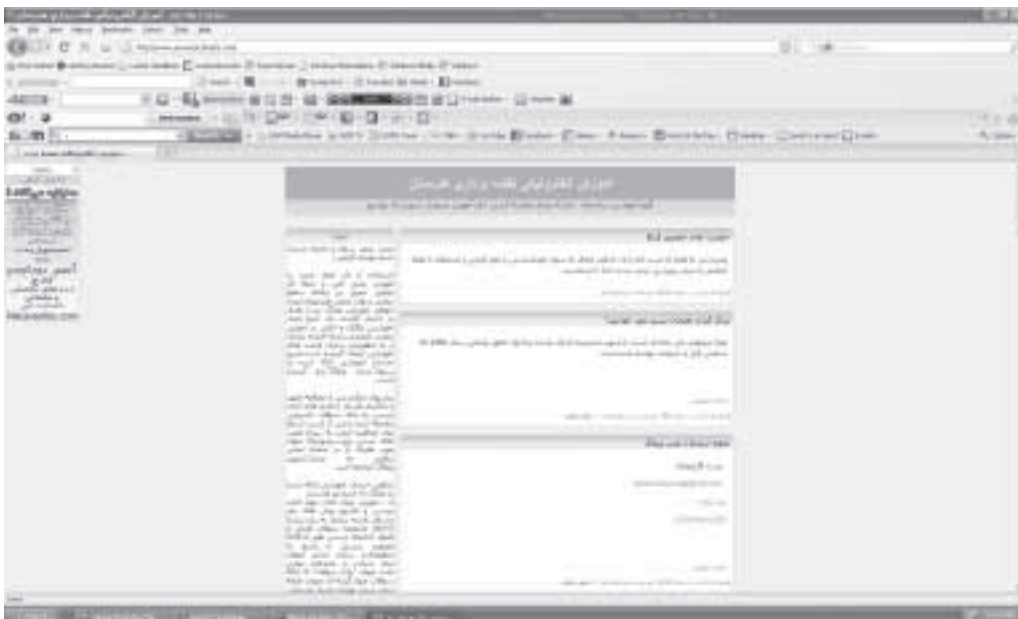
۱. در وبگردی یا جست و جوی وبلاگ های معلمان، برای شماره هفت مجله، به وبلاگی برخوردیم که بیش از سایر وبلاگ ها جلب نظر کرد. لذا آن را برای این شماره انتخاب کردیم. نام وبلاگ «بانک مقالات و تحقیقات آموزشی-فرهنگی» است (ای کاش نام کوتاه تری داشت) نشانی وبلاگ: mh1342.blogfa.com. یکی از همکارانمان در مشهد آن را راه اندازی کرده است: محمود حسینی (۱۳۴۲)، مشهد، Mh1342@gmail.com، دارای کارشناسی دبیری زبان و ادبیات عرب، بازنشته آموزش و پرورش.

آقای حسینی هدف خود از راه اندازی وبلاگ در صفحه اول آورده است: «امن یک معلم هستم. در سال ۸۸ بازنشته شده ام. دوست دارم تجربه خود را در مورد مسائل آموزش و پرورش به دیگران منتقل و از تجربه دیگران استفاده کنم. امیدوارم شما بازدیدکننده محترم، مرا از راهنمایی های خود محروم ننمایید. قابل ذکر است کلیه مطالب ارائه شده در این وبلاگ، الزاماً مورد تأیید نمی باشد و مسئولیت آن به عهده نویسندگان مقالات می باشد.



پیمان خان محمدی
(۱۳۶۶)
دبیر موفق و مؤثر. ایلام

فوق دیپلم آموزش ابتدایی دارد و در حال ادامه تحصیل در رشته علوم اجتماعی در دانشگاه شهید رجایی تهران است. در کار خود موفق و دارای حسن معاشرت با دانش آموزان است و دانش آموزان نیز به وی علاقه دارند. پیمان خان محمدی در دو سال پایانی (۸۸-۸۹) به عنوان معلم نمونه در استان معرفی شده است. در دوره دانشجویی به لحاظ حسن اخلاق و موفقیت در رشته آموزش ابتدایی، در مرکز تربیت معلم شیراز، یک سفر حج به وی تعلق گرفته که امری حائز اهمیت است.



• معلم فداکار

سجاد مبرزى دانش آموزى است كه مرحوم «محمود رضا واعظى نسب» جان او را نجات داده است؛ او با يادآورى روز حادثه مى گويد: «دانش آموزان چند كلاس از جمله كلاس ما و كلاس آقاى واعظى نسب را به همراه معلم هايمان به اردوى يکروزه در باغروى نيشابور برده بودند. آقاى واعظى نسب به ما گفت: «بياييد با بچه هاى كلاس ما فوتبال بازى كنيد.» و ما هم مشغول بازى شديد.

سجاد ادامه مى دهد: «آقاى واعظى نسب و معلم ما و يکى از معلم ها کنار زمين راه مى رفتند و بازى بچه ها را تماشا مى کردند. آقاى واعظى نسب از يکى از بچه ها خواست برايش آب بياورد و او يک بطرى آب به آقاى واعظى نسب داد و ما دوباره مشغول بازى شديد. آخر هاى بازى بود كه مدير مدرسه خواست چند تا از بچه ها همراه او بروند تا براى ناهار نوشابه بخرند. من هم کنار دروازه ايستاده بودم و حواسم به توپ بود. يک دفعه نمى دانم چه شد كه ديدم آقاى واعظى نسب به سمت من دويد و من در يک لحظه به سمتى پرت شدم.»

مبرزى ادامه مى دهد: «ابتدا فكر كردم يکى از بچه ها قصد داشته است با من شوخى كند و مرا هل داده است، اما وقتى بلند شدم، ديدم كسى روى زمين افتاده است. وقتى به طرف او رفتم، ديدم آقاى واعظى نسب است. ميله دروازه روى زمين افتاده بود و از سر و صورت آقاى واعظى نسب خون مى ريخت. صورتش بدجورى اسيد ديده بود. ميله دروازه آن قدر سنگين بود كه پنج شش نفرى آن را بلند كرديم.»

سجاد در باره علت افتادن ميله دروازه گفت: «جايى كه ميله كار گذاشته شده بود، ناهموار بود و ميله خوب توى زمين فرو نرفته بود، آن روز بادهائى تندى هم مى وزيد. همين باده ها ميله را حسابى تكان داده و آن را شل کرده بود. بر اثر تكان هاى

ما و ضربه هاى توپ، ميله داشت روى من مى افتاد كه آقاى واعظى نسب خودش را روى من انداخت.»
اين دانش آموز «مدرسه شهداى ابراهيمى» مى افزايد: «روزي كه اين اتفاق براى آقاى واعظى نسب افتاد، روز تولدش بود. او به بچه ها گفته بود كيك و ميوه بخرند كه وقتى از اردو برگشتيم، جشن تولد بگيريم. اگر آقاى واعظى نسب نبود، [شايد] من الان بايد به جاي او در آن دنيا مى بودم.»

وى درباره خصوصيات مرحوم واعظى نسب مى گويد: «خيلي با شاگرد هايش خوب و صميمى بود. ميانه خوبي با فوتبال نداشت، اما به تئاتر و برنامه هاى هنرى خيلي علاقه داشت. البته بعضى وقت ها تئیس بازى مى كرد. تئاتر هاى كه آقاى واعظى نسب با ما كار کرده بود، سه سال پشت سر هم در سطح شهرستان اول شد.»

سجاد ادامه مى دهد: «آقاى واعظى نسب بهترين معلم مدرسه بود و با بچه ها خيلي شوخى مى كرد. من نديدم يك بار بچه ها را بزند يا آن ها را دعوا كند.»

مبرزى به اين كار معلمش «فداكارى» مى گويد و ادامه مى دهد: «اگر من هم جاي معلم بودم، همين كار را مى كردم. بعضى ها هستند كه فكر خودشان هستند، اما افرادى هم هستند كه هميشه براى فداكارى آماده هستند و آقاى واعظى نسب اين گونه بود.»
سجاد سعى مى كند هفته اى يك بار به منزل معلم فداكارش محمود واعظى نسب برود تا اگر براى همسر و دو دختر كوچكش كه خيلي زود طعم يتيمى را تجربه کردند، كارى از دستش بر بيايد، انجام دهد.

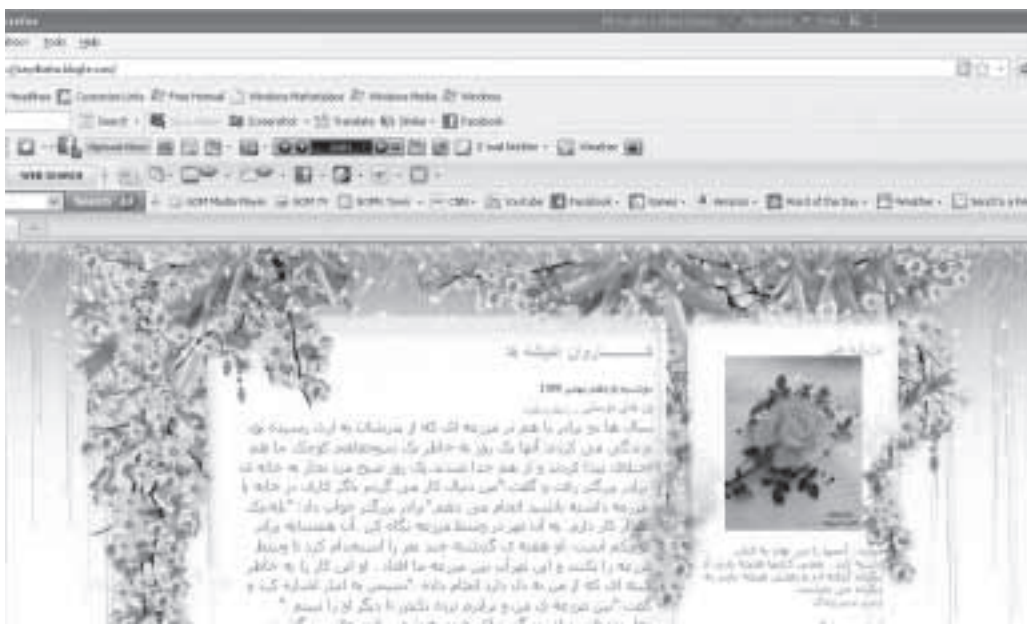
آقاى واعظى نسب هميشه كنار من است.

سجاد مى گويد: «بارها آقاى واعظى نسب را در خواب ديده ام. يك بار در خواب ديدم كه سر مزار او رفته ام كه از خاك بيرون آمد و به من گفت: سجاد جان! فكر نكنيد من فوت کرده ام، فقط



مهدى حزب اللهی
(۱۳۵۶)
دبير، مؤسس. معلم نمونه
کشوری. میامی (سمنان)

مهدى حزب اللهى دبير دينى و غربى است و از سال ۱۳۷۶ تا كنون در شهر ميامى، خدمت مى كند. وى مى گويد، هيچ آرزويى جز معلمى نداشته و اكنون خدا را هزاران مرتبه شكر مى گويد كه در اين مسير قدم نهاده است. حزب اللهى چند سال پيش دفتري را با نام «دبيرخانه مجلات رشد» در ميامى براى كل استان سمنان تاسيس كرد و با پشتيبانى اداره كل آموزش و پرورش استان، به ترويج مجلات در ميان معلمان، از طريق طرح سؤال و مسابقه و... كمك شايانى كرد. وى دبيري فعال است. در سال ۸۸-۸۷ معلم نمونه كشوري شد و تا كنون در بسيارى از مسابقات علمى، ورزشى، آموزشى، پرورشی... رتبه هاى ممتاز به دست آورده است.



بادهای شدید، گرد و غبار و سر و صدا می شود و گرمای تابشی بر محوطه را تا حدود ۴۰ درصد کاهش می دهد.

• روش های نو!

در دوره ابتدایی، [از چند سال پیش] کتاب های درسی عوض شد. مطالب درسی به کلی دگرگون گردید؛ از کتاب فارسی اول گرفته تا ریاضی پنجم، همه و همه تغییر کرد. کتاب فارسی به دو کتاب بخوانیم و بنویسیم تبدیل شد. واژه ها و کلمات تغییر کرد و روش های تدریس هم، هم سو با کتاب ها، یکی پس از دیگری عوض شد. آزمون ها هم دست خوش این حوادث قرار گرفت. ارزش یابی کتبی، نمرات مستمر، کارنامه ماهانه و نمره ۲۰ زیبا و نام آشنا برای دانش آموزان و اولیا هم عوض شد و به تاریخ پیوست. همایش ها برگزار گردید، جلسات توجیهی و آموزش عمومی و اختصاصی گذاشته شد، تا بلکه آموزش و پرورش ما با این تغییر و تحولات بتواند تکانی به خود دهد و نتایج بهتری کسب کند. همگام با کتاب ها و روش های تدریس، در نظام اداری هم تغییراتی به وجود آمد. نمایندگی ها به مجتمع های آموزشی تغییر داده شد. سمت ها و القاب جدید به وجود آمدند. غیر از مدیر، معاونانی به نام های پرورشی، آموزشی، عمومی، اجرایی، فناوری و... و انقلاهی در آموزش و پرورش ایجاد شد، اما...

اما کلاس های درس و میز و نیمکت های معمول کلاس، کمافی السابق، در جای خود باقی مانده اند؛ می گویند آموزش باید به صورت مشارکتی و دانش آموز محوری باشد. دانش آموز با مشورت هم کلاسی هایش می تواند مجهولات را کشف کند. معلم فقط نقش راهنما را در کلاس درس بازی می کند. نمی دانم دانش آموزانی که روی میز و نیمکت به صورت مرتب و پشت سر هم می نشینند، چگونه باید مشورت کنند؟ آیا آن هایی که طراح این روش ها و شیوه های نوین هستند، خود کلاس های درس را دیده اند؟ کلاس های گروهی و مشارکتی چگونه است؟ چرا آن همه تغییرات، تحولی در تغییر میز و نیمکت ها ندارد؟ چرا نرم کلاس ها از ۳۰ نفر به بیست نفری استاندارد ارزش یابی کیفی توصیفی تغییر نکرد؟ مگر نه این که ما می خواهیم آموزش را متحول سازیم تا کشورمان را به موفقیت در عرصه های علمی و صنعتی و... در جهان برسانیم. به گفته کارشناسان «آن هایی که فقط کارشناس اند» کتاب و آموزش به تنهایی نمی توانند این راه را طی کنند، باید در کلاس های مشارکتی و گروهی از میز گرد و وسایل آموزشی مربوط به هر درس استفاده کرد. یعنی کلاس درس هم از کلاس به کارگاه آموزشی تغییر نام دهد و هر کارگاه مخصوص درسی باشد. در کارگاه آموزشی، دانش آموز محوری و روش های مشارکتی را می توان اجرا نمود؛ آن هم کارگاهی که حداکثر ۲۰ نفر دانش آموز در آن آموزش داده شوند. در غیر این صورت، با تحولات انجام شده در آموزش و پرورش، می توانیم بگوییم که موفقیت ما چنان چشم گیر نخواهد بود. الله علم.

سیدبهاءالدین حسینیان

جسم من از میان شما رفته و روحم همیشه کنار شماست و شما را می بینم. و حتی درباره خانواده اش از من پرسید. سجاد می گوید که مفهوم این خواب ها را نمی فهمد، اما می داند که او راست می گوید.

• زیباسازی مدرسه

اصول زیباسازی مدرسه

۱. زیبایی های مدرسه باید از دیدگاه کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد. چون افراد در شرایط سنی مختلف، درک های متفاوتی از زیبایی دارند. بنابراین، همه چیز باید از زاویه دید دانش آموزان حاضر در مدرسه زیبا باشد تا دانش آموزان بتوانند آن را دوست بدارند و لذت ببرند و با آن ارتباط برقرار نمایند.
۲. شرایط سنی و روانی کودکان و نوجوانان باید در خلق آثار زیبایی مدارس مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال، دانش آموزان مدرسه ابتدایی از یک نقاشی زیبای کودکان، بیش از یک تابلو خط یا نقاشی لذت خواهند برد و دانش آموزان دبیرستانی سر در ورودی زیبا را بیش از نقاشی بر دیوار دوست دارند. هم چنین، جنسیت دانش آموزان (دختر یا پسر) در کیفیت حظ بردن از آثار زیبا و دوست داشتنی اثر می گذارد و باید مورد توجه باشد.
۳. رعایت شرایط فرهنگی، اقلیمی و بومی در خلق آثار زیبایی مدارس ضروری است. لذتی که دانش آموزان مناطق گرم سیر و خشک از ترسیم تابلویی زیبا حاوی درختان سرسبز و آب دریا روی دیوار مدرسه می برند، شاید بیشتر از لذتی باشد که دانش آموزان مناطق شمالی کشور از همین تابلو می برند.

در ورودی

اولین برخورد دانش آموز با فضای فیزیکی مدرسه در هنگام ورود و نیز آخرین برخورد او زمان خروج از مدرسه، در محل در ورودی اتفاق می افتد. لذا چگونگی طراحی و اجرای آن در حالات روحی دانش آموز تأثیر می گذارد. در زیبا بارنگ مناسب، گرم و شاد، به همراه سردر جذاب، دانش آموز را به داخل مدرسه فرامی خواند.

راهروها و دیوارها

فضای فیزیکی کلاس ها و راهروها و دیوارها می تواند حامل پیام برای دانش آموزان باشد و روح و روان آنان را تحت تأثیر قرار دهد. تنها کلاس مرکز یادگیری نیست، بلکه راهروها نیز می توانند موجبات آموزش و یادگیری را فراهم آورند.

حیاط مدرسه (محوطه سازی)

حیاط مدرسه به عنوان بخشی از فضای فیزیکی مدرسه نقش قابل توجهی در فرایند یادگیری دارد. دانش آموزان پس از یک جلسه فعالیت آموزشی، دقایقی را به عنوان زنگ تفریح از کلاس خارج می شوند و به حیاط می آیند تا رافع خستگی کنند و مجدداً به کلاس باز گردند. بنابراین، حیاط مدرسه به عنوان مکان استراحت و تفریح، باید قابلیت اجرای برنامه های زیر را داشته باشد: فضای سبز و درختکاری در مدرسه، برای شادابی و نشاط دانش آموزان بسیار مؤثر است. فضای سبز موجب تولید اکسیژن، افزایش رطوبت و در نتیجه فراهم آوردن هوای تازه و خنک می شود. هم چنین، باعث محافظت محیط در برابر وزش



احسان الله
امیر عبد اللهیان
(۱۳۳۵)

دبیر، مدرس و مؤلف دامغان

دانش آموخته دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی و کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی است. در سه دهه گذشته، در مدارس، مراکز تربیت معلم و مراکز عالی در استان تدریس کرده، هم زمان به پژوهش در حوزه تاریخ و فرهنگ شهرستان دامغان نیز پرداخته و اکنون نیز به تدریس در مراکز عالی مشغول است. از آثار تألیفی اوست:
۱. روند توسعه نهادهای فرهنگی دامغان
۲. مقالاتی درباره قومس (فصلنامه قومس)
۳. ناگفته های درباره مزار منوچهر دامغانی، ضمناً نام برده عضو کمیته میراث فرهنگی استان و عضو هیئت امنای کتابخانه های استانی است و با دانش نامه مشاهیر و مفاخر دامغان همکاری دارد.

باز هم
همان
موضوع
انشای
همیشگی،
اما این بار
از منظری
دیگر

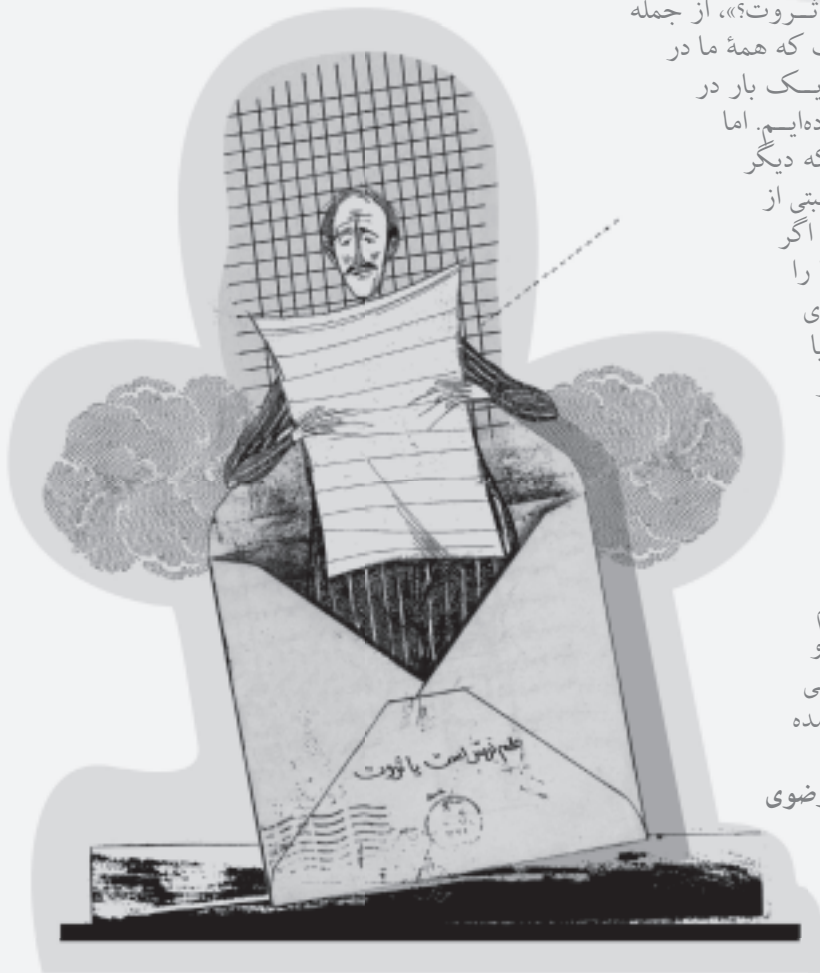
علم بهتر است یا ثروت!

اشاره

«علم بهتر است یا ثروت؟»، از جمله موضوعات انشایی است که همه ما در دوران تحصیلمان لااقل یک بار در باب آن قلم فرسایی کرده ایم. اما آیا در وضعیت فعلی که دیگر دانش‌آموز نیستیم و صحبتی از نمره و امتحان نیست، اگر بخواهیم دوباره این انشا را بنویسیم، باز هم حرف‌های آن زمان را می‌نویسیم یا حرف‌هایمان رنگ و بویی دیگر دارند؟

آن چه در ادامه می‌آید، نگاه دوباره‌ای است به این موضوع که متأثر از حال و هوای زمانه‌ای است که در آن به سر می‌بریم و در قالب نامه‌های رد و بدل شده بین دو هم کلاسی قدیمی به نگارش در آمده است.

سیدحسین رضوی



نامه اول

دوست در یاد مانده ام امیرعلی

اگر به گنجینه خاطرات سال‌های دورت رجوع کنی، مرا به یاد خواهی آورد. من عماد هستم؛ دوست و هم‌کلاسی تو در دبستان معرفت. از جدایی مان سال‌ها می‌گذرد. بعد از این که من و خانواده‌ام از آن محله رفتیم و مدرسه‌ام نیز تغییر کرد، از تو و دیگر

بچه‌های محل بی‌خبر ماندم.

بعدها نیز آن قدر درگیر کار و زندگی شدم که دیگر نتوانستم سری به آن جا بزنم. آرزویم این بود که برای یک بار دیگر هم که شده، به آن جا بیایم و خاطرات گذشته‌ام را زنده کنم. ولی افسوس که این فرصت پیش نیامد و من در حسرت دیدار با گذشته و کودکی‌ام ماندم. حالا هم که می‌بینی نامه غیر منتظره‌ای



سیدلا محبویه سدیدی

دبیر عربی، معلم نمونه
کشوری، پژوهشگر اهل قلم،
کرج

دارای مدرک کارشناسی ادبیات عرب از دانشگاه شهید چمران اهواز و کارشناسی ارشد علوم قرآنی و حدیث، با رتبه اول، از دانشکده اصول دین علامه عسکری در تهران است. اکنون در مدارس کرج به تدریس اشتغال دارد. در کارنامه قلمی و پژوهشی خانم سدیدی، ۸ کتاب، ۱۰ مقاله و کسب ۹ رتبه، طی سال‌های خدمت درج است. اسامی چند اثر ایشان را می‌آوریم: کتاب‌های جامع العربی، تاریخچه قرآن و پندهای آسمانی، ترجمه مبادی العربیه (۳ جلد)، نامه‌های سیاسی و اجتماعی امام علی (ع)، درخواست‌های عارفانه امام سجاده، هم چنین مقاله‌های زندگی‌نامه متنی شاعر عرب، امام علی (ع) از دیدگاه مفسران اهل سنت، و امام خمینی تجسم ارزش‌ها.



نصر الله صالحی
(۱۳۴۳)

مدرس تربیت معلم، پژوهشگر
نمونه تاریخ، تهران

نصر الله صالحی در کرج متولد شده است. دوره کارشناسی و سپس کارشناسی ارشد رشته تاریخ را در دانشگاه شهید بهشتی و دوره دکتری این رشته را در دانشگاه تهران گذرانده است. دکتر صالحی در حال حاضر در مرکز تربیت معلم شهری تدریس می کند. هم چنین مسئولیت بخش تاریخ عثمانی را در دانش نامه جهانی اسلام، زیر نظر دکتر غلامعلی حداد عادل، به عهده دارد. او که در سال ۱۳۸۹ از سوی وزارت آموزش و پرورش، پژوهشگر نمونه شناخته شده، تا کنون آثار ارزشمندی را در رشته تاریخ پدید آورده است که از جمله عبارت است از: راهکارهای آموزش درس تاریخ (نشر شورا)، ترجمه تاریخ عثمان پاشا (طهوری)، گنجینه خواف، یادداشت های سید حسن مدرس در تبعید (طهوری).

برایت نوشته ام و یادی از تو کرده ام، برای این است که چند وقت پیش از این، جمال حدادی، دوست مشترک دوره دبستانمان را اتفاقی در دفتر مدرسه محل کارم دیدم. از دیدن هم، بعد از آن همه سال، کلی خوش حال شدم و خاطرات دوران با هم بودنمان را مرور کردیم؛ از بازی روزگار و جدایی و پخش و پلا شدن بچه محل هاصحبت کردیم.

تا یادم نرفته بگویم که من هم برای خودم کسی شده ام و بعد از کلی جان کندن و سختی، توانستم در دانش سرای تربیت معلم قبول شوم و الان معلم یکی از مدرسه های پایین شهرم. از شانس روزگار، در همان مدرسه ای مشغول کارم که پسر جمال شاگرد آن جاست. روزی که جمال را دیدم، آمده بود تا احوال درس پسرش را بپرسد و این اتفاق باعث شد ما یکدیگر را پیدا کنیم. از دیدن جمال بعد از آن همه سال یک خوردم. با هم در باره آن قدیم ها حرف زدیم. از جمال، سراغت را گرفتم و جوایای احوالت شدم. جمال می خواست چیزی را از من پنهان کند، اما آخر به حرف آمد و گفت که تو در زندان هستی و گرفتار شده ای. اما دلیلش را به من نگفت. باورم نمی شد که تو آن جا باشی. راستش را بخواهی، سفارش او بود که این نامه را برایت نوشتم. او از من خواست یا به دیدنت بیایم یا لااقل نامه ای برایت بنویسم.

الان هم خیلی مشتاق دیدنت هستم، اما گرفتار کار و مدرسه ام. ان شاء الله فرصتی فراهم بشود تا بتوانم به دیدنت بیایم. ولی برایم خیلی مهم است قبل از این که سری به تو بزنم، بدانم که چرا به زندان افتاده ای. تو که آن جا جای نیست. چرا خودت را اسیر آن چهار دیواری کردی. چرا!! چرا!!؟

به امید دیدار
عماد

نامه دوم

آقا عماد یا بهتر بگویم آقا معلم سلام!!

سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت، سرها در گریبان است کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را و گر دست محبت سوی کس یازی به اکراه آورد دست از بغل بیرون که سرما سخت سوزان است

بی وفا! تو هم تو این وضعیت فرصت گیر آوردی، برام ادای آقا معلم ها را در می آری. سبن جیمم می کنی، اصول دین ازم می پرسی، دفتر نمرهات را به رُخم می کنی.

افتادن به زندون که چرا نداره؟ افتادم که افتادم!!

آقا معلم! این احوال پرسیدن های تو منو یاد انشای همیشگی دوره مدرسمون می ندازه که می گفتن بگین «علم بهتره یا ثروت». نمی دونم تو هم سر کلاسات این موضوع رو برای شاگردات می گی یا نه؟!

ولی اگه یادت باشه، وقتی این انشا رو می نوشتیم، همه مون بدون استثنا یک چیزو می نوشتیم و جالب این که همه مون با این عبارت شروع می کردیم که «البته بر همه ما واضح و مبرهن است که علم از ثروت بهتر است...» و جالب تر این که همگی برای این که نمره بیشتری بگیریم، هر چه بیشتر از منزلت علم داد سخن می دادیم و فحش و نفرین نثار ثروت می کردیم. ولی خدا و کیلی، آرزوی همه ماها داشتن به دو چرخه، به جفت کفش فوتبال و لباس های بدون وصله بود و اگه نبود نمره سیزده و چهارده انشا،

شاید همگی متفق القول می نوشتیم: «ثروت بهتر است از علم». چون اگه ثروت داشتیم، علاوه بر رسیدن به همه آرزو هامون، می تونستیم در بهترین مدرسه درس بخونیم، با ماشین شخصی رفت و آمد کنیم و معلم خصوصی بگیریم.

به خودم می گم، کاش به بار قید انشا رو می زدم و دست از اون دروغ پردازی های شاعرانه برمی داشتم و حرف دلم رو می نوشتم؛ حرف دل خیلی از بچه محل ها رو. حرف دل ابراهیم خلیفه را که زنگ های تفریح قایمکی از مدرسه می زد بیرون و از نونوایی باباش که کنار مدرسه بود، نون تافتون می آورد و همه می ریختیم سرش و تو هوا نوناشو می قاپیدیم. حرف دل خدا بیامرز عادل هاشمی، که تو اون سال ها کلیه هاشو از دست داده بود و مادرش همیشه در مدرسه منتظر بود که عادل رو بره دیالیز و آخر الامر که نتوانستند پولی دست و پا کنند و براش کلیه ای بخرن، عادل رفت به دیار باقی. حرف دل جلیل کبابی رو که چه طور می رفت می ایستاد کنار منقل مغازه کبابی سر چهارراه که دود کباب بهش بخوره، وقتی هم که می اومد به کلاس، بوی کباب همه جا رو می گرفت. حتی کیف و کتابش هم بوی کباب می داد. جلیل وانمود می کرد که هر روز کباب می خوره. همیشه بچه ها بهش می گفتن خوش به حالت جلیل. تا این که بالاخره به روز دستش رو شد. جلیل عاشق کباب کوبیده بود، ولی هیچ وقت، لااقل تا موقعی که دوران دبستان را می گذروند و با ما هم کلاس بود، برای به بار هم که شده، طعم کباب کوبیده رو نچشیده بود.

حرف دل خودم که برای به لقمه نون و یک تکه جا می بایست شبا تا صبح تو خونه اون خر پول، مثل سنگ کشیک بدم و از مال و اموالش مواظبت کنم. صبح هم که می شد، خستگی و خوابم رو بیارم تو کلاس. اصلا حرف دل خود تو. مگه همیشه توی کیفیت ترازوی وزن کشی نبود که سر میدون بازارچه با اون پول در می آوردی و زندگی خودت و ننهات را می چرخوندی. مگه غیر از این بود؟ همه مون تو چنین وضعی بودیم.

در تعجبم که چرا با این اوضاع و احوالی که درگیرش بودیم، تو کلاس انشا یکی مون بلند نمی شد تا صاف و پوست کنده، همه چیزو بریزه رو دایره و واقعیت رو بگه؟

بگذریم که یادآوری اون خاطرات و اون روزها روح و دلمون رو آزار می ده. تازه خدا به بچه هامون رحم بکنه که وضعیتشون دست کمی از ما نداره. شاید بدتر هم باشه.

حالا به پاس محرومیت های ابراهیم خلیفه، عادل هاشمی، جلیل کبابی، خودم، تو و برویچه های دیگه، از این فرصت تاریخی استفاده می کنم و با شهادت هر چه تمام تر می گم: «ثروت بهتر است از علم»، هر چند نمره انشام صفر بشه.

آقا معلم حالا جوابتو گرفتی. فهمیدی که چرا افتادم زندون.

به هر حال از نامه ای که برام نوشتی و یادی که ازم کردی، به دنیا ممنونم و خوش حالم که تو نستیم با این نامه چیزی رو که تو دلم عقده شده بود، برای دوستی چون تو باز گو کنم و دلمو خالی کنم.

خدا پشت و پناهت باشه. وقت کردی سری هم به من بزن. منتظرتم

امیر علی

زندان - بند مجرمان مالی

مدرسه‌های امروز

سیدابراهیم حسنی

متولد ۵۱ شمسی ام. بنابراین، سال اول مدرسه‌ام مصادف می‌شود با ایام آغازین انقلاب اسلامی. روزهای اول ورود به مدرسه‌ام را درست به یاد دارم. شور و هیجان و شوق و ذوق انقلابی خاصی در چهره و رفتار معلم‌ان دیده می‌شد. حال و هوای پیروزی انقلاب، رمق خاصی در وجودشان نهاده بود. آن وقت‌ها تازه شاخه‌های امید سرکشیده بودند و روحیه و امید خاصی در وجود افراد نهفته بود. معلم‌ها به آن‌چه که می‌گفتند و می‌نوشتند اعتقاد داشتند. برعکس اکنون که هر چه می‌بینی...

اولین دوستم همان هم‌شاگردی کنار دستی‌ام بود. بسیار کم حرف بود و به درس و کتاب عشق داشت. از حالات و روحیاتش برمی‌آمد که آماده دریافت درس‌هایی است؛ گویی خانواده‌اش از سال‌ها قبل برای کسب معلوماتی در مدرسه، آماده‌اش کرده بودند. او بعدها از شاگردان ممتاز شد و اینک به درجاتی رسیده است. روح تلاش و علاقه‌اش به درس، از همان روزهای نخست به ما انگیزه می‌بخشید.

آن وقت‌ها دور و بر این جور دانش‌آموزان شلوغ می‌شد. همه مشتاق هم‌جواری با او بودند و زرنگی را در این می‌دانستند که سرکلاس یا بیرون از کلاس، با امثال او بگردند؛ برعکس حالا که همه دوست دارند دور دانش‌آموز شلوغ و پر حرف که از هری پاتر تا جومونگ حرف می‌زند، حلقه بزنند... حتی معلم‌های امروزی هم بیشتر ناز چنین دانش‌آموزانی را می‌کنند و...

اولین نکته‌هایی که فراگرفتم، «خدا یکی است» بود و نماز و احترام به پدر و مادر.

یادم می‌آید، اولین باری که تشویق شدم، وقتی بود که حمد و سوره‌ام را سرکلاس کامل خواندم؛ با صلوات و نمره. برعکس حالا که اسم فلان کارتون خارجی و بازیکنان

فلان تیم را از دانش‌آموزان می‌پرسند و هر که بهتر دانست، با برچسب باری، کف و سوت و هورا تشویق می‌شود. اولین دیدار من با معلم، انسان مهربانی بود که در روز اول با ظاهری آراسته و باوقار وارد کلاس شد. با نام خدا سخن آغاز کرد و با ما با احترام صحبت کرد. آن معلم‌ها می‌آمدند تا چیزی یاد بدهند، و کاستی‌های تربیتی کودکان را جبران کنند و ارتقا ببخشند، نه برای حقوق و گذران ایام و... و ما آن‌گاه به درستی احساس می‌کردیم که بزرگ شده‌ایم. حال و هوای کودکی داخل خانه از سرمان می‌پرید. به طوری که در کنار رشد جسمی، رشد فکری را نیز در خود احساس می‌کردیم و هر روز نکته‌هایی می‌آموختیم.

معلم‌های آن وقت، برای نگاه‌های ظریف طفل‌های معصوم، ارزش قائل بودند. حجب و حیا و عفت در گفتار و کردارشان موج می‌زد. برعکس حالا که دانش‌آموزان هر چه از ادب و تربیت در خانه فراگرفته‌اند، در مدرسه از دست می‌دهند...

اما چه چیزی تعلیمشان می‌دهند، جز آن‌که همه فراگرفته‌های تربیتی داخل خانه را از ذهنشان خارج می‌سازند و جهت منفی و به قول خودشان به‌روز به آن‌ها می‌بخشند (که شواهد آن‌را باید در همین رفتارهای دانش‌آموزان در خانه و جامعه، و پایین آمدن سن بزهکاری و... جست). من به‌عنوان ولی دانش‌آموزی که دغدغه تربیت فرزند خویش را در سر دارد... نمی‌دانم با این اوضاع، کار دانش‌آموزان امروزی به کجا خواهد انجامید و آیا اصلاً نکته‌ای برای نقل و بیان و بهانه‌ای برای افتخار آیندگان و خاطره‌ای برای گفتن و نوشتن در دفتر خاطرات شاگردان مدارس امروزی باقی خواهد ماند؟ نمی‌دانم!

کارشناس سازمان تبلیغات اسلامی



حبیب تقوایی
(۱۳۴۳)

مدرس و مؤلف، مازندران

در شهرستان نهبندان به کار اشتغال دارد و هم‌زمان عضو فعال مجمع خیرین نهبندان، عضو کمیسیون امور بانوان این شهرستان و رابط امور بانوان با مدیریت آموزش و پرورش است. از ویژگی‌ها و فعالیت‌های اوست: پی‌گیر در حل مشکلات دانش‌آموزان، ارتباط مؤثر با اولیا، تهیه منابع آموزشی و مجلات رشد برای دانش‌آموزان، برگزار کننده کارگاه‌های آموزشی، شرکت فعال در برگزاری نشست‌ها و نمایشگاه‌ها جهت آموزش زنان و دختران. خاتم عباسی با نوشتن چند مقاله در موضوعاتی چون، تعلیم و تربیت در اسلام، حجاب و عفاف و اصلاح الگوی مصرف در سال جاری حائز رتبه برتر شده است.

توضیح

آن‌چه خواندید، خلاصه شده یک نمونه از اظهارنظرهایی است که بعضاً راجع به کیفیت تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان کشورمان می‌شنویم یا می‌خوانیم. و ما لازم دیدیم، بر این مطلب توضیحی اضافه کنیم.

موضوع تربیت فرزندان، دغدغه پدران و مادران در همه زمان‌ها بوده است و این دغدغه امروز بسی بیشتر از دیروز است. این را افزایش تعداد مدارس و دانش‌آموزان و سرمایه‌گذاری روزافزون دولت و مردم در امر آموزش و پرورش گواهی می‌دهد. اتفاقاً نوشته آقای

سیدابراهیم حسنی نیز خود دلیل براین امر است. شک نیست که ما در مدارس امروز خود با چالش‌ها و مشکلاتی اعم از مشکلات آموزشی، تربیتی، دینی، اجتماعی و... روبه‌رویم؛ کما این‌که در گذشته هم به گونه‌ای دیگر با این مشکلات روبه‌رو بودیم. اما در این‌که، به قول معروف، احساس کنیم مدارس و معلمان گذشته همه خوب بوده‌اند و امروز نیستند و به قول معروف «هر سال دریغ از پارسال»، باید تأمل کرد. بویژه وقتی که شاهد منحصر به یک نمونه و احیاناً یک مدرسه می‌شود:

مدرسه خودم در دیروز و مدرسه فرزندم در امروز!! که این را باید یک تجربه شخصی دانست و نه وضعیت عمومی مدارس و معلمان. بدون آن‌که بخواهیم واقعیت‌های منفی یا مغفول‌مانده در آموزش و پرورش را کتمان کنیم. نباید تردید کنیم که ما امروزه معلمانی به مراتب مجرب‌تر، مسئولیت‌پذیرتر، آگاه‌تر، دانش‌آموزانی هشیارتر و مدارس با ساختمان‌های بهتر و مجهزتر نسبت به دو یا سه دهه قبل داریم. نظر شما چیست؟

رشد معلم

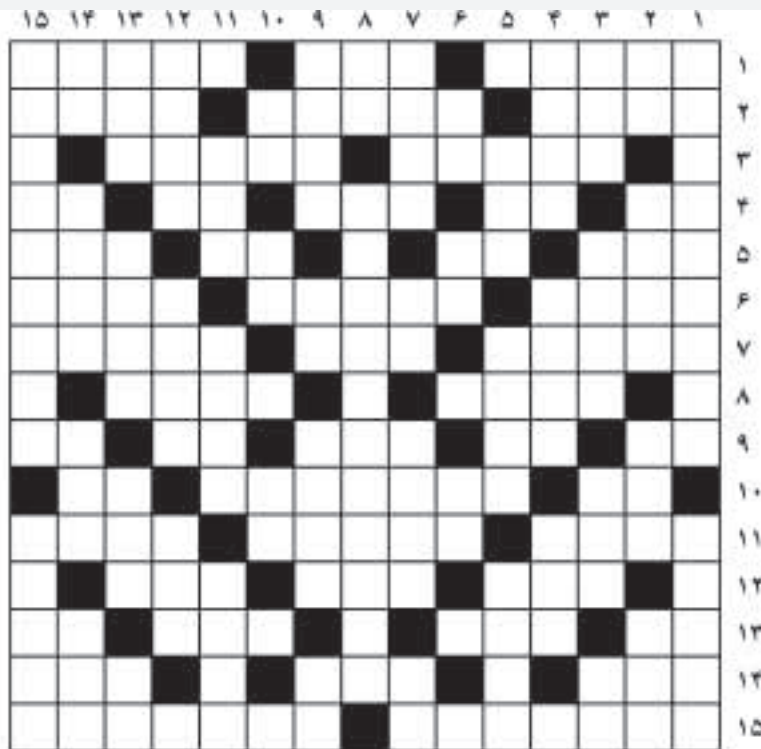
افکار، افکار، افکار

افقی

- ۱- نوعی تریاک که در قدیم برای مداوا بکار می‌رفت- از آیین هندو- ابزاری برای اندازه‌گیری بعد در اجسام بسیار کوچک
- ۲- سرو کوهی - ناصر الدین شاه هنگام رفتن به سر قبر این همسرش کشته شد- از ماهی‌های شمال ایران
- ۳- دیوی که به دست رستم کشته شد - واحد پول هند
- ۴- پهلوان - از زدن‌ها- یکی از دو بت بزرگ عصر جاهلیت-رها - جام جهان بین
- ۵- کلاه جنگی- خرس عرب - گونه- توپ قدیمی
- ۶- دالان زیر زمینی - شعری که در آن یاد جوانی کنند - نیرو
- ۷- آبگیر پهناور- معدن- یکی از دو رشته کوه بزرگ ایران
- ۸- وحشت - وسیله‌ای برای کوبیدن و خرد کردن
- ۹- الفبای موسیقی- بز-نر- از آلات موسیقی عزا- مظهر زیبایی- حرف معیت
- ۱۰- یکی از هفت خواهران نفتی- عریض‌ترین آبشار دنیا- از آحاد وزن
- ۱۱- کناره - رد شده - کوشش بسیار
- ۱۲- شهر اسلامی معروف در مراکش- سیاه ترک- مرد پرستار کودک
- ۱۳- باز کردن به ترکی آذری- جماعت و گروه- واحد سرعت هواپیما- ضمیر اول شخص جمع
- ۱۴- شهری در ترکمنستان- آرایش- از اقوام بزرگ ایرانی
- ۱۵- پایتخت کامرون - معادل فارسی ارکستر

عمودی

- ۱- اثر معروف و عظیم ویل دورانت- منسوب به کلام
- ۲- صیغه‌ای از فعل رفتن- موزه مشهور فرانسه- با توپ می‌آید- کلمه پرسش
- ۳- آری سر بالا- هم انسان دارد و هم ماشین- گزافه گویی- «ما»ی انگلیسی
- ۴- شهری در آذربایجان شرقی- از جزایر خلیج فارس- کنایه از مرکز و قلب یک چیز
- ۵- ذکر زیر لبی- از ظروف آزمایشگاه شیمی- از انواع ماشین سمند
- ۶- مکان - خدای دست ساخت- دریا
- ۷- از بخش‌های بدن- تردید- دزد- کلمه تحسین و تعجب
- ۸- مساوی - اثر معروف جین وبستر
- ۹- نام کوچک مارکس- از پسوندهای صفت‌ساز- از جزایر آتش‌فشانی در اندونزی
- ۱۰- تازه - دروازه‌ی دهان- نشان و اثر
- ۱۱- ایران‌شناس آمریکایی، مدفون در کنار زاینده‌رود اصفهان- بسیار زاینده- شتر بی کوهان
- ۱۲- نایب و نماینده- برجستگی سوختگی- از مژه‌های ناخوش
- ۱۳- نیمه حیوانات- نقاش فرانسوی- ضربه کوچک- ویتامین انعقاد خون
- ۱۴- تکرارش بازی بچه گانه است - همسایگی - صفحه‌ی نمایش- از اجزای گوارش
- ۱۵- سرزمین مربوط به قومی منقرض شده در قرآن- با آب می‌آید



طراح: مسعود آباد

پازل